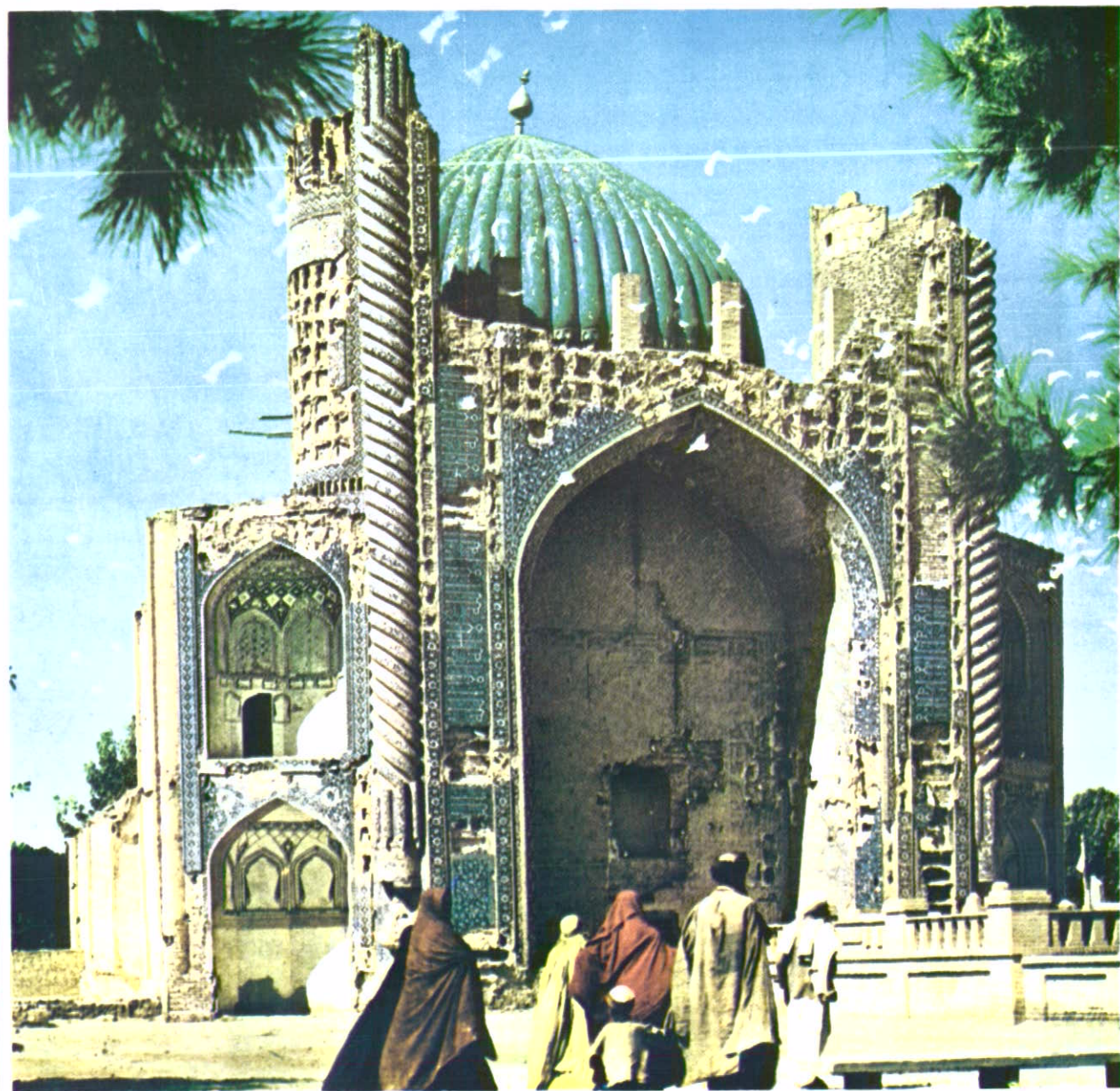


ویژه نامه ۲۲ بهمن

مجله آموزش جغرافیا

سال دوم شماره ۸ زمستان ۱۳۶۵ ۱۰۰۰ ریال





آموزش جغرافیا

شماره ۸۰ - زمستان ۱۳۶۵

نشریه گروه جغرافیا دفتر تحقیقات و برنامه - ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش نشانی: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ - گروه جغرافیا

تلفن: ۸۲۶۱۸۴

سردبیر: دکتر حسین شکویی

مدیر مسئول: عبدالرضا فرجی

زیر نظر اعضای هیئت تحریریه



عکس روی جلد: نمائی از مسجد بلخ که در سال ۸۶۰ ه. ش (۱۴۸۱ م) ساخته شده است.



عکس پشت جلد: آیفشانی در فرانسه.

فهرست مطالب

- * سرمقاله صفحه ۳
- * آموزش جغرافیا در مقطع دبیرستان ۴
- سیاوش شایان
- * مبانی و روش مطالعات ناحیه‌ای در ایران ۱۳
- دکتر اصغر نظریان
- * گسترش اسلام در آفریقا ۲۴
- منوچهر صادقی برزلیقی
- * مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران (علل و انواع آن) ... ۳۱
- (قسمت اول)
- دکتر رضا آبرملو
- * بررسی سیکل‌های جمعیتی در جهان ۳۵
- امامعلی حاضری
- * جزر و مد ۳۹
- جمشید فریفته
- * گرسنگی ۴۶
- سوری چوبک
- * معرفی کتب چاپی جغرافیائی دوران قاجار (قسمت ششم) ۴۹
- استاد جواد صفی نژاد
- * آشنائی با کشورهای جهان - آندورا ۵۳
- سعید بختیاری (موه‌سه گیتاشناسی)
- * مقالات جغرافیائی از مجلات جغرافیائی جهان ۵۵
- دکتر حسین شکویی
- * مقالات و اطلاعات جغرافیائی در نشریات ایران ۵۸
- * پرسش و پاسخ ۶۰
- گروه جغرافیائی دفتر تحقیقات
- * اخبار جغرافیائی ۶۲
- * کتابهای تازه ۶۵

قسمتهای فنی و هنری مجله: رشد آموزش جغرافیا شامل: حروفچینی، صفحه‌آرایی، لیتوگرافی، نقشه‌ها، تصاویر - جغرافیائی و چاپ، توسط موه‌سه، گیتاشناسی انجام گردیده است.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، چهارراه ولی عصر، جنب پارک دانشجو، خیابان ارفع، پلاک ۱۵ تلفن: ۶۷۹۳۳۵



هشتمین سال پیروزی انقلاب اسلامی را پشت سر گذاشتیم و در آستانه « نهمین سال عمر جمهوری اسلامی » قرار گرفته‌ایم. مردم ایران یکی از حساس‌ترین و پرفراز و نشیب‌ترین دورانهای تاریخ این کشور را در این هشت سال شاهد بوده‌اند. انقلاب اسلامی وسیع‌ترین گروههای اجتماعی را وارد صحنه نمود و تغییرات وسیعی را در همه ابعاد بوجود آورد که پرداختن به آنها کار بس سنگینی است، اما اگر بخواهیم کار خودمان را که همان جغرافیاست در این مدت بررسی کنیم مشاهده می‌شود که به برکت این انقلاب فعالیتهای زیادی انجام گرفته است.

در میان رشته‌های مختلف علمی می‌توان ادعا نمود که علم جغرافیا بیش از هر علم دیگری از برکات انقلاب اسلامی بهره برده‌است. روزی نیست که در روزنامه و یا نشریه‌های مقاله‌ای جغرافیایی وجود نداشته باشد و در رادیو و تلویزیون مطلب و یا فیلمی ارائه نگردد. گروههای جغرافیایی دانشگاهها و دیگر مراکز آموزشی و تحقیقاتی فعال بوده‌اند و علاوه بر تحقیق و تدریس، در انتشار مجلات، کتابها و نقشه‌های جغرافیایی کوشش نموده‌اند. گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی نیز در این مدت پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر تجدید نظر و تألیف حدود چهل کتاب درسی جغرافیا و روش تدریس در مقاطع مختلف ابتدائی، راهنمایی، دبیرستانی و تربیت معلم توانسته است از توانائی‌ها و همکاری دبیران عزیز جغرافیا در سراسر کشور در جهت اعتلای این علم بهره‌گیرد. و گروههای آموزشی جغرافیا در مناطق مختلف کشور توانسته‌اند به عنوان یکی از فعالترین گروههای آموزشی مطرح گردند.

طرح و تألیف ۲۴ جلد کتاب جغرافیای استانها که از همکاری مؤثر این عزیزان برخوردار بود و نیز سمینارها و ارتباط دائم آنها با گروه و نیز مسافرت کارشناسان گروه جغرافیا به استانها و مناطق آموزشی ضرورت این مسئله را نشان می‌داد. انتشار نشریه « آموزش جغرافیا » و همکاری اساتید محترم دانشگاهها و دبیران و دیگر محققین جغرافیا با این نشریه و استقبالی که از آن به عمل آمد، سبب شد که گروه جغرافیا بر اهمیت وظیفهای که بر دوش دارد پی‌ببرد و سعی بیشتری در جهت جوابگویی به غلاتقی که به این رشته علمی وجود دارد به عمل آورد.

برگزاری سمینارها و یا سخنرانیهای متعدد جغرافیایی در یکی دو سال گذشته در موضوعاتی همچون علل خشکی فلات مرکزی ایران، ویژگیهای جغرافیایی، زمین‌شناسی دریاچه ارومیه، جغرافیای ریاضی، مورفولوژی ایران در دوران چهارم، اقلیم ایران، گردش عمومی هوا، اهمیت مطالعات جغرافیای ناحیه‌ای، جمعیت ایران، مسائل مرتع و جنگل کشور، فرسایش‌های روان، آبخیزداری و درختان جنگلی و که توسط اساتید جغرافیا و نیز متخصصین تاکنون ایراد گردیده، از دیگر فعالیتهاست که این برنامه با نظم خاصی ادامه دارد و انتظار می‌رود در آینده با استقبالی که از این سخنرانیهها به عمل می‌آید، با همکاری اساتید گرامی جغرافیا ادامه پیدا کند.

امید است با بهره‌گیری هرچه بیشتر از انقلاب اسلامی فعالیتهای بیشتری در آینده از جمله « سمینار سراسری آموزش جغرافیا » در سال ۶۶ را شاهد باشیم.

والسلام

عبدالرضا فرجی



آموزش جغرافیا در مقطع دبیرستان

مترجم : سیاوش شایان

مقدمه :

در مورد آموزش جغرافیا در سطح متوسطه دوازده سؤال در پرسشنامه‌های گنجانیده شد. و برای آموزشگاههای متوسطه کشورهای آلمان فدرال، اسپانیا، ایتالیا، اتریش، ایسلند، بریتانیا (به تفکیک اسکاتلند، ایرلند، انگلیس و ویلز)، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، سوئیس، سوئد، فرانسه، فنلاند، قبرس، لوکزامبورگ، مالت، هلند و یونان (جمعا ۲۰ کشور) ارسال گردید.

سوالات انتخاب شده به صورتی بود که بتواند وضعیت آموزش جغرافیا را در این کشورها مشخص نماید. پاسخ‌های رسیده مورد تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی قرار گرفت و سعی شد تا گروه‌بندی‌هایی به عمل آید تا از پاسخ‌های پراکنده به سوالات جلوگیری شود. سؤال اول این بود که انواع آموزشگاههای متوسطه را توضیح دهند که چون این مطلب به کل سازمان آموزش متوسطه باز می‌گردد پاسخ‌های رسیده در مورد این سؤال در نتیجه‌گیری حذف گردید.

سؤال دوم : اهداف آموزش جغرافیا در مدارس متوسطه کشور شما چیست ؟

در بعضی موارد کشورها بر این نکته تأکید دارند که جغرافیا یکی از اجزای تشکیل دهنده هر نوع آموزشی محسوب می‌گردد.

بلژیک از جغرافیا به عنوان پایه مطالعات انسانی سخن می‌گوید و اسکاتلند آنرا به خاطر تفکر دقیق در امور انسانی، در آموزش عمومی سهم می‌شمارد و فرانسه جغرافیا را صاحب سهم در فرهنگ عمومی می‌داند. کشورهای فوق‌الذکر و بعضی کشورهای دیگر جغرافیا را بدین منظور آموزش می‌دهند تا دانش‌آموزان را با مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان به عنوان یک مکتب غیرقابل تفکیک آشنا نمایند. فرانسه در مورد آموزش جغرافیا می‌گوید :

« آشنا ساختن دانش‌آموزان با علمی که برای شناخت جهان امروز اجتناب‌ناپذیر می‌باشد ». و بلژیک اعلام می‌دارد : « درک جهان به صورت استدلالی ». هدف این کشور از آموزش جغرافیاست. انگلستان و ایرلند از جغرافیا به عنوان آشنائی با تمدن‌های جهان استفاده می‌کنند، و پرتغال امیدوار است از طریق آموزش جغرافیا به دانش‌آموزان دیدی کلی بخشد. و ژنو بر این نکته تأکید دارد : « فهم جهان و مسائل آن، آنچنانکه جغرافیدانان آنرا می‌بینند ». در بعضی کشورها تأکید ویژه بر این است که اهمیت توسعه اقتصادی و تجارت جهانی از طریق جغرافیا آموخته شود. مدارس بازرگانی و فنی طبعاً بر مفهوم اخیرالذکر تأکید دارند ولی در بعضی کشورها مثل ایرلند و نروژ وظیفه جغرافیا همان درک اهمیت توسعه اقتصادی و تجارت جهانی شمرده شده است.

یکی از مفاهیم جغرافیا داشتن دید کلی از جهان و آشنائی به

برنامه ریزی درسی جغرافیا در مقطع متوسطه امری است که باید با دقت و حوصله کافی و نیز با در نظر گرفتن روشها و الگوهای که سایر کشورهای با تجربه در این مورد بکار گرفته‌اند صورت گیرد و از دقت کافی برخوردار باشد زیرا هر گونه تصمیم‌گیری عجولانه باعث صدمات حیران‌ناپذیر به اهداف و روشهای آموزش جغرافیا و کسب نتیجه مطاوب خواهد شد. به منظور آشنائی با چگونگی آموزش جغرافیا در کشورهای مختلف جهان تا کنون سلسله مقالاتی در نشریه « آموزش جغرافیا » چاپ شده است که انشاءاً ... ادامه خواهد یافت. همچنین برای دریافت چگونگی اهداف و روشهای آموزش جغرافیا در کشورهای مختلف جهان و در مقاطع گوناگون تحصیلی بحث‌هایی لازم به نظر می‌رسد که مقالات چاپ شده در کتاب « آموزش جغرافیا در سطح مدارس » در این رابطه مفید تشخیص داده شد. این کتاب از سوی بخش فرهنگی جامعه اروپا منتشر گردیده است. با امید به آنکه انتشار اینگونه مقالات راهگشای برنامه ریزی درس جغرافیا در مدارس کشور ما باشد اقدام به ترجمه بخش مربوط به آموزش جغرافیا در مقطع دبیرستان از کتاب مذکور گردید، و بخش مربوط به آموزش جغرافیا در مقطع ابتدائی نیز در شماره‌های آینده چاپ خواهد شد.

مترجم

مسائل آن، آشنا ساختن دانش آموزان با طرق زندگی مردم در سایر سرزمین‌ها است. اگر دانش جغرافیا با حساسیت و دقت آموزش داده شود آنگاه زندگی مردم و مسائل آنها به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در فنلاند بر همین اساس به دانش آموزان از طریق آموزش جغرافیا فهم علمی و احترام به سایر ملل آموخته شده و در قدمهای بعدی همکاری بین ملت فنلاند و سایر کشورهای جهان آموزش داده می‌شود.

قبرس امیدوار است تا از طریق آموزش جغرافیا بذریعۀ علاقه به کشور خویش و سایر مردم و سرزمینهایشان را در دل دانش آموزان بیوراند و تفهیم نماید که کشور آنها اگر بخشی از جامعه جهانی شمرده می‌شود، باید با نواحی گوناگون جهان همکاری داشته باشد. اسکاتلند کوشش می‌کند تا با آموزش جغرافیا به دانش آموزان کمک نماید تا افرادی منطقی بوده و در سرزمین خویش و کشور خود و جهان شهروندانی با هوش باشند. در مدارس راهنمایی ایتالیا جغرافیا با تاریخ و علوم اجتماعی همراه است به طوری که آموزش آن دانش آموز را وادار می‌کند تا با احساس مسئولیت به حیات اجتماعی وارد گردد و در وحدتی که مردم تمام جهان در آن شرکت دارند، سهم خود را درزیابد. بعضی از کشورها مثل هلند از جغرافیا به عنوان یک احتیاج میرم برای تشویق همکاری بین مردم اروپا یاد می‌کنند.

طبیعتاً "جغرافیدانان توجه خاصی به اثرات متقابل بین انسان و محیط وی دارند. دانمارک در زمینه آموزش جغرافیا اعلام داشته است که: "ادراک عوامل جغرافیای طبیعی که بر زندگی بشر تأثیر می‌گذارند و وابستگی انسان به این عوامل و تأثیر انسان بر این عوامل" از اهداف عمده آموزش جغرافیا در این کشور است. مالت در آموزش جغرافیا این اهداف را دنبال می‌کند: "ارائه تصویری از زندگی بشر و کار در شرایط و عادات مختلف تحت تأثیر عوامل ناهمواری، اقلیم، رویش‌های گیاهی، منفعت بخشی زمین". و قبرس می‌گوید هدفش از آموزش جغرافیا به دانش آموزان این است تا "به او اجازه داده شود اثرات متقابل بین انسان و محیطش را مشاهده کند". به نظر می‌رسد که این هدف در همه کشورهای مشترک است و همه کشورهای جنبه‌های مهم آموزش علمی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

فرانسه به صورت مختصر و مفید چنین اعلام داشته است: "برای درک مسائل جغرافیایی افراد بشر محتاج به مشاهده، تفکر، قضاوت و حافظه می‌باشند و برای آموزش علمی و ریشه‌ای و سریع الحصول باید از این روشها استفاده کرد و نتیجه جغرافیایی حاصله جامعه عمل پوشیدن آمال انسانی با بکارگیری آموزش قوی و فهم صحیح مطالب است". اسکاتلند گرایش ذکر شده در فوق را چنین بیان داشته است:

"گسترش روشهای مشخصی که سودمند می‌باشند و مطالعه"

دانش آموزان در زندگی آینده خویش با استفاده از علم جغرافیا. ایرلند نیز نقطه نظر فوق را تأیید کرده است و پرتغال اعلام می‌نماید که:

"هدف از آموزش جغرافیا توسعه عادت مشاهده، قضاوت و بکارگیری قوه استدلال در دانش آموزان و القای وظیفه تحقیق به صورت علمی می‌باشد". اغلب کشورهای دیگر نقطه نظرات مشابهی ابراز نموده‌اند.

سؤال سوم: در آموزشگاههای مختلف چند ساعت در هفته در طول سال تحصیلی به آموزش جغرافیا اختصاص داده شده است؟

سؤال چهارم: آموزش جغرافیا چند سال در مدارس شما اجباری است و در جایی که اختیاری می‌باشد چند درصد دانش آموزان مطالعه جغرافیا را انتخاب می‌کنند.

جواب دو سؤال فوق را باید با یکدیگر بررسی کرد، و از این نظر کشورها را می‌توان به این گروهها تقسیم نمود:

الف - کشورهایی که جغرافیا در آنها در تمام دوره متوسطه اجباری است.

ب - کشورهایی که جغرافیا در آنها فقط در کلاسهای پائین تر اجباری است.

ج - کشورهایی که درس جغرافیا در بیشتر طول دوره تحصیل اختیاری می‌باشد.

الف: در اتریش آموختن درس جغرافیا برای تمام دانش آموزان اجباری بوده و تا سال آخر دوره متوسطه، دو ساعت در هفته تدریس می‌شود و در کلاسهای که این درس با تعلیمات مدنی همراه است، سه ساعت در هفته به این درس اختصاص داده شده است. در فرانسه جغرافیا برای همه اجباری بوده و یک ساعت تا یک و نیم ساعت در هفته تدریس می‌شود. در آلمان فدرال در کلاسهای پنجم تا هشتم ۱ تا ۱/۵ ساعت به جغرافیا اختصاص یافته و در کلاسهای دهم و یازدهم بین ۴۵ دقیقه تا یک و نیم ساعت جغرافیا تدریس می‌شود ولی در مدارس فنی و حرفه‌ای در هفته یک ساعت و نیم جغرافیا تدریس می‌شود. در کلاسهای دوازدهم و سیزدهم جغرافیا با تاریخ و علوم سیاسی ترکیب شده و درسی را به نام "تعلیمات مدنی" بوجود می‌آورد. بلژیک را می‌توان در این گروه کشورها جای داد زیرا جغرافیا بجز در تعداد کمی از کلاسهای مدارس فنی و حرفه‌ای برای همه اجباری بوده و یک تا دو ساعت در هفته تدریس می‌شود.

نروژ نیز مثل بلژیک است و جغرافیا را فقط در مدارس نایستانی حذف کرده است و در مدارس که سال تحصیلی عادی خود را ادامه می‌دهند و در دپارتمانهای محلی در هر هفته دو دوره بدان

اختصاص یافته است و در سیکل اول و دوم دبیرستانها در طی هفته دو تا سه بار تدریس می‌گردد.

ب: هشت کشور در این گروه جای می‌گیرند. در قبرس جغرافیا کلا " در هفته دو دوره برای سیکل اول دبیرستان و برای دبیرستانهای تابستانی تدریس می‌شود اما در سطح *Lykeion* فقط با درس اقتصاد همراه است.

در دانمارک، در سالهای اول و دوم دبیرستانهای عمومی درس جغرافیا در هر هفته یک تا دو بار تدریس می‌شود و درسی اجباری می‌باشد و بعد از آن به مدت دو سال با " مطالعات اجتماعی " همراه شده و در هفته بین ۴ تا ۶ بار تدریس می‌شود. همچنین در بخش *Real* به سه شکل درس جغرافیا اجباری می‌باشد ولی در دوره " *Gymnasium* در سال سوم در کنار زبان و در رشته ریاضی فیزیک همراه با ریاضیات تدریس می‌شود.

در ایسلند جغرافیا در سیکل اول دبیرستان هفته‌ای یک ساعت - و نیم تدریس شده و درسی اجباری می‌باشد ولی در سیکل دوم و مرکز تربیت معلم فقط برای سال اول به صورت فوق تدریس می‌گردد. آموزش جغرافیا در سیکل سوم مدارس ابتدائی پرتغال به دو فصل محدود گردیده و در مدارس فنی فقط در سال اول تدریس می‌گردد. در مدارس جدید مقدما (سنین یازده و دوازده سال) جغرافیا همراه با تاریخ بوده و در هفته سه ساعت تدریس می‌شود، در حالیکه در سیکل دوم مراکز تربیت معلم ۲ ساعت در هفته به تدریس جغرافیا اختصاص داده شده است.

در سوئیس و لوکزامبورگ در حال حاضر جغرافیا از دروس دو سال آخر دوره متوسطه حذف شده ولی قبل از آن در سوئیس ۲ ساعت در هفته و در لوکزامبورگ یک ساعت در هفته تدریس می‌شد. در ایتالیا، در مدارس ابتدائی جغرافیا فقط در دو سال (در - سال اول و پنجم همراه با علوم) تدریس شده و هفته‌ای دو ساعت را به خود اختصاص داده است. تدریس جغرافیا در اسپانیا نیز مثل ایتالیا است.

ج: در برخی کشورها جغرافیا موضوع درسی اجباری چند سال اول تحصیل بوده و سپس به صورت اختیاری دانش آموز آنرا انتخاب می‌کند، در انگلستان چنین سیستم انعطاف پذیری حکمفرما است. در این کشور در سه سال اول جغرافیا درس اجباری و مدت تدریس آن در هفته یک و نیم تا دو ساعت است. سپس در کلاسهای چهارم و پنجم اختیاری بوده و بین دو تا چهار ساعت در هفته تدریس می‌شود، البته شایان ذکر است که همیشه بیش از ۵۰٪ دانش آموزان درس جغرافیا را انتخاب می‌نمایند. در سالهای ششم و هفتم حدود ۲۰٪ دانش آموزان آموزشگاه جغرافیا را انتخاب می‌کنند و ۴ تا ۶ ساعت در هفته در کلاسهای آن حضور می‌یابند.

در فنلاند در سیکل دوم دبیرستانها جغرافیا همراه با درس زیست شناسی است و هفته‌ای یکبار تدریس می‌شود.

در هلند جغرافیا به مدت ۲ سال برای تمام دانش آموزان اجباری می‌باشد و وقتی به صورت اختیاری انتخاب می‌گردد هفته‌ای چهار ساعت را به خود اختصاص می‌دهد.

در ایرلند، در سه سال اول تحصیلات متوسطه جغرافیا درس اجباری است و هفته‌ای ۲ تا ۳ ساعت تدریس می‌شود سپس در سالهای بعد انتخابی شده و هفته‌ای سه تا چهار ساعت را به خود اختصاص داده و حدود ۸۰٪ دانش آموزان آنرا انتخاب می‌نمایند. در مالت نیز سیستمی مشابه انگلیس برقرار است.

سؤال پنجم: از درس جغرافیائی که برای انواع آموزشگاهها در نظر گرفته شده توضیحی دهید.

صرفنظر از مراکز تربیت معلم و مدارس فنی و حرفه‌ای و دبیرستانهای تابستانی، تقریباً "همه" کشورها برآموختن جغرافیای وطن دانش آموز تأکید می‌کنند، این مطلب گاه توأم با جغرافیای همسایگان می‌باشد و همولاً "کشورها این کار را در سال اول و دوم انجام می‌دهند و سپس برای مطالعه جزئیات موطن دانش آموز در یکی از سالهای آخر دبیرستان نیز مجدداً" به آن می‌پردازند. مثلاً " در بلژیک آموزش جغرافیای بلژیک ابتداءً در کلاس اول و سپس در کلاس ششم دبیرستان (آخرین سال تحصیل متوسطه) صورت می‌گیرد. هلند نیز چنین کاری می‌کند ولی در سالهای بعدی بیشتر جغرافیا با تأکید بر مسائل اجتماعی همراه است.

در ایسلند مطالعه جغرافیای ایسلند در مرحله دوم تأکید بیشتری بر مسائل زمین شناسی دارد در حالیکه در آلمان فدرال تدریس جغرافیای آلمان در سالهای اول و پنجم صورت می‌گیرد و در ترکیه آموزش جغرافیای ترکیه در سالهای سوم و ششم صورت می‌پذیرد.

مسئله‌ای که اکنون به نظر می‌رسد و در حال فراگیر شدن است این است که آموزش جغرافیا در اغلب دبیرستانهای متوسطه کشورها در سال آخر توأم با مسائل عمده جهانی می‌باشد و یا با درس تاریخ و یا شاید علوم سیاسی و اقتصاد ادغام شده تا امور جاری در داخل و خارج کشور را مورد ارزشیابی قرار دهد و سیمائی کلی از جهان کنونی را به دانش آموزان ارائه نماید.

در بلژیک در سیکل دوم متوسطه دبیرستانها، در سال ماقبل آخر درس " قدرتهای بزرگ جهان و کشورهای در حال توسعه " با جغرافیای دوران تحصیل اضافه می‌شود و در سال آخر، بلژیک فقط به عنوان بخشی از جامعه اقتصادی اروپا مدنظر قرار گرفته و تدریس می‌گردد.

در دانمارک و هلند در سالهای آخر دبیرستان جغرافیا محدود به بحث‌هایی در مورد جریانات و مسائل ملی مثل جمعیت و مسائل

اجتماعی در کشور می‌باشد. در بعضی کشورها این مطالعات همراه با درس جغرافیای اقتصادی است مثل فرانسه که در سال آخر Lycee تمرکز مطالب بر " قدرتهای بزرگ اقتصادی جهان امروز " و " مسائل اقتصادی در مقیاس جهانی " است.

در پرتغال و قبرس و تقریباً تمام مدارس فنی که جغرافیا در آنها تدریس می‌شود مطالب درسی را جغرافیای اقتصادی تشکیل می‌دهد. در اتریش در سال آخر متوسطه جغرافیای نجومی با تاریخ و علوم سیاسی ادغام شده است. " اوج آموزش تعلیمات مدنی - همراهی جغرافیا با علوم اقتصادی و ادغام آنان با تاریخ و علوم اجتماعی می‌باشد ". در آلمان فدرال در طول دو سال آخر تحصیلات متوسطه جغرافیا با تاریخ و تعلیمات اجتماعی توأم شده و درسی به نام *Politischen Kunde* را بوجود می‌آورد و در بعضی کلاسهای درسی جغرافیای عمومی در رأس مطالب قرار می‌گیرد که شامل مطالبی از جغرافیای طبیعی و انسانی می‌باشد. در برخی کشورها که محیط طبیعی در آنها تأثیرات قوی بر زندگی انسانها گذارده است مثل سوئیس، ایسلند و نروژ بیشتر تکیه بر جغرافیای طبیعی است.

بین کشورهایی که از مطالب جغرافیای عمومی و بویژه جغرافیای طبیعی و جغرافیای ریاضی آموزش جغرافیا را شروع می‌کنند نسبت به کشورهایی که سعی دارند مطالب جغرافیای عمومی را از طریق مطالعات ناحیه‌ای آموزش دهند، برتری مشخصی وجود دارد. مطالعه مطالب دشوار جغرافیای عمومی و طبیعی در سالهای اول آموزش متوسطه نشان دهنده برتری سیستم آموزشی این کشورها نیست زیرا که این کشورها ناچار می‌شوند در آخر تحصیلات متوسطه مجدداً " مطالب مذکور را به طور گسترده‌تری به دانش‌آموزان تفهیم نمایند ولی این بار احتمالاً " بیشتر از طریق قیاس این کار را انجام می‌دهند نه از طریق روشهای استقرائی.

بلژیک را می‌توان در شمار گروه اول آورد، زیرا این کشور مطالب جغرافیای عمومی را هم در سال اول و هم در سال آخر مورد بحث و بررسی و آموزش قرار می‌دهد. فرانسه در سالهای اول و پنجم، ترکیه در سالهای اول و چهارم و لوکزامبورگ در سالهای دوم و پنجم جغرافیای عمومی را تدریس می‌کنند تا دانش‌آموزان با قوانین کلی جغرافیا آشنائی پیدا کنند. در سوئیس بعد از تدریس اصول اولیه جغرافیای عمومی در سال اول، در سال ششم جغرافیا را با تأکید بر زمین شناسی تدریس می‌نمایند. از طرفی دیگر کشورهای هلند، دانمارک و آلمان فدرال تدریس مطالب جغرافیای عمومی را تا وقتی که حدود سه چهارم کل مطالب جغرافیائی آموزش داده نشده به تأخیر می‌اندازند. کشورهایی که در دو دسته بندی فوق قرار نمی‌گیرند، عبارتند از:

فنلاند که جغرافیای عمومی را در آن بعد از جغرافیای ناحیه‌ای در مدارس راهنمائی و دوره سیکل اول دبیرستان تدریس می‌کنند

و دیگر نروژ که برنامه درسی مدارس ابتدائی آن کاملاً " سنگین بوده و درس جغرافیا بکلی از مطالب جغرافیای طبیعی اشباع شده است. کشور دیگر ایتالیا است که می‌توان آنرا به دسته فوق‌الذکر اضافه نمود. در این کشور در مدارس ابتدائی جغرافیای عمومی به صورت غیر علمی در کلاس سوم تدریس می‌گردد سپس در سال آخر متوسطه (کلاس هشتم) جنبه " کاملاً " علمی پیدا می‌کند.

در بعضی از کشورهای اروپای غربی مطالبی از جغرافیای ناحیه‌ای و بعد از جغرافیای کشور مربوطه تدریس می‌گردد و گاهی از کشورهای همسایه نیز سخنانی به میان می‌آید.

تقریباً در تمامی کشورها، دانش‌آموزان در طول آموزش متوسطه حداقل با مناظر کلی تمامی قاره‌های جهان آشنا می‌شوند و در بعضی کشورها دانش‌آموزان دو بار قاره‌ای را که در آن زندگی می‌کنند مطالعه می‌نمایند و در سیکل دوم متوسطه از نظر ویژه (مثلاً " به عنوان قدرت اقتصادی یا کشور در حال توسعه) کشور خود و یا همسایگان را مطالعه می‌کند. در کشورهایی نظیر ترکیه، فرانسه، بلژیک و برخی کشورهای دیگر سیمای کلی تدریس جغرافیا از طرح فوق تبعیت می‌نماید.

در انگلستان و ویلز و اسکاتلند رئوس مشخصی برای مطالب وجود ندارد و بین دو مدرسه از نظر مطالب تدریس شده در زمینه جغرافیا آنقدر اختلاف وجود دارد که گوئی اختلاف بین دو کشور اروپائی مورد مطالعه قرار گرفته است.

سؤال ششم: در تدریس جغرافیا در مدرسه شما از چه روشهای عمده آموزشی استفاده می‌شود؟

اغلب کشورها به طور وضوح بیان کرده‌اند که بخش اعظم روشهایی که در تدریس جغرافیا مورد استفاده قرار می‌گیرند از الگوهای سنتی پیروی می‌نمایند. ذکر این مطلب مشخص می‌کند که معلم در کلاس درس با بیان کردن تمام مطالب متن کتاب درسی نقش اطلاع‌رسان را بازی می‌کند نه کسی که با استفاده از روش پرسش و پاسخ و با بهره‌گیری از وسائل جدیدی مثل عکسها، فیلم، تلویزیون، یادداشت برداشتن و یا ترسیم نقشه‌های گنگ، مطالب درسی را به طور مستحکم به دانش‌آموزان القاء کرده و به کلاس درس روح متحرکی می‌بخشد.

در این مورد پاسخ‌های رسیده گاه چنین بیان می‌دارند: " معمولاً " مبنای تدریس جغرافیا را کتابی تشکیل می‌دهد که قبلاً " به تصویب رسیده است "، و یا ایسلند اعلام می‌دارد که: " روش بسیار متداول استفاده از متن کتاب به عنوان شاخص است. با این کار می‌توان امیدوار بود که دانش‌آموز به صورت بی طرفانه‌ای دانش جغرافیا را به طور فراگیر می‌آموزد و رئوس مطالب مورد نیاز را می‌آموزد " . قبرس می‌گوید:

« جغرافیا طبیعتاً با ارائه مواد جدید در کلاس توسط معلم آموزش داده می‌شود و روش استاندارد آن است که معلم مواد درسی تصویب شده را به دانش‌آموزان ارائه می‌نماید . . و هلند تصدیق می‌کند که : « آموزش سنتی کلاسی هنوز رواج دارد و روشهای جدید ناشناخته مانده‌اند . . بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که طرح کلی آموزش جغرافیا آنچنانکه سنتی است بر جای بماند ولی فقط در متن ارائه شده به دانش‌آموزان اصلاحاتی صورت پذیرد . بعضی کشورها قویاً بر این نکته پافشاری می‌کنند که روشهای جدید را باید از طریق تجربه حاصل نمود و اینکه نیل به این روشها باید از توسعهٔ مشاهدات به هم پیوسته به منظور استنتاج و عمومیت بخشیدن بدانها باشد یعنی ابتدا با مشاهدهٔ جزئیات استنتاج صورت گیرد (استقراء) و سپس به آنها عمومیت داده شود . اسپانیا در این زمینه می‌گوید :

« دانش‌آموز با درک مفهوم ناحیه و پدیده‌های محلی به فهم جغرافیای عمومی نایل می‌آید . . و بلژیک تصدیق می‌کند که « تسلسل علمی باید از طریق تحقیق ، تجزیه و تحلیل ، تعریف ، تألیف و سپس عمومیت بخشیدن به کل ایده‌ها مدنظر قرارگیرد . . فرانسه این مطلب را چنین توضیح می‌دهد :

« معلم همیشه سعی خواهد کرد تا از به هم پیوستن مطالب (تألیف) به سوی تجزیه و تحلیل مطالب پیش‌رود (استقراء) ، برای توضیح چین خوردگیها چیرا باید شکل دریا و نحوهٔ رسوبگذاری در آن را روی تخته سیاه کشید؟ شما باید از کلاس درس خارج شوید و به کوهها نگاه کنید و مفهوم کوه را به دانش‌آموزان توضیح دهید و بعد چگونگی چین خوردن آنها را بیان کنید . دانش‌آموزان را وادار کنید تا به دقت به اطراف خود بنگرند . اگر در بعضی مناطق کوه وجود ندارد بجای آن از عکسها و فیلمها استفاده کنید تا دانش‌آموزان به طور محسوس‌تری مطالب را فراگیرند . . بنابراین اظهارات مشخص می‌شود که فرانسه معتقد است بیشتر مطالب را می‌توان به طور دست اول و از طریق مشاهده فرا گرفت . البته مشکل است بتوان گفت که از این روش آموزشی به چه میزان استفاده می‌شود و چقدر از آموزش برچنین تکنیکی استوار شده است (در مورد مدارس ابتدائی نیز چنین ابهامی وجود دارد) .

اغلب کشورها تصدیق می‌کنند که علاقهٔ به مشاهده و فراهم آوردن امکانات لازم برای اجرای آن در حال افزایش است . در سوئیس گردشهای علمی صورت می‌گیرد و به « هر کجا که امکان پذیر باشد » و نیز در این کشور سمینارهای مطالعاتی برگزار می‌گردد بدین صورت که وقتی معلم جغرافیا دانش‌آموزان را برای بازدید از یک دهکده سوئیس فرانسوی زبان با خود همراه می‌برد یک معلم زبان فرانسه نیز در این گردش علمی حضور دارد و یا وقتی مورفولوژی یخچالها و اجتماعات گیاهی آلپی مد نظر بازدید کنندگان علمی قرار می‌گیرد معلم زیست شناسی نیز در معیت

دانش‌آموزان و معلم جغرافیاست .

در بلژیک « در سال اول یکی دو گردش علمی پیشنهاد می‌گردد و در سال آخر یک گردش علمی منطقه‌ای جغرافیائی یا مورفولوژیکی قویاً توصیه می‌شود » در ایرلند رئیس مطلب در کارهای علمی صحرائی آموزش داده می‌شود و علاوه بر آن روشها و کلاسهای سنتی نیز وجود دارد . در بعضی کشورها مثل فرانسه ، دانمارک و آلمان فدرال مدارس صحرائی وجود دارد . در انگلیس توسعه مراکز عملیات صحرائی که دانش‌آموزان می‌توانند یک دورهٔ کوتاه مدت را در طول سال تحصیلی و یا تعطیلات مدرسه در آن بسر برند و مطالعات صحرائی محیطی انجام دهند به سرعت رو به افزایش است و این کار با این عامل که باید شمرهٔ مشاهدات و عملیات صحرائی در نمرات امتحانی درس جغرافیا تأثیر داده شود تشویق می‌گردد . البته اشکالاتی نیز در اجرای طرح مذکور وجود دارد .

ترکیه اظهار داشته که : کلاسهای درسی ما هنوز به اندازه‌ای وسعت دارند که وظیفهٔ عملیات صحرائی را به دوش بکشند ! . . ایسلند با تأسف اظهار داشته که : « اغلب دانش‌آموزان ما در طول تعطیلات دراز مدت تابستان در حال کار مفیدند و در زمستان شرایط جوی و تاریکی هوا فرصت استفادهٔ معقول از کارهای صحرائی را به آنها نمی‌دهد . احتمالاً هنوز برای معلمانی که عملیات صحرائی را روش ایده‌آل آموزش جغرافیا می‌دانند شرایط مطلوب فراهم نیست .

قبرس اظهار داشته که : « اخیراً به نظر می‌رسد که عملیات صحرائی باید بخش حیاتی درس جغرافیا به شمار آید . . هنوز به نظر می‌رسد یا حدس زده می‌شود !

در این مورد که دانش‌آموزان خود کار فردی انجام دهند تشویق زیادی به عمل می‌آید و توجه روزافزونی به این مسئله شده است . برای نیل به این مقصود دانش‌آموزان « تکالیف » و یا « پروژه‌ها » ی فردی و یا گروهی انتخاب می‌نمایند و مواد لازم برای مطالعه را از کتابخانه‌ها ، متن کتابهای درسی ، و یا از صحرا جمع‌آوری می‌کنند و سپس کار خود را ارائه می‌نمایند .

قبرس گزارش می‌دهد که : « دانش‌آموزان می‌توانند در مورد مواد مختلف درسی تکالیفی را برعهده گرفته و نتیجهٔ آنرا با معلمین خویش به بحث و گفتگو بگذارند . .

فنلاند پاسخ می‌دهد که : « کار مستقل بوسیله دانش‌آموزان روشی است که در حال حاضر از آن استفاده می‌شود دانش‌آموز باید قوهٔ تفکر و استدلال خویش را بکار گیرد ، نتیجه‌گیری کند و یاد بگیرد که مستقلاً فکر علمی داشته باشد . . انگلیس بر استفاده از کتابهای مرجع تأکید می‌ورزد و همراه با آن استفاده از روزنامه‌ها و مجلات را نیز توصیه می‌کند در حالیکه اسکاتلند می‌گوید که : چنین منابع اطلاعاتی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد . سوئیس نیز بر کار مستقل و فردی دانش‌آموزان تأکید

می‌ورزد، و فرانسه این کار را در سیکل دوم دبیرستان انجام می‌دهد و این زمانی است که لازم است « از صحبت لاینقطع معلم جلوگیری شود و دانش‌آموزان از برداشتن یادداشتهای کسل‌کننده که هیچگاه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند دست بردارند ». در سیکل اول دبیرستانهای فرانسه « تأکید بر تربیت شهروندانی خوب و علاقمند و آشنا ساختن دانش‌آموزان با اطلاعات عمومی و پایه می‌باشد ».

تدریس نقشه خوانی توپوگرافی و نوشتن مطالب مورد نظر بر روی نقشه‌های گنگ در فرانسه مورد تأکید قرار گرفته و در سایر کشورهای جهان نیز انعکاس یافته است. مالت اظهار می‌دارد که: « استفاده از نقشه (همراه با اطلاعات آماری، نمودارها، دیگرامها و سایر نقشه‌های کمکی) در رئوس مطالب جغرافیائی مدارس گنجانده شده است.

در انگلیس دانش‌آموزان برای امتحانات نهائی خود بر روی نقشه‌های بزرگ مقیاس از جهان کار می‌کنند و مطالبی را از این نقشه‌ها بیرون می‌کشند. براساس همین مطلب معلمین وادار شده‌اند تا در زمینه نقشه‌خوانی و کار بر روی نقشه به دانش‌آموزان خود آموزشهای لازم را بدهند. تنها توجهی که اسکاتلند به این مطلب کرده، آن است که « مهارت در نقشه‌خوانی را باید در جهت استفاده از نقشه برای مطالعه کامل مطالب جغرافیائی سوق داد ».

در مورد این سؤال که در « مطالعه نمونه ویژه » چه کاری انجام می‌دهید پاسخ‌های کمی رسیده است. کمی پاسخ‌های رسیده این عقیده را تقویت می‌کند که معلمان شیوه‌های سنتی را برای رسیدن از خاص به عام بکار می‌برند بدون آنکه به پرداختن به ویژگیهای خاص احتیاجی احساس کنند. در پاره‌ای از نقاط انگلیس چنین عقیده‌ای وجود دارد و احتمالا " رو به افزایش نیز هست.

سؤال هفتم: از چه وسائل کمک آموزشی در مدارس شما استفاده می‌شود؟

به نظر می‌رسد که در حال حاضر اغلب کشورها مجموعه مناسبی از عکسها یا تصاویر دیواری فراهم کرده‌اند و یا مدارس خود را با پروژکتورهای نمایش فیلم و اسلاید و دستگاه نمایش صفحات ترانس پرنس تجهیز نموده‌اند.

بویژه در زمینه فوق باید بلژیک را خوشبخت دانست. در هر مدرسه این کشور بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ صفحه ترانس پرنس و تصویر دیواری وجود دارد. فرانسه مجموعه بسیار جالبی از عکسهای رنگی دارد، و از طرفی قبرس و ترکیه اظهار می‌دارند که آنها نیز مجموعه‌های ناقصی فراهم کرده‌اند.

اغلب کشورها با تعدادی نقشه دیواری یا نقشه‌های توپوگرافی بزرگ مقیاس مدارس خود را کمک می‌کنند ولی به نظر می‌رسد که به

نیازهای دیگر توجهی ندارند. هلند اعلام کرد، که برای هر مدرسه حدود ۴۰ نقشه فراهم کرده است. قبرس نیز در ابتدای راه دراز تجهیز مناسب مدارس خویش است و این احتیاجات را از یونان و یا ترکیه باید فراهم کند.

در دانمارک، فرانسه، بلژیک و انگلیس و سایر جاها نقشه‌های توپوگرافی به خوبی فراهم شده‌اند ولی در بعضی کشورها مثل ترکیه در این زمینه کمبود وجود داشته است.

در صورتی که دانش‌آموزان به درس جغرافیا علاقمند گردند و مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند و توجه روزافزونی به مطالب جغرافیائی پیدا کنند آنوقت علاوه بر کتابهای درسی خوب احتیاج شدیدی به مواد مرجع احساس خواهد شد. بعضی کشورها شروع کرده‌اند تا چنین موادی مثل آمارها، مونوگرافی‌ها، کتابهای ویژه مرجع و غیره را برای مدارس خود فراهم نمایند. نروژ گزارش می‌دهد که کتابهای سال برای مدارس فراهم شده است و مدارس انگلیس نیز مشغول احداث کتابخانه‌های بزرگ و مناسبی هستند که تعداد زیادی روزنامه و مجلات را بتوانند در خود جای دهند.

دانمارک و آلمان فدرال مشغول جمع‌آوری آمار می‌باشند و فرانسه همیشه به کتابهای « مدارک فرانسوی^۱ » اهمیت خاص می‌دهد.

احداث کتابخانه‌های مواد مرجع درسی احتمالا " هنوز مراحل اولیه خود را می‌گذراند ولی در این امر پیشرفت‌هایی حاصل خواهد شد.

سؤال هشتم: آیا در هر آموزشگاه یک « کلاس جغرافیا » وجود دارد؟

از آنجا که پاسخ‌های رسیده به این سؤال بسیار متفاوت است بهتر است در این زمینه کشورها را به سه گروه تقسیم کنیم:

الف - کشورهایی که در آنها در تمام و یا تقریبا " تمامی آموزشگاهها کلاس ویژه درس جغرافیا وجود دارد.

ب - کشورهایی که در تعداد کمی از آموزشگاهها پیشان کلاس جغرافیا دارند.

ج - کشورهایی که بین دو دسته فوق قرار می‌گیرند. لازم به تذکر است که این تقسیم بندی بسیار کلی است ولی از آن مطالبی مستفاد می‌گردد.

گروه الف: پاسخ‌های رسیده از دانمارک حاکی از آن است که تمامی مدارس دوره *Gymnasia* دارای کلاس ویژه درس جغرافیا می‌باشند در مورد سایر مدارس توضیحی داده نشده ولی به طور غیر مشخصی می‌توان دانمارک را در این گروه جای داد.

در انگلیس و ویلز تمام مدارس متوسطه جدید دارای حداقل یک کلاس ویژه درس جغرافیا می‌باشند و اغلب مدارس قدیمی نیز تجهیز شده‌اند. در اسکاتلند نیز چنین وضعی حکمفرماست با این

تفاوت که تعداد مدارس قدیمی که دارای وضعیت مشابه می‌باشند زیادتر است .

در سوئیس هر مدرسه که جغرافیا در آن جزء دروس اصلی است دارای کلاس جغرافیای مجهزی نیز می‌باشد . این کلاسها مجهز به آپارات نمایش فیلم و سایر تجهیزات لازم است ، و همچنین مدارس بین‌المللی در این کشور دارای کلاسهای مجهز ویژه درس جغرافیا می‌باشند .

گروه ب : در قبرس فقط سه مدرسه کلاس ویژه درس جغرافیا داشته‌اند ، حال آنکه در ایسلند وجود چنین کلاسهای استثنائی بشمار می‌آید و فقط مرکز تربیت معلم مستقر در ریکیاویک دارای یک کلاس ویژه برای تمام موضوعات علوم طبیعی و جغرافیا است . در نروژ فقط تعداد کمی از آموزشگاههای نوساز دارای کلاس خاص درس جغرافیا می‌باشند و در ترکیه فقط تعداد کمی از مؤسسات دارای کلاس جغرافیای مجهز می‌باشند و در ایتالیا فقط در *Lycees Scientifiques* می‌توان کلاسی را یافت که به آموزش جغرافیا اختصاص داده شده است . آلمان فدرال را باید در یک دسته خاص قرار داد ، در این کشور « کلاس ویژه‌ای برای درس جغرافیا وجود ندارد » . اسپانیا نیز احتمالاً در این گروه جای می‌گیرد .

گروه ج : در مقام بینابین دو گروه قبلی اتریش قرار می‌گیرد که در این کشور تعداد زیادی از مدارس متوسطه دارای کلاس خاصی برای جغرافیا هستند و این کلاسها به خوبی مجهز می‌باشند . اما توضیح داده شده که این کلاسها با ازدحام دانش‌آموزان روبرو هستند . در بعضی مدارس این کشور بویژه در نواحی روستائی کلاسهای وجود دارد که برای تدریس چند درس منجمله جغرافیا از آنها استفاده می‌شود .

در بلژیک اغلب مدارس متوسطه کلاس ویژه جغرافیا دارند ولی جغرافیا در این کلاسها با تاریخ و یا علوم شریک است . لوکزامبورگ را نمی‌توان در گروه مشخصی جای داد ، « مؤسسات مختلف تقریباً دارای یک کلاس جغرافیا هستند » . در فنلاند مدارس بزرگتر دارای کلاس خاص جغرافیا هستند در حالیکه در مدارس کوچکتر جغرافیا با زیست شناسی در یک کلاس شریک می‌باشد . در فرانسه در جایی که امکانات وجود داشته باشد کلاس برای دو معلم وجود دارد . اما باید این نکته را در نظر داشت که در این کشور معلم جغرافیا ، تاریخ نیز تدریس می‌کند .

در هلند تمامی آموزشگاههای پیش‌دانشگاهی و مراکز تربیت معلم کلاس ویژه جغرافیا دارند ولی هیچکدام از مدارس متوسطه یا فنی و حرفه‌ای چنین کلاسی ندارند . پرتغال گزارش می‌دهد که : « وجود کلاس ویژه جغرافیا عمومیت ندارد اما ... تعداد قابل توجهی مؤسسات هستند که دارای چنین کلاسی‌اند ، بویژه مدارس گرامر که از آنها معلمین آینده بیرون خواهند آمد » . و در

ایرلند تمام مدارس جدید و بعضی مدارس قدیمی نسبتاً "مجهزند .

سؤال نهم : الف - آیا در مدارس شما جغرافیای ناحیه‌ای تدریس می‌شود یا جغرافیای عمومی ؟

ب - آیا رشته‌های مختلف جغرافیای عمومی جداگانه

تدریس می‌شوند ؟ آیا در یک رشته خاص تأکیدی وجود دارد ؟

تمامی کشورها اصرار می‌ورزند که جغرافیا باید هم شامل جغرافیای ناحیه‌ای باشد و هم جغرافیای عمومی . در حقیقت اغلب کشورها متفق القولند که این سؤال غلط مطرح شده و سؤال درستی نیست . در مورد اینکه چه نوع جغرافیای عمومی در کشورهای مختلف تدریس می‌شود مشکل بتوان پاسخ واضحی داد ولی می‌توان گفت که بهتر است بین کشورهایی که تدریس جغرافیا را با استفاده از جغرافیای عمومی شروع می‌کنند و کشورهایی که جغرافیای عمومی را بعداً از جغرافیای ناحیه‌ای استنتاج می‌نمایند تمایزی قائل شویم .

کلا "می‌توان گفت که استنتاج مطالب جغرافیای عمومی از جغرافیای ناحیه‌ای مورد توجه بیشتری است . سر فصل دروس جغرافیا در کشورهای اتریش ، هلند ، پرتغال و آلمان فدرال نشان دهنده استفاده از این روش می‌باشد . و در نروژ و سوئیس جغرافیای عمومی (عمدتاً "طبیعی) به عنوان پایه درس جغرافیا تدریس می‌گردد .

ج - آیا به اهمیت جغرافیائی سازمانهای بین‌المللی در درس

جغرافیا توجهی می‌شود ؟

د - آیا به مسائل انسانی که جنبه‌های ملی یا بین‌المللی دارند

توجه می‌شود ؟

شاید کلمات مربوط به بخش ج از سؤال نهم درست تنظیم نشده باشند و به نظر می‌رسد این سؤال به طور محدود به فعالیتهای اداری سازمانهای مختلف مربوط می‌گردد . چیزی که مهم است این است که این سازمانها در فهم درس جغرافیا و تغییر در روش تدریس آن چه اثراتی می‌گذارند . بنابراین سؤال مربوط به فعالیتهای اداری سازمانهای بین‌المللی ارتباطی ندارد . به هر حال با ادغام سئوال ج و د (که در بعضی پاسخها این کار صورت گرفته) ، می‌توان مطالب معقولی یافت .

اغلب کشورها اعلام داشته‌اند که در برنامه درسی بعضی از دوره‌های تحصیلی در مورد سازمانهای بین‌المللی مباحثی گنجانیده شده است . در بعضی موارد مثل کشور بلژیک ، هلند ، لوکزامبورگ و دانمارک در مورد اتحادیه‌ها و سازمانهای بین‌المللی در درس جغرافیا مطالب وسیعی به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود و در بعضی کشورها مثل فرانسه و قبرس مطالب مذکور در درس تعلیمات مدنی گنجانیده شده است .

ایسلند با برنامه سنگینی که درباره جغرافیای طبیعی دارد اعلام داشته که به سازمانهای بین المللی توجه کافی میدول نشده و نروژ نیز مثل ایسلند اعلام کرده که « تا همین اواخر در درس جغرافیا به سازمانهای بین المللی توجهی نشده بود ». ولی در ادامه گزارش اعلام نموده که این وضعیت در حال تغییر است و مسائل انسانی و ویژگیهای سازمانهای بین المللی در رغوس مطالب درسی جغرافیا قرار گرفته اند و روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می کنند. در مدارس بین المللی در سطح اروپا طبیعتاً توجه به سازمانهای بین المللی مد نظر جغرافیدانان قرار داشته است.

سؤال دهم: الف - معلمان درس جغرافیا در مدارس متوسطه چه آموزشهایی دیده اند؟

در بخش آموزش جغرافیا در مدارس ابتدائی آموزشی را که معلمان کلاسهای بالا برای سنین ۱۱ تا ۱۶ سال دیده اند ذکر کرده ایم^۲. مطالب بخش مذکور در مورد مدارس تابستانی و مدارس محلی در نروژ و برای تعدادی از مدارس متوسطه کشورهای دیگر نظیر انگلیس و دانمارک صدق می کند.

در مورد سایر کشورها، امر رایج آن است که معلمان جغرافیای متوسطه بین ۳ تا ۶ سال تحصیلات دانشگاهی در مورد جغرافیا را پشت سر گذاشته اند. مسلم است که این تحصیلات پس از اتمام آموزش رسمی متوسطه و یا مرکز تربیت معلم صورت گرفته است. حالت مذکور برای کشورهای مثل اتریش، اسکاتلند، فرانسه و هلند صدق می کند ولی در بعضی موارد مثل کشورهای آلمان فدرال و لوکزامبورگ تحصیلات معلمان جغرافیا بیشتر طول کشیده و ۲ سال نیز آموزش رسمی دیده اند و در پرتغال بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی بین ۱ تا ۲ سال معلمان آموزش خاص را پشت سر گذاشته اند.

در برخی کشورها معلم جغرافیا فارغ التحصیل دانشگاه هست ولی در رشته جغرافیا « الزامی نیست. مثلاً» در قبرس و در دانشگاههای یونان رشته جغرافیا وجود ندارد و معلم جغرافیا ممکن است فارغ التحصیل علوم و یا اقتصاد باشد مگر آنکه جغرافیا را در دانشگاههای ترکیه و یا جایی خارج از یونان خوانده باشد. در ایسلند نیز وضعیت مشابهی حکمفرماست. در این کشور رشته جغرافیا در دانشگاه ریکیاویک وجود دارد و در اسپانیا درس جغرافیا را کسی تدریس می کند که فارغ التحصیل رشته علوم اجتماعی است زیرا دانشکده جغرافیا فقط در زارباگوزا وجود دارد^۳.

در فنلاند که جغرافیا معمولاً با زیست شناسی همراه است گاه زیست شناس آنرا تدریس می کند. در بعضی کشورها نیز معلم جغرافیا بعد از تحصیلات دبیرستانی مدارجی را طی می کند (مثل آموزش تابستانی در زمینه جغرافیا)، ولی این آموزشها رسمی و پیگیر نیستند و از پاسخهای رسیده نیز نمی توان در مورد چگونگی و کارآیی آنها اطلاعات لازم را بدست آورد.

در انگلستان و ویلز تحصیلات رسمی دانشگاهی در زمینه جغرافیا الزامی نیست ولی قدمتهائی برداشته شده تا تدریس جغرافیا را فقط متخصصین جغرافیا و فارغ التحصیلان این رشته انجام دهند. در نروژ، دانمارک و بلژیک نیز داشتن تحصیلات در رشته جغرافیا شرط الزامی تدریس این درس نمی باشد.

ب - آیا در زمینه جغرافیا کلاسهای بازآموزی و آموزش ضمن خدمت وجود دارد؟

در هیچیک از کشورها سیستم اجباری و منظمی برای بازآموزی معلمان جغرافیا وجود ندارد. در بلژیک مشاوره با معلمین و رفع اشکالات علمی آنان جزء وظایف کارشناس است. کارشناس دبیران جغرافیای حوزه مسئولیت خویش را به طور دوره ای ملاقات کرده و مشاوره لازم را انجام داده، اطلاعات اساسی را در مورد رغوس مطالب، روشهای تدریس با آنها انجام می دهد. در بعضی کشورها بوسیله مقامات محلی و یا دولتی دوره های کوتاه مدت بازآموزی برای داوطلبان تشکیل می شود، گاهی تشکیل این کلاسها با همت انجمن دبیران خبره جغرافیا و یا انجمنهای جغرافیائی صورت می پذیرد، مثلاً در نروژ، فنلاند و سوئیس این وظیفه را اتحادیه دبیران بر عهده دارد. هلند اعلام داشته که تشکیل کلاسهای آموزش ضمن خدمت در این کشور آغاز شده ولی اضافه می نماید که مدتها وظیفه بازآموزی را انجمن جغرافیائی بر عهده داشته است.

در اتریش و انگلستان دروس بازآموزی را دولت بوسیله دانشگاهها و انجمنهای جغرافیائی تشکیل می دهد. در سایر کشورها نیز وضع به همین منوال است و مشکل اساسی تأمین بودجه و وسائل مورد نیاز برای این کلاسها می باشد. کشور فرانسه وضعیت خویش را به صورت مختصر و مفید چنین اعلام کرده است:

« تشکیل کلاسهای بازآموزی امری اساسی است ولی تشکیل این کلاسها کم اتفاق می افتند ».

باید اضافه شود که در ایسلند و بعضی شهرستانهای سوئیس در زمانی که منطبق بر فرصت مطالعاتی^۴ دبیران است کلاسهای بازآموزی تشکیل می شود. مدت فرصت مطالعاتی در ایسلند بعد از ده سال خدمت، یکسال و در زوریخ بعد از ۱۲ سال خدمت ۶ ماه می باشد. این فرصت مطالعاتی بویژه برای جغرافیدانان ارزشمند است.

سؤال یازدهم: آیا در کشور شما برای کاهش و یا حذف زمان اختصاص یافته به جغرافیا به عنوان یک موضوع درسی تمایلاتی وجود دارد؟

سؤال دوازدهم: وضعیت کنونی جغرافیا در مدارس کشور شما چگونه است؟

بسته به اینکه دولتها چه طرز تلقی از جغرافیا دارند، و چه ارزشی برای آن قائلند، امکانات فراهم شده برای آموزش جغرافیا نیز تغییر می‌کند. بنابراین دو سؤال فوق را در حقیقت باید یک سؤال به حساب آورد.

در ابتدا بعضی از کشورها قرار می‌گیرند که در آنها بر حسب موضوع تخصصی‌شان، جغرافیدانان موقعیتی خاص یافته‌اند و یا عمیقاً رنجیده شده‌اند، بلژیک در این دسته اخیر قرار می‌گیرد. بیم آن می‌رود که با گذشت زمانی کم موقعیت جغرافیدانان در سیستم آموزشی این کشور به حداقل مطلق خویش برسد، جغرافیا در این کشور «کلا» اهمیت دست دوم دارد شاید حتی کمترین اهمیت را در ترم تحصیلی و از لحاظ واحد درسی دارد. ولی «مثلاً» به تاریخ دو برابر جغرافیا از لحاظ زمان تحصیل و نمرات واحدهای درسی اهمیت داده می‌شود. جغرافیا در این کشور فقط منحصر به شناخت قاره اروپا و آشنائی با کلیتی از جهان خلاصه شده‌است. در نروژ وضع جغرافیا از این هم بدتر است و بیم آن می‌رود که گسترش مطالعات اجتماعی به فرعی شدن جغرافیا به عنوان بخشی از تاریخ منجر گردد.

«جغرافیا در مدارس متوسطه نروژ هیچگاه به مکان ویژه خویش نائل نشده است.»

نیازها نیز بر جغرافیا در این کشور تحمیل شده و معلمین هنوز نتوانسته‌اند خود را با این نیازها منطبق سازند، هیچ موضوع درسی دیگری در دبیرستانهای متوسطه نروژ مثل جغرافیا توسط معلمان ناهمگون تدریس نشده است.

ولی ادامه گزارش افق‌های امیدوارکننده‌ای را از آینده به دست می‌دهند. ایسلند نیز گزارش تأسف باری از وضعیت کنونی جغرافیا در این کشور ارسال داشته و اعلام نموده که زمان اختصاص داده شده به جغرافیا به حداقل ممکن خود رسیده است ولی طرحهایی برای گسترش ساعات درسی وجود دارد. این گزارشات نشان دهنده آن است که موقعیت کلی جغرافیا در دبیرستانهای متوسطه ایسلند قابل مقایسه با موقعیت جغرافیا در آلمان فدرال و سوئیس نیست. از طرف دیگر در بعضی کشورها جغرافیا دوره شکوفائی خود را آغاز کرده و در نظام آموزشی این کشورها تأثیر فراوان گذاشته است.

در پرتغال اخیراً «جغرافیا اینگونه مطرح شده است:

«جغرافیا به دلیل تربیت روشنگران و محتوای علمی خویش در برنامه درسی مدارس متوسطه موقعیتی غیر قابل انکار دارد.»

اتریش اعلام داشته که: «کاهش ساعات درس جغرافیا و یا حذف آن از برنامه درسی امری بعید است. جغرافیا اخیراً تکانی قابل توجه خورده و هم در برنامه درسی و هم در نظر عموم مردم برتری چشمگیری یافته است و سهم بزرگی از مطالعه مسائل سیاسی و اقتصادی در سال آخر متوسطه بر عهده جغرافیا گذاشته شده است.»

ترکیه به طور مختصر اعلام نموده که: «آموزش جغرافیا در فرهنگ عمومی مکان ارزشمندی دارد و در حال حاضر در مؤسسات آموزشی کشور ما مکان ویژه و ارزنده‌ای را به خود اختصاص داده‌است.»

در حالیکه «در مدارس فنی و حرفه‌ای ایتالیا روز به روز بر اهمیت جغرافیا افزوده می‌شود»، در انگلستان و ایرلند جغرافیا بدون شک موضوع عمومی در مدارس متوسطه است و در جاهایی که جغرافیا درس انتخابی است به طور گسترده‌ای با استقبال مواجه شده و برای امتحان انتخاب می‌گردد.

در سایر کشورها نیز با توجه به تغییرات قابل ملاحظه در سیستم آموزشی و سازمانها، موقعیت جغرافیا رضایت‌بخش و پویا می‌باشد مثلاً «در هلند بر اساس قانون جدید آموزشی کشور جغرافیا بجای سه دوره در هفته دو دوره تدریس می‌شود. اما همین درس در دوره Athenum بجای پنج سال، شش سال تدریس می‌شود و در کلاسهای بالاتر جغرافیا به عنوان یک موضوع انتخابی مورد استقبال قرار گرفته و عده زیادی آنرا انتخاب می‌کنند در حقیقت: «دلیلی بر تزلزل موقعیت جغرافیا وجود ندارد.»

به نظر می‌رسد در آلمان فدرال در مورد کاهش و یا به حداقل رسانیدن زمان اختصاص یافته به جغرافیا حرفی در بین نیست ولی بعضی معلمان جغرافیا قدری نگرانند زیرا تدریس درس «تعلیمات مدنی» در سالهای آخر دوره متوسطه بیشتر بر عهده معلمان تاریخ و مورخین گذارده شده تا جغرافیدانان. در این مورد چنین استدلال می‌شود که معلمان جغرافیا از دانشکده علوم فارغ التحصیل شده‌اند.

دانمارک نیز می‌گوید: «حالا خیلی زود است تا در مورد نتایجی که نظام آموزشی جدید بدست خواهد داد حکم کنیم.» اما شاید حرف آخر را در این زمینه فرانسه زده باشد: «این بستگی به توانائی معلمش دارد.»

یادداشتها

1- Documentation Francaise.

۲- در شماره آینده مجله آموزش جغرافیا چاپ خواهد شد.

۳- در دانشگاه مادرید نیز گروه جغرافیا سرگرم فعالیت می‌باشد.

۴- فرصت مطالعاتی دبیران در سوئیس معمولاً «در هر ۶ یا ۷ سال یکبار است که در طی این فرصت که معمولاً «یک سال و یا کمتر به طول می‌انجامد دبیر تدریس نمی‌کند و اوقات خود را به مطالعه، مسافرت و استراحت و یا شرکت در انجمن‌ها و کلاسهای بازآموزی می‌گذرانند.»

مبانی و روش مطالعات ناحیه‌ای در ایران



دانشگاه تربیت معلم

دکتر اصغر نظریان

مقدمه

آموزشی عنوان می‌گردید. ولی متأسفانه عوامل متعدد مانع انجام این امر و شناسایی نواحی مختلف به همان شکل که افراد تعلق خاطری به محیط زیست، جامعه و زادگاه خودشان حس می‌نمایند، گردیده بود. تا اینکه خوشبختانه بعد از انقلاب اسلامی بدنبال تجدیدنظر در کتب درسی جغرافیا انجام این امر نیز در برنامه‌های آموزشی کشور امکان پذیر گردید و مهمتر اینکه خود دبیران مسئولیت و تعهد علمی آنرا به عهده گرفته و بالاخره منجر به تهیه و تدوین کتبی به نام «جغرافیای استانها» گردید.

بحث زیر در همین راستا و در ارتباط با بهبود این وضع انجام می‌گیرد و سعی شده است که ضمن تحلیل علمی از مطالعات ناحیه‌ای، مبانی جغرافیایی و راه و روشهای مفید در این نوع از مطالعات حتی الامکان پیشنهاد گردد.

مسئله "تلاشی که تا امروز در این راه انجام گرفته و استقبال که از طرف مسئولان برنامه‌ریزی آموزشی کتابهای درسی در جلب نظرات افراد انجام می‌گیرد، نگارنده را در انجام این عمل تشویق و هدایت نموده است.

در این نوشته سعی شده است که در درجه اول مفاهیم جغرافیای ناحیه‌ای و جایگاه آن در جغرافیای امروز شناخته شود و سپس کلیاتی از روشهای مطالعاتی در اختیار دبیران و علاقمندان جغرافیا قرار گیرد.

به امید آنکه در آینده و در ادامه این بحث، روشهای آموزشی و الگوهای عملی از این نوع مطالعات در اختیار علاقمندان قرار دهیم.

مسئله "نقطه نظرها، راهنماییها و انتقادات اساتید علم جغرافیا و دبیران محترم راه‌گشای آینده در ادامه این بحث خواهد بود.

شهر، روستا و یا هر مکانی که ما در آن زندگی می‌کنیم، نزدیکترین محیط زیست و قلمرو جغرافیایی است که به طور مستقیم و طبیعی ارتباط خودمان را با آن حفظ کرده و بدون اینکه از قوانین، اصول و مکانیزم این روابط اطلاع داشته باشیم به طور عادی و غیرارادی از امکانات، مواهب و یا به طور کلی از مجموعه ساختار طبیعی آن استفاده می‌نمائیم. بدین ترتیب بدون اینکه از کم و کیف و فعل و انفعالات محیط به طور علمی اطلاع داشته باشیم، خود را در داخل سیستم به هم پیچیده محیط زیست خود حس می‌کنیم. بعلاوه اجتماعی که ما بدان تعلق داریم در یک سلسله از روابط با این محیط و جوامع اطراف، دگرگونیها و سلسله تحولاتی را در زمان بوجود آورده که شکل خاصی را به محیط و نوع زندگی ما بخشیده است، و حتی مجموعه این روابط و عوامل شخصیتی از نظر فرهنگی، قومی، زبانی و غیره نیز بدان داده است که انسان همیشه خود را متعلق به آن مجموعه حس می‌نماید.

درک این ساختار و اطلاع از ویژگی و سلسله تحولات آن حتی بدون داشتن تخصص، علیرغم اینکه به طور دائم با آن در ارتباط هستیم، برای افراد آن جامعه از کوچک و بزرگ جالب توجه می‌باشد. در این میان اگر ما خارج از اطلاعات عمومی که به افراد می‌دهیم بتوانیم جامعه و محیط زیست افراد و بخصوص دانش - آموزان را برایشان بشناسانیم بیش از اندازه ارزشمند، مفید و مورد توجه قرار خواهد گرفت.

اندیشه تحقق این موضوع همیشه در ذهن جغرافیدانان، برنامه‌ریزان و مقامات آموزشی کشور وجود داشته است و حتی بحث‌ها و انتقادات زیادی از کمبود و جای خالی آن در برنامه‌های

فضای ناحیه‌ای

فضای ناحیه‌ای هر قسمت و جزئی از مساحت کره ارض نمی‌باشد، فضای ناحیه‌ای هر نوع نظم و ترتیبی در یک قسمت مشخص نیز نمی‌باشد بلکه ناحیه یک قلمرو سازمان یافته با یک سیستم مشخص می‌باشد که خود را در یک مجموعه وسیع به ثبت می‌رساند. در نتیجه جغرافیای ناحیه‌ای ترکیبات محسوس انجام یافته در یک مقیاس را که به تفهیم و توجه تمام سیستمها در ارتباط با همدیگر اجازه می‌دهد در بردارد.^۵

هر ناحیه در ساختار فضائی به بعضی از نظم و ترتیبها ارتباط دارد و شایسته است که درجه و سهم به هم پیوستگی، وابستگی داخلی و حدود فضائی آنرا شناخت و تفسیراتی که در یک ناحیه انجام می‌گیرد می‌تواند در ارتباط با ساختار آن داخلی و در صورت تجاوز از حواشی و محدوده آن خارجی باشد.

ناحیه همانند یک پدیده جغرافیائی، عنصری است که بوجود می‌آید، تحول پیدا می‌کند و تحلیل می‌یابد. «هر ناحیه جغرافیائی مثل یک عکس جانب و روشن به صورت چیزی زنده و جاندار ظاهر می‌شود، بدین ترتیب ناحیه واحد مکانی است که همه اصول و قوانین جغرافیائی در آن به هم بافته شده و همانند کارخانه‌ای است که تمام اجزای کوچک و بزرگ آن گره خوردگی خاصی را با موتورهای متحرک کارخانه نشان می‌دهد»^۶.

بالاخره گسترش فضائی یک پدیده یا تعدادی از آنها شخصیتی به یک فضای معین می‌دهد که بانواحی اطراف خود متمایز می‌گردد تعیین حدود نواحی کار ساده‌ای نمی‌باشد، در جغرافیای جدید امروز یک شیوه منحصر بفرد برای تقسیمات فضائی وجود ندارد و برحسب مورد می‌توان دیدگاهها را عوض کرد. هر تقسیم بندی جزئی به درک مفاهیم عمومی می‌افزاید و با روشن شدن ویژگیهای گوشه‌ای از ناحیه مورد مطالعه، کشف پیچیدگیهای سازمان یابی فضائی یک فضای بزرگ امکان پذیرتر می‌گردد. اصولاً واحدهای اولیه و کوچکتر استعدادهای بالقوه خاص را به آسانی نشان نمی‌دهند، ولی نشان می‌دهند که در یک مجموعه، فضائی کلی در چه موقعیتی قرار دارند.^۷ جغرافیای جدید آنالیز استعدادهای طبیعی خرده نواحی را رد نمی‌کند اما این عوامل در یک فضای خیلی پیچیده قرار دارند. هرگز استعداد یک ناحیه جغرافیائی را نمی‌توان فهمید مگر اینکه تمام سطوح در ارتباط با همدیگر و با انگیزه‌ها و آینده‌نگریهای آنها شناسائی شود و بالاخره از درجه مسائل و مشکلات^۸ به ناحیه توجه شود.

اصولاً نواحی با حواشی، موضوعات و مسائل وسعت می‌یابند و چون مجموعه این عوامل باطناً به همدیگر ارتباط دارند مشترکاً همدیگر را هدایت می‌نمایند و بالنتیجه حدودی که هر یک از

جغرافیا و مطالعات ناحیه‌ای

اگر چه ناحیه به طور سنتی موضوع اصلی مطالعات جغرافیائی را تشکیل می‌دهد ولی با این همه جغرافیدانان در تعریف و تشریح آن سکوت کرده و به توافق نرسیده‌اند. این سکوت و عدم توافق باعث تأسف است، زیرا در همین قلمرو ناحیه‌ای و بخصوص در قلمرو انسانی است که جغرافیا می‌تواند به علوم اجتماعی، دولت یا حکومتها و فعالیتهای اقتصادی کمک نماید. مطالعات ناحیه‌ای کانون اصلی جغرافیا را تشکیل می‌دهد و با اینکه اکثر مطالعات ناحیه‌ای کلاسیک جز مونوگرافی چیز دیگری نبوده و مورد انتقاد بیشتری قرار گرفته‌اند، با این همه مطالعات ناحیه‌ای یکی از راه حل‌های منطقی و رضایت بخش در بدست آوردن اطلاعات جغرافیائی است.^۱

اصولاً یک قسمت اعظم از تحقیقات جغرافیای کلاسیک نیز به فضای ناحیه‌ای تعلق دارد. کلاً در مجموعه ناحیه‌ای است که می‌توان ساختار فضائی - اجتماعی و استعدادهای اقتصادی یک قلمرو جغرافیائی را تشخیص و تفسیر و توجیه نمود.^۲

جغرافیای ناحیه‌ای اغلب به عنوان یک فرم خیلی نمایان از جغرافیا یا خود جغرافیا معرفی شده است. جغرافیای عمومی نیز در شرایطی که مطالعات بخش یا قسمتی از کل جغرافیا باشد خود جغرافیای ناحیه‌ای است. به عنوان یک قاعده اساسی قابل قبول است که نمی‌توان مجموعه‌ها را بدون شرح خصوصیات و دینامیک هر یک از عوامل که در ترکیب آن وارد شده‌اند معرفی و توصیف کرد. بدین ترتیب مطالعات ناحیه‌ای شامل یک سری تجزیه و تحلیل مقدماتی و ترکیبات اجزائی متوالی می‌باشد که درک و فهم آنها در مراحل مقدماتی امکان پذیرتر از ترکیب نهائی آنها می‌باشد.^۳

اساساً تفاوت‌های موجود بین مکانها از مفاهیم اصلی جغرافیاست. در غیر این صورت انسان قادر نیست که پدیده‌های جغرافیائی را به طور پراکنده و مجزا مطالعه کند. پس لازم است که همه خصیصه‌های طبیعی و انسانی به طور یکجا و هم شکل در واحدهای معین و محدود به نام ناحیه ارزیابی گردد. شروع کار جغرافیائی بدون توجه به مفاهیم یک دست، مشابه و هماهنگ مکانها امکان پذیر نیست. متد و روش ناحیه‌ای وسیله‌ای جهت شناسائی سیاره زمین و در مفهوم دیگر ناحیه آزمایشگاه جغرافیا و مطالعات ناحیه‌ای کاربرد همه شاخه‌های علم جغرافیا در مکان خاص می‌باشد.^۴

عوامل بوجود می‌آورند بندرت بر همدیگر منطبق می‌شوند و تعیین مرز مشکل می‌گردد، و هر چقدر دامنه ارتباط و عملکرد انسانها وسعت پیدا می‌کند، تشخیص شعاع و محدوده نواحی مشکل‌تر می‌گردد، و حتی ممکن است از قلمرو سیاسی و سازماندهی فضایی یک دولت نیز تجاوز نماید. با این همه هر ناحیه، کانون و هسته مرکزی^۹ خود را دارد که بیشترین شخصیت و ویژگیهای مخصوص آن ناحیه را بوجود می‌آورد و از نواحی مجاور متمایز می‌گرداند.

مسئله و مشکل طبقه‌بندی نواحی

تردیدی که امروز در تفکر و اندیشه جغرافیدانان روی ناحیه ملاحظه می‌شود طبقه‌بندی نواحی را با مشکل روبرو کرده است، با این همه در کل سه نوع ناحیه را می‌توان پیشنهاد کرد:

۱- نواحی با یک ویژگی خاص.

۲- نواحی با ویژگیهای متعدد.

۳- نواحی با ویژگیهای یکپارچه و کلی (Compage)^{۱۰}.

از طرف دیگر می‌توان از نواحی متعدد سخن گفت مثل ناحیه طبیعی، ناحیه تاریخی، ناحیه اقتصادی، ناحیه شهری، ناحیه فرهنگی، ناحیه همگن، ناحیه پولاریزه و ناحیه کشاورزی. این تنوع شاید برخلاف غنای مفهوم ناحیه باشد ولی صرفاً برای ساده کردن مطلب عنوان می‌گردد. در قلمرو طبیعی این طبقه بندیها آنچنان مشکلی حاصل نمی‌شود ولی آنچه مربوط به انسان و زیربنای فرهنگی آن می‌شود مفهوم ناحیه ابعاد وسیعتری می‌گیرد.

تحت نظام تغییر و اثرپذیری محیط طبیعی از انسان و روابط فیما بین عوامل وحدت ناحیه‌ای دائماً در حال تغییر است، به عنوان مثال در یک ناحیه که ساختار کشاورزی یکی از عوامل وحدت ناحیه‌ای به‌شمار می‌آید، ممکن است این عوامل در نتیجه مهاجرت روستائی تضعیف شود. یا همینطور انهدام یک تولید یا تغییرات تکنیکی در کشاورزی به وضعیت مشابه منجر گردد. دینامیزم یک شهر در ارتباط با یک صنعت فعال می‌تواند در رقابت با یک شهر یا صنعت دیگر رکود حاصل نماید. تغییرات آب و هوائی بمانند آنچه که در صحرای آفریقا و یا آنچه در سالهای ۱۳۴۲ به بعد در سیستان اتفاق افتاد می‌تواند در پتانسیل و دینامیک ناحیه مؤثر افتد. خلاصه اینکه باید نواحی را در مجموعه مسائل عمومی آنها طبقه‌بندی کرد ولی در این میان موقعیت مکانی هر ناحیه را نباید از نظر دور داشت.

مفاهیم ناحیه‌ای و مسائل مورد بحث ما

الف: مطالعات ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای:

مطالعات ناحیه‌ای تنها یک مونوگرافی نیست، مونوگرافی یک تحقیق مستقل می‌باشد. این مطالعه ضروری است اما جزء اجزاء و وسیله‌ای برای بهتر شناختن فضای جغرافیائی چیز دیگری نیست. جغرافیای ناحیه‌ای جایگزین هر پدیده را در داخل مقیاس و مشاهده روابطی که در سطوح مختلف قرار دارند و جفت و جوریهایی محلی در یک مجموعه فضائی را طلب می‌نماید. مطالعات ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای یا اساساً "جغرافیای کاربردی"^{۱۱} نیز در عین حال که روابط نزدیک، همسانی و تشابه آشکاری را نشان می‌دهد ولی در حقیقت در مقوله از یک علم واحد می‌باشند. مطالعات جغرافیائی و یا ناحیه‌ای اساسی‌ترین و شاید بیشترین نیازهای برنامه‌ریزی فیزیکی و ناحیه‌ای را برآورد می‌سازد و در زمینه توسعه اجتماعی - اقتصادی ناحیه به حل مسائل بسیاری توفیق می‌یابد. هر زمان که این مطالعات در جهت حل مسائل، ارائه پیشنهادات و آینده‌نگری همراه باشد به عنوان تحقیق جغرافیائی کاربردی شناخته می‌شود^{۱۲}، بدین ترتیب مطالعات ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای علیرغم ارتباط تنگاتنگی که با هم دارند حد و مرزی را می‌شناسند و آن اینکه در حقیقت مطالعات ناحیه‌ای زمینه‌ساز و زیربنای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای است. در مطالعات ناحیه‌ای استعدادهای بالقوه، معیشت کنش و واکنشها و درک تمام سطوحی که در اقتصاد ناحیه مؤثر واقع می‌شوند، شناخته می‌شود و یا به عبارت دیگر مطالعات ناحیه‌ای شناسائی مجموع ویژگیهای مخصوص هر ناحیه می‌باشد که در ارتباط با همدیگر قرار گرفته‌اند.

در صورتیکه برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در ارتباط با نیازهای آینده و در تأمین هدفهای مشخص اقتصادی و اجتماعی است که ناحیه یا نواحی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. از این توضیحات چنین استنباط نشود که مطالعات یا تحقیقات ناحیه‌ای هدف و جهتی ندارد. مسلماً آگاهی بی‌هدف جز یک مشت اطلاعات بی‌ارتباط با همدیگر چیز دیگری نیست در صورتیکه یک تحقیق یا مطالعه ناحیه‌ای با مجموع مفاهیم و ویژگیهایی که برشمرده شد می‌تواند ضمن مفهوم علمی خود در جهت انواع برنامه‌ریزیهای ناحیه‌ای سوق داده شود.

در اینجا شاید بی‌مناسبت نباشد که به مفاهیم آمایش سرزمین و تحلیل‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای نیز اشاره شود و روابط آنها با مطالعات ناحیه‌ای مشخص شود: آمایش سرزمین خود را در مفهوم و قالب پیش‌بینی و آینده‌نگریها در بلند مدت و آنهم در آینده دور توجیه می‌نماید. در آمایش سرزمین استقرار فعالیتها را به همان شکل که هستند مورد توجه نیست بلکه به شکلی که باید باشند مورد نظر است^{۱۳}. یا به عبارت دیگر آمایش سرزمین سیمای مرحله آتی توسعه یافتگی را تصویر کرده و سازماندهی مجدد و آگاهانه فضائی را در جهت نیل به اهداف توسعه مورد توجه قرار می‌دهد.^{۱۴} این روش و متدولوژی توسعه و سازماندهی فضائی با

جغرافیا و بالاخص با جغرافیای ناحیه‌ای ارتباط تنگاتنگ دارد. جغرافیا آنچه را که در یک ناحیه بالقوه یا بالفعل وجود دارد بیان می‌کند و آمایش تصویری از آنچه که باید و می‌تواند باشد طرح‌ریزی می‌نماید. نتیجه اینکه آمایش سرزمین یک نوع برنامه‌ریزی است که با المال از مطالعات ناحیه‌ای نشأت می‌گیرد.

تحلیل‌های منطقه‌ای یا ناحیه‌ای اصولاً "با زیربنای اقتصادی، موضوعی و در اکثر موارد انتزاعی هستند و اگر مفهوم ناحیه را در قالب وسعت‌تر آن بدون در نظر گرفتن مفاهیم جغرافیایی آنها به عنوان منطقه‌ای بشناسیم،^{۱۵} تمام ویژگی‌های یک منطقه و مسیرهای توسعه و وابستگی‌های متقابل آنها در تحلیل‌های منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.^{۱۶} که مفهوم فضای جغرافیایی و نوع روابط انسان با این فضای جغرافیایی در ابعاد متنوع و مختلف آن در قلمرو علم جغرافیا باقی می‌ماند.

ب: نقش مطالعات ناحیه‌ای در آموزش جغرافیا:

مطالعات ناحیه‌ای تجلی عوامل جغرافیایی و انطباق موضوعات جغرافیای عمومی را در سیمای یک محل نشان می‌دهد و بدین ترتیب جغرافیا و مطالعات ناحیه‌ای نقش مهمی در آموزش جغرافیا دارد و از راه جغرافیای ناحیه‌ای است که می‌توان به قوانین و اصول جغرافیای عمومی رسید.^{۱۷} بدین ترتیب با مطالعات ناحیه‌ای در مفهوم علمی و متدیک آن در انطباق با آنچه که بیان گردیده است می‌توان به کشف پدیده‌های عمومی و قواعد جغرافیایی پی برد. با عنایت به توضیحات از پیش تعیین شده که ناحیه آزمایشگاه علم جغرافیا است، مطالعات ناحیه‌ای آغاز و وسیله‌ای جهت شناسایی یک منطقه، یک سرزمین ملی، قاره و سیاره زمین می‌تواند باشد.

اصولاً "تحقق و تطابق بعضی موارد و قوانین جغرافیا و تهیه بعضی مواد اولیه برای آن بوسیله جغرافیای ناحیه‌ای میسر است. با توجه به مفاهیم اساسی علم جغرافیا که روابط بین انسان و محیط طبیعی را مورد توجه قرار می‌دهد.

محیط‌زیست انسانی اولین پایگاه در آزمون و شناخت و میدان آزمایش اصول و قوانین جغرافیایی است. "تعلیم جغرافیا به معنای صحیح آن خود متوجه این هدف است، که به افراد شرایط حاکم بر عرصه کره خاک و جهان را بشناساند تا آنها هم بنوبه خود نسبت به محیطی که در آن می‌زیند آگاهی لازم و دید صحیح و همچنین از آن تصویری دقیق داشته باشند^{۱۸}... اساساً "کل هر محیط و محتوای آن جزئی از کل عرصه وسیع جهان، و انسان ساکن آن محیط تنها عامل غالبی است که بر محیط اثر می‌گذارد و با اعمال تکنیک‌های متفاوت در طول زمان نوع معیشت خاصی را ایجاد و بهره‌برداریهایی اقتصادی را می‌سازد^{۱۹}.

ج: محدوده سیاسی و محدوده ناحیه‌ای:

محدوده‌های سیاسی، مرزبندیهای دولتی و اداری که بر روی زمین با خطوط مشخص می‌شود اکثر مواقع هماهنگی و همگنی نواحی را بر هم می‌زند و در حقیقت سازماندهی فضایی یک دولت مرزهای حقیقی نواحی را به مسیل یک نوسان تاریخی تغییر می‌دهد. پی - آمده‌هایی که کل ساختار دولتها می‌توانند بوجود بیاورند مسئله‌ای است که امروز بیش از همه اهمیت پیدا کرده‌است. اصول سیاسی می‌تواند مجموعه یک ناحیه یا قسمتی از آن را با اعمال محدودیتها یا شرایط مساعد به طور کامل تغییر دهد و تعادل فضایی ناحیه را برهم زند. اینجاست که مسئله و مشکل مطالعات ناحیه‌ای آغاز می‌گردد. اگر تا اندازه‌ای محدوده طبیعی با محدوده سیاسی تطبیق داشته باشد کار آسان و زمینه مطالعه آماده‌تر است ولی اگر محدوده‌های ناحیه‌ای و سیاسی و اداری ناهم‌آهنگی داشته باشند، رسیدن به هدف چندان نیز راحت‌تر نخواهد بود و اساساً "در این تقسیم بندیها نمی‌توان در چهارچوب اصول و قوانین جغرافیایی به نتیجه منطقی و اصولی رسید.

مکانیزم تصمیم‌گیریها در این مرحله وارد می‌شوند و سازماندهی فضایی جهت‌گیری پایه‌های استعداد ناحیه‌ای را تعیین و مشخص می‌نماید. در نتیجه هر عامل ناحیه‌ای یک معنای مخصوص در زمان حاضر، گذشته و احتمالاً آینده دارد. هر یک از این عوامل، سیستمهای اشغال خاک و بهره‌برداری ناحیه‌ای را که به طور متوالی جانشین هم می‌گردند بدنبال دارد و ارزش هر یک از عوامل تشکیل دهنده ناحیه در هر مرحله قابل تغییر است. در هر لحظه عوامل فعال جز یک مشت اطلاعات ناقص بر روی قسمت‌هایی که روی آنها عمل می‌شود نمی‌باشند، زندگی اقتصادی، نوع معیشت در حال دگرگونی است و آن نتیجه عملکرد انسانهاست، انگیزه‌ها و آینده‌نگریها را باید شناخت، باید مکانیزم عوامل که خود را با سیستم تطبیق داده‌اند شناخته شود اما همه مطالعات جغرافیایی به استقرار مقایسه نیاز دارد.

د: نواحی، محدوده و تقسیمات سیاسی کشور ایران:

عدم تطابق محدوده‌های سیاسی و نواحی جغرافیایی در کشور ما نیز صدق می‌کند. اگر حوادث برون مرزی را در نظر بگیریم، تغییرات مرزها مسائل و مشکلاتی از این قبیل را در مطالعات ناحیه‌ای ایران ایجاد کرده‌اند که امروز حتی قسمتی از آنها روی زندگی اجتماعی - اقتصادی بعضی از نواحی سنگینی می‌نماید. گو اینکه در بعضی از نواحی مثل آذربایجان، ترکمن صحرا و شمال خراسان باگذشت زمان و قطع روابط فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی، هر یک از نواحی برون مرزی و درون مرزی وحدت خاصی را برای خود کسب کرده‌اند ولی چگونه می‌توان در مطالعه استان سیستان و بلوچستان، ارتباط با پاکستان و افغانستان و در مطالعات ناحیه

سواحل جنوبی ایران اثرات اقتصادی روابط با دولتها و امارات جنوبی خلیج فارس را نادیده گرفت. با اینهمه تأثیرپذیری نواحی در داخل یک سیستم که اصولاً قوانین مربوط به سازمان داخلی خود را بیشتر دنبال می‌نمایند. تا اندازه‌ای محدودتر از عوامل خارجی است ولی هرگز به صفر نخواهد رسید. در نتیجه نواحی مرزی ما هر قدر هم در ارتباط نزدیک با نواحی برون مرزی کشور قرار گیرند در نهایت تحت نظام و سیاست ملی سازماندهی و شخصیت خواهند یافت.

ولی برای یک جغرافیدان این مسائل نباید هرگز بی‌اثر شمرده شود و از طرف دیگر سازماندهی فضائی محدوده سیاسی کشور نیز دائماً در حال تغییر است. اگر قبول کنیم که مکانیزم تصمیم‌گیریها و سازماندهی سیاسی فضائی تا چه اندازه در توسعه یا عدم توسعه در روابط کلی انسان و محیط مؤثر است به ارزش و اهمیت مسئله می‌توانیم پی ببریم. انتقال نقشهای اداری، مدیریت و تغییرات آنها در کادر یک سازماندهی مجدد فضائی در داخل یک دولت اثرات طولانی در دینامیزم شهرها و نواحی مربوطه بوجود می‌آورد و با این وصف روشن است که نقشهای اداری که بیش از این تعیین کننده بودند امروزه کمتر از نیروهای اقتصادی در معرفی دینامیک نواحی مخصوصاً شهرها اهمیت دارند^{۲۰}. در اینجا لازم است مروری بر تقسیم‌بندی منطقه‌ای، ناحیه‌ای و سیاسی کشورمان انجام گیرد تا بتوانیم ارزیابی دقیقی در این رابطه داشته باشیم.

با نگاهی به تقسیم‌بندی منطقه‌ای و ناحیه‌ای کشورمان معلوم می‌شود که در طول تاریخ سازماندهی سیاسی و انطباق آن با مناطق و نواحی جغرافیائی تا چه اندازه دستخوش تحول و دگرگونی بوده است.

جغرافیدانان ایرانی و آشنائی که آشنائی با وضع جغرافیائی ایران دارند با توجه به عوامل و مشخصات جغرافیائی، ایران را به مناطق مختلف جغرافیائی تقسیم می‌نمایند. در یک تقسیم‌بندی با توجه به عوامل طبیعی و نوع معیشت سرزمین ایران به ۶ منطقه بزرگ جغرافیائی به شرح زیر تقسیم شده است که حتی حدود آنها در بعضی از نواحی از مرزهای کنونی ایران نیز تجاوز می‌نماید:

۱- حوضه دریای خزر.

۲- حوضه خلیج فارس و حدود بین‌النهرین.

۳- کوهستانهای غربی.

۴- کوهستانهای شمالی.

۵- فلات بلوچستان.

۶- فرورفتگی‌های فلات داخل ایران.

با دریک تقسیم‌بندی دیگر با توجه به مشخصات طبیعی و اکولوژیکی سرزمین ایران تقسیمات مشابهی انجام گرفته. مرکز آمار ایران تقسیم‌بندی ۶ گانه‌ای بر مبنای ارتفاع انجام داده است^{۲۱}. با

توجه به شرایط طبیعی (توپوگرافی، اقلیم...) تقسیم‌بندیهای منطقه‌ای دیگری نیز انجام گرفته است^{۲۲}.

این تقسیم‌بندیها که غالباً عوامل طبیعی در آن دخالت داشتند و بالطبع تا زمانهای خیلی نزدیک عوامل انسانی نیز در تبعیت از آن سازمان یافته بودند، در انطباق با تقسیم‌بندیهای سیاسی در طول تاریخ، وحدتی در سرزمینها از نظر قومی، فرهنگی در شکل واقعی زندگی آنها و در ارتباط نزدیک با محیط طبیعی بوجود آورده بودند. تجمع اکثر اقلیم‌های قومی، زبانی، مذهبی، ایلی، عشیره‌ای و حتی ساختارهای سنت معیشتی و تولیدات اقتصادی در نواحی خاص مؤید این نظر است. قلمرو فضائی هر یک از این عوامل وحدت و یکپارچگی عوامل جغرافیائی بالخصوص عوامل انسانی در اکثر نواحی انطباق تقریبی را در تقسیم‌بندیهای سیاسی در طول تاریخ بوجود آورده بود.

با توجه به تقسیمات کشوری ایران و تغییرات آن از دوره‌های ماقبل اسلام تا امروز نیز می‌توان حدس زد که این تغییرات تا چه اندازه در انطباق با شرایط طبیعی و عوامل انسانی قرار داشته‌اند. اولین تقسیمات کشوری در دوره هخامنشی انجام گرفت که بیشتر بر اساس ملاحظات قومی و نژادی بوده است. این سلسله ایران را به ۳۰ ایالت یا ساتراپ تقسیم کردند. حکومت‌های سلوکی و اشکانی نیز به تبعیت از آنها و با تغییراتی قلمرو حکومتی خود را به ۷۲ و ۱۵ ایالت یا والی نشین تقسیم نمودند. در دوره ساسانی تغییراتی حاصل شد و کشور به ۴ ایالت بزرگ تقسیم گردید که مشتمل بر همان ایالات و ولایات قبلی با مختصر تغییرات در قلمرو حکومتی آنها بوده است.

در دوره‌های بعد از اسلام به علت ملوک‌الطوایفی و تشکیل حکومت‌های محلی تا عهد صفوی تشکیلات منظم سیاسی وجود نداشت ولی با اینهمه در عهد مغولها کشور از ۲۰ بخش تشکیل یافته بود که باز هم تغییرات فقط در سرحدات و تعداد ایالات و ولایات بود و تغییراتی در داخل فلات ایران انجام نگرفته بود. در دوره صفویه به تبعیت از دوره‌های قبل از اسلام مخصوصاً ساسانی، ایران به ۴ بخش یا ایالت بزرگ شامل عراق، فارس، آذربایجان و خراسان تقسیم گردید.

سلسله‌های بعدی نیز نظم اداری کشور را به‌روال گذشته حفظ کردند ولی جدا شدن تعدادی از سرزمینها از ایران تقریباً مخدوده‌های قبلی را بر هم زد^{۲۳}. تا اینکه در سال ۱۲۸۶ هجری شمسی قانون تشکیل ایالات و ولایات از مجلس گذشت و ایران به ۴ ایالت: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بنادر، خراسان و سیستان و ۱۲ ایالت: استرآباد، مازندران، گیلان، زنجان، کردستان، لرستان، کرمانشاهان (باختران)، همدان، اصفهان، یزد، عراق و خوزستان تقسیم شد.

در سال ۱۳۱۶ تقسیمات جدید برای اداره کشور به تصویب

رسید و ایران با نظم جدید ولی اکثراً در تبعیت از وحدت ناحیه‌های گذشته به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم گردید و بالاخره در سال ۱۳۲۹ به ۱۴ استان و ۶ فرمانداری کل (با بحرین) و ۱۳۹ فرمانداری و نهایتاً به ۲۰ استان و ۳ فرمانداری و در حال حاضر به ۲۴ استان، ۱۹۵ شهرستان و ۵۰۱ بخشداری تقسیم شده است (نقشه شماره ۱). این تغییرات در مرزبندیهای سیاسی داخلی کشور یا تقسیمات اداری صرفاً جنبه سیاسی داشته و در ارتباط با عوامل کمی و در حسن انجام اداره کشور و رساندن سرویس و خدمات و بالاخره ایجاد تعادل در سازماندهی فضای آینده کشور انجام گرفته است. به علاوه ملاکهای کمی برای تفکیک شهر یا مناطق شهری از روستا یا مناطق روستائی تعیین گردیده است.

درست است که در این تقسیم‌بندیها هدف بدست دادن واحد یا واحدهائی است که قابلیت اداره و بهره‌برداری بیشتر و بهتر را امکان‌پذیر سازد ولی باید توجه داشت که یک کشور محدوده‌ای است مرکب از عوامل طبیعی و انسانی که بهم پیوسته می‌باشند. به زبان دیگر در هر قلمرو جغرافیائی عوامل مشترکی وجود دارد که استعدادهای، امکانات و نیازهای خاص آن قلمرو یا ناحیه را نشان می‌دهد و بدین ترتیب در مفهوم جغرافیائی مطالعه و بررسی

این مناطق و نواحی با روشهای انتزاعی و صرفاً "سیاسی امکان‌پذیر نخواهد بود.

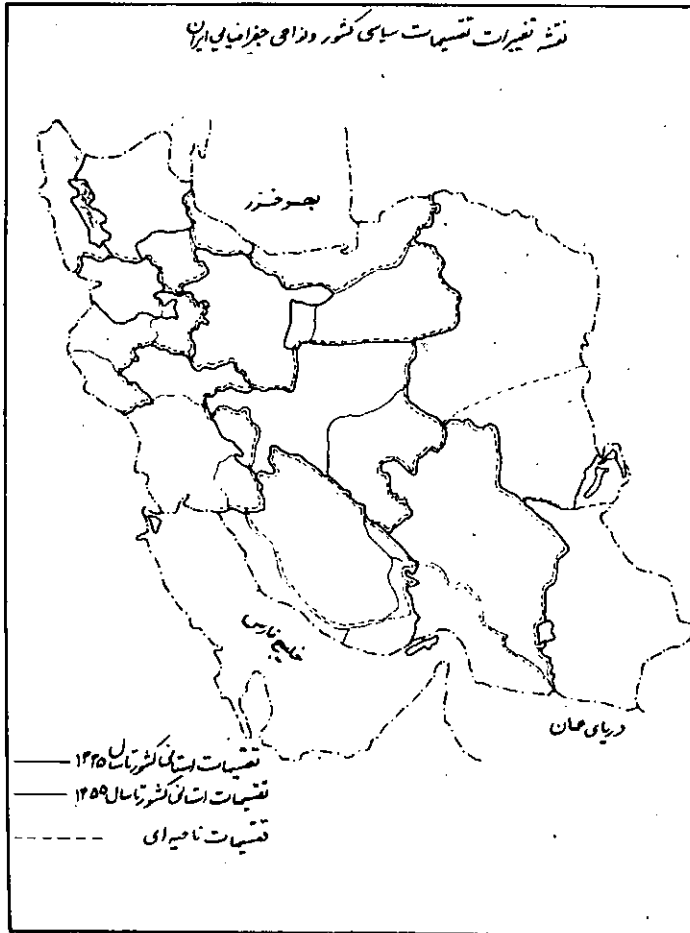
نگاهی به تغییرات تقسیمات سیاسی ایران حداقل در یک قرن اخیر به سادگی نشان می‌دهد که هر چقدر زمان پیشرفته عوامل جغرافیائی و ناحیه‌ای اثر خود را در این تقسیم‌بندیها از دست داده‌اند و عوامل سیاسی-اقتصادی و هدف‌های جدید سازماندهی فضائی کشور بر این عوامل رجحان پیدا کرده‌اند. ولی آیا جغرافیا می‌تواند اساس مطالعات ناحیه‌ای خود را بر این تقسیم‌بندیها استوار سازد و اصولاً "سئوال اینجاست که آیا تقسیم‌بندی سیاسی باید مقدم بر ویژگیهای ناحیه‌ای قرار گیرد یا خصوصیات ناحیه‌ای و مطالعات جغرافیائی اساس تقسیم‌بندیهای سیاسی باشد؟ مسلماً" مفهوم دوم علمی‌تر، جغرافیائی‌تر و در رسیدن به مقصود هموارتر است.

مروری بر مطالعات جغرافیائی در سطح کتابهای درسی کشورهای مختلف نیز این نظریه را تأیید می‌نماید. در اکثر کتابهای درسی مربوط به مطالعات ناحیه‌ای کشور فرانسه، حدود و قلمرو جغرافیائی و مفهوم ناحیه‌ای مورد توجه بوده است در این کشور ۱۵ تا ۲۰ ناحیه مشخص جغرافیائی اساس مطالعه قرار گرفته و اساس تقسیم-بندیهای سیاسی و تنوع آن (۸۹ دیپارتمان یا استان) هرگز ملاک مطالعات ناحیه‌ای قرار نگرفته است ۲۴.

اگر عوامل وحدت ناحیه‌ای را در مفهوم وسیع آن در نظر بگیریم و خرده نواحی را در نظر نیاوریم در مطالعات اولیه و در سطح ویژگیهای اساسی طبیعی، چگونه می‌توانیم برای دانش‌آموز استانهای گیلان و مازندران را در ساحل دریای مازندران از همدیگر تفکیک نمائیم. چگونه آذربایجان شرقی، غربی و زنجان و یا استانهای کردستان و باختران، بوشهر و هرمزگان و غیره را از همدیگر تفکیک می‌توان کرد. و یا شمال خراسان و جنوب آن و یا سیستان و بلوچستان را در قالب یک استان واحد قلمداد نمود. در صورتیکه عوامل وحدت طبیعی، زبانی، قومی، فرهنگی در اکثر این استانها همسان یا در بعضی جاها ناهم‌آهنگ است.

نتیجه اینکه اساس مطالعات ناحیه‌ای در مفهوم جغرافیائی آن بر مبنای تقسیم‌بندیهای سیاسی ولو اینکه داده‌های کمی ما به همین مینا قرار گرفته باشند پایگاه درستی را از نظر مطالعات ناحیه‌ای نشان نخواهند داد و چون بررسی تفاوت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای اساس مطالعات جغرافیائی است بنابراین جغرافیاست که سیاست تقسیم‌بندی ناحیه‌ای و منطقه‌ای و بالاخره سیاسی را تعیین و تجویز می‌نماید. اگر در حسن اداره سیاسی کشور نیاز به تقسیم‌بندیهای سیاسی است حداقل در مطالعات، آمایش، برنامه‌ریزیها بهتر است که از الگوهای ناحیه‌ای تبعیت گردد.

نقشه تغییرات تقسیمات سیاسی کشور و زوای جغرافیائی ایران



اصولا "بعد از شناخت یا گمان بردن به وجود یک پدیده مسلم و قطعی است که می توان تجربیات را سازماندهی کرد. قبل از رسیدن به این شناخت تکرار و تعدد آزمایشات کمتر مفید واقع خواهد شد و انبوه کردن مشاهدات نیز جز به هدر دادن انرژی چیز دیگری نیست. این مسئله در تمام علوم مصداق پیدا می کند^{۲۵}. بدین ترتیب لازم است که با آگاهی از تعریف دقیق و جامعی از موضوع و مکان مورد مطالعه و مشخص کردن حدود و عناوین لازم در موضوع مورد بحث با در نظر گرفتن مسائل و موضوعاتی که مقدماتاً در مطالعات هدف دار و جهت دار این نوع از مطالعات عنوان گردید و پس از تعیین خط مشی لازم مطالعات و تحقیقات را شروع کرده تذکر این اصل ضروری است که در اصول پژوهش جغرافیایی که همه با آن آشنائی دارند، یعنی در مراحل سه گانه مشاهده، طبقه بندی و استنتاج که لازمه هر پژوهش علمی است تغییری رخ نداده است و پژوهشهای امروز هم از همان اصول پیروی می کنند، با این تفاوت که اولاً "تحولات در ابزار کار و وسائل پژوهش آنچنان حیثیت آور و باورنکردنی است که یک محقق بدون آشنائی با این ابزار ممکن است دچار مشکلات فراوانی گردد^{۲۶}. ثانیاً "جغرافیای امروز در عین اینکه مفهوم به ظاهر ساده روابط انسان و محیط را در مجموعه ای از پیچیدگیها و مسائل بررسی می نماید، باید با تحلیل های دقیق خود جوابگوی بسیاری از مسائل و راهگشای آینده توسعه و بهبود محیط زیست انسانی باشد.

خط مشی ها و روشهای به ظاهر مختلفی در انجام این مطالعات عنوان شده یا عملی می گردد ولی همه روشها یک هدف را دنبال می کنند و آن جوابگویی به مفاهیم عنوان شده در مطالعات ناحیه ای است. لہذا سلسله مراحل از روش مطالعاتی که در زیر عنوان می گردد ممکن است جامع همه آنچه که در این راستا ضروری است نباشد ولی می تواند الگویی کلی و در عین حال فراگیر برای بسیاری از مطالعات ناحیه ای باشد.

۱ - گردآوری اطلاعات و شناخت اولیه

شناخت اولیه از حالات کمی و کیفی یک پدیده یا یک ناحیه جغرافیایی قبل از بررسی علل و چرایی این حالات لازم و ضروری است. این شناخت بر دو اصل استوار است:

الف: شناخت غیرمستقیم: گردآوری اطلاعات، نوشته ها، انتشارات، آمار، نقشه، نمودار، عکس و به طور کلی کلیه منابع و مآخذی که در مورد ناحیه، بخصوص در زمینه موضوعات خاص مربوط به ناحیه انجام گرفته است در این رابطه از کیفیات طبیعی ناحیه با دسترسی به نقشه های مختلف، توپوگرافیک، نقشه های هوایی،

ماهوره ای، ژئولوژی، ژئومورفولوژی، اقلیم، بیوزئوگرافی و کلیه آمار و ارقام کمی که اطلاعات لازم را در مورد ناحیه مورد نظر در اختیار ما قرار می دهند باید اطلاع پیدا کرد. در زمینه انسانی کلیه اطلاعات در زمینه سوابق تاریخی، تحولات جمعیتی، قومی، نژادی، فرهنگی و تغییرات کیفی و کمی آنها در طول زمان، اختصاصات و ترکیب جمعیت در زمان خاص، تراکم و پراکندگی آنها، و بالاخره کلیه نمودار و گراف و نقشه های مربوط به این عوامل باید در دسترس محقق قرار داشته باشد. در زمینه اقتصادی، با توجه به نوع معیشت و بهره برداریها، اطلاعات اولیه کافی از نظر کمی و کیفی این بهره برداریها باید کسب شود، و آمار و نقشه های توزیع و پراکندگی تولیدات کشاورزی، صنعتی و روابط تجاری از اطلاعاتی هستند که دسترسی به آنها مطالعات بعدی را راحت تر خواهد کرد. به طور خلاصه گردآوری هر نوع اطلاعات و تحقیقی که در زمان و مکان و در موضوعات مختلف در ارتباط با ناحیه مورد بحث انجام گرفته است.

جمع آوری اطلاعات اولیه ممکن است در بعضی شرایط وقت بیشتری از محقق را تلف کند ولی بررسی جامع از منابع و یا یک بایبلئوگرافی *Bibliographie* کامل زحمت محقق را کمتر خواهد کرد. بعلاوه امروز وجود انواع آمار و ارقام و گزارشات حاضر و آماده محققین را در جمع آوری این اطلاعات یاری می نماید و عملاً "اطلاعات مدرنی در اختیار او قرار می گیرد.

ب: شناخت مستقیم: روش عینی و مشاهده راه دیگری در کسب اطلاعات می باشد. اطلاع از حالات کمی و کیفی یک ناحیه ممکن است بر مبنای موضوعات و اهدافی که یک پژوهشگر دارد در زمان و بر روی زمین به طور مستقیم انجام گیرد. این کار ممکن است بر حسب موضوع و مکان به صورت سونداژ یا پراکنده و یا به صورت عمومی و متمرکز عملی گردد. این مرحله از مطالعه و تحقیق که به یک کار فشرده و گروهی نیاز دارد و ممکن است از طریق پرسشگری های پراکنده، پرس کردن فرم های ساده انجام گیرد و یا ممکن است به آمارگیری های خیلی دقیق در شرایطی که از طریق سازمانهای رسمی آمارهای لازم در موضوعات مربوطه در دست نباشد نیاز باشد. مسلماً "کلیه اطلاعات و داده ها باید در جداول مخصوص پیاده و سپس مورد استفاده قرار گیرد. این مرحله از تحقیق به همراه روش عینی و مشاهده ای ضروری است که باید به طور مستقیم توسط محقق انجام گیرد.

در هر دو مورد از این مرحله از گردآوری اطلاعات و مدارک و اسناد باید جنبه های جغرافیایی، روابط علت و معلولی ارتباط با ناحیه، جنبه های علمی و سیستماتیک اطلاعات در نظر گرفته شود و از جمع آوری اطلاعات حاشیه ای و غیرضروری اجتناب شود. مسلماً "در گردآوری مجموعه این اطلاعات باید از روشهای علمی و سیستماتیک استفاده کرد.

جغرافیای گذشته اکثراً " به تعدادی از اطلاعات که شامل سرشماری و آمارگیریهای انجام یافته برای هر واحد جغرافیایی و مقادیری آمار و ارقام برای یک ناحیه یا کشور محدود بوده و بدینوسیله معرفی می‌شده است و بالاخره ترسیم نتایج حاصله وظیفه نهایی و مهمی بود که انجام می‌گرفت.

در گذشته برخورد، اختلاطها، روابط، تشابهات، تباہیات به طور سیستماتیک عنوان نمی‌شده در حالیکه موقعیت جغرافیای امروز با گذشته کاملاً تفاوت داشته و خیلی مشکل‌تر شده است. سرشماریها و آمارگیریها نسبت به گذشته خیلی پیچیده هستند و نتایج حاصل از این آمارگیریها به سادگی قابل درک نیست. علاوه وسائل و ابزار مدرن و تکنولوژی ریمت خیلی سریعی را در استفاده از خاک و اشغال آن و تغییر در بهره‌برداریها را بوجود آورده است. روابط متقابل انسان و محیط در مجموعه‌ای از کنشها و واکنشهای متفاوت و متغیر به هم پیچیده است. " جغرافیای مدرن امروز خود را در مقابل رفتار توده‌ها حس می‌کند و مجبور است که این رفتارها و نتایج حاصل از آنها را در توده‌ای از ارقام و اطلاعات تجزیه و تحلیل نماید ۲۷. بدین ترتیب این مسائل ماتریس وسیعی از داده‌ها را مطرح می‌کند. این داده‌های انبوه خود را در قالب تابلوها، جداول، نمودارها، گرافها و یا ارقام خام نشان می‌دهند که هر کدام از آنها به اندازه نقشه‌های موضوعی اهمیت دارند.

استخراج نتایج و تجزیه و تحلیل این داده‌ها به این سادگی امکان پذیر نیست و استفاده از ماشین حسابهای خیلی دقیق، کارنوگرافیهای اتوماتیک، ابزار و ادوات مدرن و بالاخره دستگاههای کامپیوتر نیاز دارد. این ابزار و وسائل مدرن امکان احتساب مقایسه، نسبت، درصد، پراکندگی و اثرات فاکتورهای مختلف را روی هم فراهم می‌آورد. مدلهای جدید بررسی داده‌های امروز روی محققین جغرافیا جذابیت خاصی را ایجاد کرده است و تعداد کثیری از آنها استفاده می‌نمایند. اصولاً " در یک آنالیز مرتبط لازم است که از متدهای خیلی پیشرفته استفاده کرد. به مدد نقشه و نقشه‌کشی موفق می‌شویم نوع و هم توزیع هر موضوعی را نشان دهیم همبستگی‌های ساده نیز به کمک نقشه نشان داده می‌شود. در حال حاضر در جغرافیا نقشه به همراه آمار به تجزیه و تحلیل مسائل می‌پردازد. مسلماً " در مجموعه تحلیل این اطلاعات و داده‌ها همانطور که عنوان شد باید از روشهای علمی استفاده کرد، احتمالات، روندها، فزونی‌ها در نظر گرفته شود و فی‌النهایه به طبقه‌بندی و تیپولوژی این داده‌ها مدل‌سازی، حذف اطلاعات و داده‌های اشتباهی و مبهم و حقیقت وجودی آنها منجر گردد.

خارج از عوامل کمی، در تجزیه و تحلیل داده‌ها به عوامل کیفی نیز باید توجه کرد: اهمیت عوامل محیطی در شکل دادن معیشت انسانی، فعل و انفعالات عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در تجزیه و تحلیلها ابعاد، اندازه، ارزش و تحول پدیده‌ها، اثرات گوناگون پدیده‌های جغرافیایی در پیدایش یک سیمای فرهنگی و معیشتی و اثرات متقابل آنها، تکنیک، وجود یا عدم وجود تعادل، نظم یا بی نظمی در اکوسیستم ناحیه و منطقه، تحلیل نابرابریها و عدم تعادل در توزیع فضایی عوامل توسعه و اثرات آنها، تبیین وابستگیها، روابط دور و نزدیک، استفاده از زمین و تغییرات و اثرات ناشی از آن باید مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی پیشرفت در مطالعات ناحیه‌ای و سازماندهی فضایی به امکانات و استفاده از این ابزار و تکنیکها و کیفیت جمع‌آوری، اندازه‌گیریها، طبقه‌بندی، مدلهای استقرار و توضیح این داده‌های جغرافیایی بستگی دارد هر چقدر جمع‌آوری اطلاعات آسان است به همان اندازه طبقه‌بندی و تحلیل آنها مشکل و ارزشمند می‌باشد.

۳ - بررسی نظریه‌ها و تئوریها

توجه به مکتبهای جغرافیایی و اندیشه‌های فلسفی در جغرافیای امروز ارزش و اهمیت خاصی دارند و یک تحقیق جغرافیایی در یک خلا فلسفی صورت نمی‌تواند بگیرد و مسلماً " مجموعه‌ای از معتقدات فلسفی و فکری این عوامل را باید راهنمایی نمایند ۲۸. بدین ترتیب در مطالعات ناحیه‌ای توجه به مکاتب و الگوهای مشابه و استفاده از روشهای مختلف مثلاً " روش قیاس یا استقراء لازم و ضروری است.

جغرافیای جدید به نقش فضا و محیط طبیعی در زندگی و عملکرد اجتماع توجه دارد. جغرافیای امروز ویژگیهایی که انسان را با محیط طبیعی مربوط می‌کنند ظاهر می‌سازد و بالاخره عواملی که سعی در پراکندگی یا سعی در تراکم انسانها دارند سازماندهی فضایی و رقابتها را توجیه می‌نماید.

تئوریهای جغرافیایی ابعاد فضایی، عملکرد انسانها، مکانیزمها جفت و جوریهها و خواستههای انسانی را که بدون آنها زندگی اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود روشن می‌نمایند. در این میان باید به نظریه‌ها و تئوریهای اکولوژیکی، موقعیت فرد در فضای جغرافیایی، موقعیت جامعه در فضا، تکنیک و فضای جغرافیایی، کنترل فضای اکولوژیکی، حمل و نقل و ارتباطات در انطباق با ناحیه توجه شود. مدلهای اقتصادی از قبیل سیمای عمومی اقتصادی، مدلهای فضای اقتصادی و حمل و نقل، مکانهای مرکزی، تئوری سیستمها، مدلهای فضای اقتصادی و ارتباطات، تئوریهای توسعه و برنامه‌ریزی باید مورد توجه قرار گیرند.

مدلهای اجتماعی - اقتصادی از قبیل شخصیت فرد در جامعه، جایگاه افراد در جامعه، کار و جایگاه سکونت، مدل‌های ارتباطات افراد در فضای جغرافیایی نیز از عواملی هستند که مورد توجه می‌باشند.

خارج از اصول مسلم جغرافیایی، فرضیه‌های مربوط به جغرافیای طبیعی و انسانی، مدل‌های تحلیل این فرضیه‌ها، اساس فرضیه‌ها در ارتباط با موضوع و ناحیه باید مورد توجه قرار گیرند. در این میان وابستگی جغرافیا با سایر علوم هرگز نباید فراموش گردد و مرزهای استفاده از این علوم شناخته شود.

۴ - مشاهده و کار بر روی زمین

مشاهده و کار بر روی زمین مهمترین و مطمئن‌ترین وسیله در کار تحقیقات ناحیه‌ای است. تجزیه و تحلیل کیفی تمام مسائل ناحیه بدون کار بر روی زمین، مشاهده و پرسشگری مستقیم امکان‌پذیر نیست و از تمام روشها در بدست آوردن نتایج صحیح موثرتر است. «هیچ چیز برای شخص ناظر و مشاهده کننده مهمتر از این نیست که بتواند مناظر و محیطهایی را که می‌بیند به ساده‌ترین وجه و عنصر تجزیه و به مرکب‌ترین حالت چنانکه هست تجسم نماید»^{۲۹}. این مرحله از تحقیق ممکن است بعد از گردآوری اطلاعات، همزمان با آن و یا قبل از مراحل تحلیل داده‌ها و تئوریه‌ها و فرضیه‌ها انجام گیرد. به هر حال مشاهده و کار بر روی زمین ما را در کسب اطلاعات در زمینه محتویات فرعی و تحلیل‌های نهائی کمک و یاری خواهد کرد. کار بر روی زمین در عین اینکه روشنگریهای بیشتری را در مورد اطلاعات گردآوری شده انجام می‌دهد شرط اصلی در استنتاج نهائی و آئینده‌نگری‌هاست. در تمام مراحل تحقیق جغرافیدان نباید ارتباط خود را با ناحیه مورد مطالعه قطع کند. موفقیت یا عدم موفقیت یک کار تحقیقاتی در اصل به مشاهده مستقیم یک جغرافیدان بستگی دارد. وجود یک نگرش قوی شرط موفقیت در تمام مطالعات ناحیه‌ای است. ارتباط مستقیم با مردم و ساکنان ناحیه، مشاهده نوع معیشت و زندگی، مسکن، بهره‌برداریها و پرسشگریها، برای شناخت ارزشهای ناحیه کمال اهمیت دارد... ولی این تحقیقات ناحیه‌ای به صرف مشاهده ارزشی نخواهد داشت مگر اینکه با یک آمادگی و اطلاعات قبلی و با یک برنامه از قبل تعیین شده و طرح‌ریزی شده و به کمک ابزار و ادوات لازم از قبیل نقشه‌های مختلف توپوگرافیک، تامتیک و وسائل ثبت وضبط وقایع، دوربین‌های عکس و فیلم انجام گیرد.

۵ - استنتاج و تنظیم گزارش

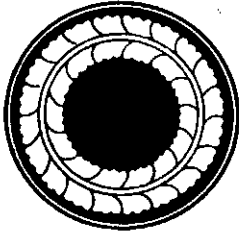
در این مرحله از مطالعات یک مسئله کاملاً " مطرح است و آن اینکه آیا همه عوامل جغرافیایی را در ارتباط با مسائل موجود یکجا و توأم مورد مطالعه قرار دهیم یا بهتر است که سیمای عمومی و کلی در ابتدا، و بدنیال آن تحلیل و آئینده نگریها مطرح شود. از آنجائی که مسائل ناحیه‌ای یک امر نشأت گرفته از کلیه عوامل موجود از ناحیه می‌باشد و بدون شناسائی عوامل، بررسی و پی‌بردن به مسائل امکان‌پذیر نیست، لهذا در مطالعات ناحیه‌ای تنظیم گزارش باید دو مرحله‌ای باشد: مرحله اول توصیف و تشریح آنچه که هست و مرحله دوم تجزیه و تحلیل و آنچه که می‌تواند یا باید باشد.

در مرحله اول عوامل بالقوه و پتانسیل کامل ناحیه به همان ترتیب که تحقیق شده توصیف و ترسیم می‌شوند مزایای هر یک از عوامل جغرافیایی ناحیه، بالقوه و بالفعل تشریح می‌گردند. به عنوان مثال شرایط خاص توپوگرافیک، آب و هوایی، خاک، پوشش گیاهی و غیره که به عنوان عوامل حیاتی شناخته می‌شوند به طور کامل باید نشان داده شود. در ترسیم و توصیف این عوامل صرفاً نباید به جنبه‌های توصیفی اکتفاء کرد و باید تکنیک و پیشرفت‌های حاصل در جغرافیا و در علوم مربوط به جغرافیا مانند ریاضی، آمار، احتمالات، نقشه کشی بکار گرفته شوند. از روشهای سنتی توصیفی و ملال‌آور اجتناب کرد و به همان صورت که در بخش تحلیل داده‌های آماری عنوان شد سعی شود که مطالب تنها در قالب ارقام و آمار و توصیف و تجسم نشوند بلکه همه عوامل به صورت تجسمی و استنتاجی در قالب نمودار، نقشه‌ها، گرافها، شماها و اشکال نه تنها به طور انتزاعی بلکه ترکیبی و مقایسه‌ای عوامل با همدیگر عنوان شوند. ترکیبات اجزائی عوامل تشکیل دهنده ناحیه و پدیده‌های موجود تا اندازه‌ای شکافته شوند ولی در عین حال اصل کلی بین جغرافیا فراموش نگردد. توزیع پدیده‌ها ضمن اینکه هر کدام در جای خود نشان داده می‌شوند در ارتباط با همدیگر قرار گیرند. مثلاً "اگر صحبت از کشاورزی است تنها به تولید و انواع آن اکتفاء نشود بلکه عوامل و شرایط تولید، مثل اقلیم، آب و خاک، تکنیک، نیروی انسانی، مدیریت و انگیزه‌ها، بازار، شرایط اجتماعی همانند مالکیت، عوامل برون‌زا تا آنجا که مجموعاً منجر به پیدایش تخصصی خاص از کشاورزی ناحیه گشته در نظر گرفته شود و حتی ممکن است اشتغالات غیر کشاورزی که خود در توسعه یا عدم توسعه کشاورزی موثر است مد نظر باشد.

چرا ساختار کشاورزی ناحیه‌ای ساده و در بعضی جاها پیچیده است؟ چرا در یک ناحیه یک‌کشت وجود دارد و چرا در دیگری چند کشتی رایج است؟ در این میان مسائل و مشکلات موجود بالاخص نظام اکولوژیکی و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی فراموش نگردد.

این مطالب ضمن اینکه به همین ترتیب مطالعه می‌گردند باید به همان ترتیب نیز تنظیم شوند. از حدس و گمان و آوردن مطالب مشکوک و غیر مسلم اجتناب شود چون مجموعه این گزارش است که

فرهنگی و اقتصادی مخصوص نواحی و کشورمان را ملحوظ می‌داریم به اصول و روشهای علمی جغرافیا توجه کافی مبذول داریم. بالاخره راه صحیح و منطقی اینکه در مطالعات ناحیه‌ای و شناسائی کشور ویژگیهای ثابت و مستمر ناحیه‌ای را بر عوامل متغیر و ناپایدار مقدم و محترم شمرده شود.



یادداشتها

- 1- Peter HAGGETT: Lan'alyse spatiale en Geographie humaine Traduction en Francais par Hubert FREC'HOU A.Colin.Paris, 1973. P. 270.
- 2- Paul - CLAVAl: Lanouvelle Geographie: Que sais-je.NO 1693. PUF Paris 1977. P. 115.
- 3- Piere-GEORGE:Les Methodes de La Geographie Que sais-je NO PUF.Paris 19,P.107.
- ۴- دکتر حسین شکویی: فلسفه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تبریز، مؤسسه گیتاشناسی. صفحات ۵۸ - ۵۹ و ۶۰.
- 5- Olivier-DOLLFUS: L'espace Geographique . Que sais-je. NO 1390. PUF. Paris 1973 - P. 101.
- ۶- دکتر حسین شکویی، فلسفه جغرافیا. صفحه ۶۳.
- 7- P.CLAVAL. Lanouvelle Geographie of cit. P. 116.
- 8- P.HAGGETT- Op. cit. P. 271.
- ۹- دکتر حسین شکویی: فلسفه جغرافیا. صفحه ۷۲.
- محمد جعفرزمریدیان: اصول و مبانی عمران ناحیه‌ای. ۱۳۶۳ صفحه ۱۶ و ۱۷.
- 10- P. HAGGETT. Op. cit. P. 272.

پایه فرضیات و تئوریهها، آینده‌نگری و برنامه‌ریزیهای آینده را تشکیل دهد. اصولاً باید تنظیم مطالب در شکل بررسی مجموعه پدیده‌ها و مناسبات باشد و ساختار و روابط ساختاری ناحیه در شکلی که وجود دارند ارائه گردد. بالاخره همه پدیده‌ها و عوامل هم در مکان و هم در زمان مطالعه گردند. این مرحله اساس و قسمت اعظم کار تحقیقات ناحیه‌ای را تشکیل می‌دهد.

مرحله دوم در ارتباط با هدف و از درجه مسائل و مشکلات تهیه و تنظیم می‌گردد. عوامل و پدیده‌ها را ضمن اینکه در قالب خودشان ملاحظه می‌کنیم آینده‌ای را هم برای سازماندهی‌های فردا ترسیم می‌نمائیم. اطلاعات و مطالعات از همدیگر تفکیک می‌گردند و اطلاعات درست و اطمینان بخش بکار گرفته می‌شوند. ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تصمیم‌گیریها، عملکردها و بی‌آمدها و باامال آینده نگری‌ها در نظر گرفته می‌شوند و این قسمت از بحث و گزارش که در حقیقت نتیجه و کاربرد و استفاده منطقی و اصولی از مطالعات ما را تشکیل می‌دهد باید در قالب و مدلهای خاصی عنوان شوند که با شرایط جغرافیائی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ناحیه و کشور تطبیق داشته باشند^{۳۱}. و از الگوهائی که زمینه‌های اولیه آنها در ناحیه مورد مطالعه کشورمان ضعیف یا اصلاً وجود ندارد خودداری گردد. معیارها و ارزشهای ناحیه‌ای و کلی محترم شمرده شود. به صرف تقلید و پیروی و جذب مند و الگوهای خارجی که ساختارهای فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی متفاوتی با ما دارند پایگاههای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نیازهای اساسی و اولیه داخلی فراموش نگردد.

نتیجه:

آنچه مسلم است در جغرافیای امروز مطالعات ناحیه‌ای از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و علیرغم وسعت و تغییرات عمیقی که درهدف و روشهای جغرافیا حاصل شده است، مطالعات ناحیه‌ای پایگاه علمی خود را هنوز محفوظ نگهداشته است. در حقیقت توجه به این بخش از جغرافیا برحسب ضرورت در حفظ و نگهداری محیط زیست انسانی حائز اهمیت خاصی است. بعلاوه علیرغم ارزش و جایگاه مطالعات ناحیه‌ای در تمام زمینه‌های توسعه اقتصادی در آموزش جغرافیا نیز نقش حساسی را بازی می‌نماید. لہذا انجام درست و صحیح آن علاوه بر اینکه شناخت علمی از کشورمان را فراهم خواهد ساخت در رسیدن به اهداف آموزش جغرافیا نیز ما را یاری خواهد نمود.

بدین ترتیب ایجاب می‌نماید که در مطالعات ناحیه‌ای و در رسیدن به اهداف فوق‌اولاً با توسل به ابزار، وسائل، تکنیک و شیوه‌های جغرافیای امروز در شناسائی محیط‌زیست و نواحی جغرافیائی اقدام نمائیم، ثانیاً "ضمن اینکه مجموعه عوامل سیاسی، اجتماعی،

25- Stephen. TOULMIN, the Philosophy of science. 1953. PP. 111-112.

۲۶- دکتر محمد حسن گنجی: ملاحظات دربارۀ محتوی و روش جغرافیای ناحیه‌ای - مجموعه سخنرانیهای نخستین سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران، دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۵۴، صفحه ۱۹.

27-CLAVAL.P.La nouvelle Geographic op. cit. e. P. 35.

۲۸- دکتر حسین شگوئی: جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیائی، صفحه ۱۷۱.

۲۹- دکتر کاظم ودیعی - روش تحقیق در جغرافیا... صفحه ۱۰۵.

۳۰- دکتر حسین شگوئی، جغرافیای کاربردی... صفحه ۱۰۵.

۳۱- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی: تعریف مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا. فصلنامه... صفحه ۴۵.

۱- دکتر حسین شگوئی: جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیائی. آستان قدس رضوی ۱۳۶۴. صفحات ۴۶-۷۷.

۱۲- دکتر حسین شگوئی: جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیائی. صفحه ۵۵.

13- J.MONOD, P.de CASTELBAJAC: L'amenagement duterritaire Que sais-je.NO 997.PUF. Paris, P. 13-14.

۱۴- مهندس فولادی: آمایش سرزمین و جغرافیا، مجله رشد - آموزش جغرافیا، شماره ۳ پاییز ۱۳۶۴، صفحه ۲۴.

۱۵- در تعریف ناحیه، منطقه، قلمرو، محیط: به کتاب "مقدمه بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیائی و عمرانهای منطقه‌ای - ناحیه‌ای" تألیف دکتر کاظم ودیعی. ۱۳۴۸ مراجعه شود.

۱۶- روشهای تحلیل منطقه‌ای: ترجمه دکتر داریوش کاظم‌زاده صمیمی ۳ جلد، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) ۱۳۵۷.

۱۷- دکتر کاظم ودیعی: مقدمه بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیائی و عمرانهای منطقه‌ای، صفحات ۲۲-۲۳.

۱۸- دکتر کاظم ودیعی: مقدمه بر روش... صفحه ۴۰.

۱۹- دکتر محمد حسین پاپلی یزدی: تعریف، مفهوم و دیدگاهی تازه از جغرافیا: فصلنامه تحقیقات جغرافیائی صفحه ۹-۵۵.

20-Claude CHALINE. La dynamique Urbaine PUF. Paris - 1980.P.22.

۲۱- دکتر حسین آسایش: سیمای اقتصادی ایران، انتشارات دانشگاه تبریز، صفحات ۱۳-۱۴.

۲۲- فرج... محمودی: بحثی پیرامون نواحی طبیعی ایران، نشریه انجمن جغرافیدانان ایران، شماره یک، سال ۱۳۵۵.

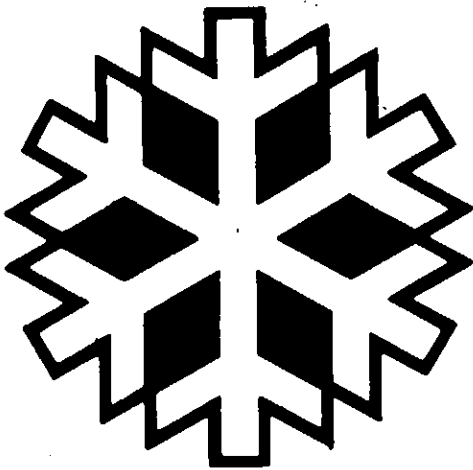
۲۳- دکتر کاظم ودیعی: مقدمه بر جغرافیای انسانی ایران انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۳.

- دکتر ربیع بدیعی - جغرافیای مفصل ایران - ۳ جلد: انتشارات اقبال - تهران - ۱۳۶۲ - صفحات ۲۱۵-۲۵۲.

24- Geographie Leve, P.GOUROU. et L. PAPY.- Hachette 1962.

-Geographie Leve.Collection de Max DERRWAU Masson 1963.

-Geographie de La france. Leve: V. PREVOT W. DIVILLE. 1968.



گسترش اسلام در آفریقا

ب. ج. مارتین

تلخیص و ترجمه از: منوچهر صادقی برزلیقی

مقدمه

مدیترانه، نواحی اقیانوس هند و با توسعه بعدی تا روسیه و چین و آسیای جنوب شرقی که اینک دیگر به هم متصل شده بودند تجارت جهان اسلام به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه یافت.

در زمان حکومت دوم جهانی اسلام یعنی حکومت عباسیان بغداد (۱۰۰۰ - ۷۵۰ میلادی) این اقتصاد احیاء شده به صورت بنیادی در بعد وسیعتر پیشرفت کرده و در این موفقیت جدید که نصیب اسلام گردیده بود آفریقا نیز به سهم خود شرکت نمود.

مصر و شمال آفریقا

اگرچه در قاره آفریقا بعضی آفریقائیان مصر را از حوزه قلمرو خود حذف و آنرا به خاورمیانه یا خاور نزدیک یا دنیای مدیترانه‌ای وابسته می‌دانند، از نقطه نظر اسلام به هر حال باید جهان را به صورت کل نگریست. در حقیقت مصر نخستین منطقه اصلی سیاسی بود که توسط مسلمانان تحویل گرفته شده و بوسیله دو خلیفه اداره می‌شد، سپس از طریق یک سلسله سران نظامی به نام ممالیک کنترل می‌شد. بعدها مصر تحت سلطه اشغالگران خارجی مثل عثمانیها، ترکها، آلبانیها، سلسله محمد علی و رژیم استعماری انگلیس درآمد. مصر استقلال کامل خود را در اواسط سال ۱۹۵۰ بدست آورد. در این مدت زمان طولانی مصر فرهنگ اصیل و نفوذ سیاسی خود را در تمامی نواحی لیبی، اطراف رود نیل و شرق سودان (بلاد - سودان سرزمین سیاهان) و همچنین پائین دریای سرخ به سمت سومالی و شرق آفریقا اعمال نمود.

در قرن هفتم مصر پایگاه مهم اسلام بود و برای اعراب یک سکوی پیروزی محسوب می‌گشت که از این طریق توانستند به سمت شمال آفریقا که امروزه لیبی و الجزایر و تونس و مراکش نامیده می‌شوند راه یافته، تا مرزهای شمالی موریتانی و غرب پیش روند چنانکه تا سواحل مدیترانه و مراکش و اسپانیا نیز رسیدند. همزمان با بدست آوردن حاکمیت که از طریق پیروزیهای نظامی

اسلام یک فرهنگ، مذهب، حکومت، یا یک سازمان وسیع اقتصادی و نظامی همیشگی است. اسلام بوسیله رسول خدا حضرت محمد (ص) به سال ۶۲۲ - ۵۷۰ میلادی بنیاد گذاشته شد و به سرعت در سرتاسر شبه‌جزیره عربستان و خارج از مرزهای آن در ایران، عراق، فلسطین، سوریه، آسیای مرکزی و آفریقا گسترش یافت. همینطور در کرانه‌های غرب و شرق مدیترانه، آسیای غربی و نیز تا مرزهای چین توسعه یافته و گسترش آن تا سال ۷۵۰ بعد از میلاد تقریباً کامل گشت.

اولین مراحل گسترش اسلام که بوسیله اعراب انجام می‌گرفت نخست بوسیله سپاهیان و سپس بوسیله مهاجرین و بازرگانان صورت پذیرفت.

در اتیوپی اسلام ابتداءً توسط آنهایی که از پناهندگان غرب آن سوی دریای سرخ بوده و اسلام را پذیرفته بودند معرفی گردید. با توجه به رشد سریع و ریشه‌ای اسلام توانست پاسخگوی نیازهای معنوی و فرهنگی میلیونها عرب، ایرانی، ترک و تعداد بی‌شماری از آفریقائیان گردد.

پذیرش اسلام علاوه بر اینکه در بین قبایل شمال آفریقا جایی باز کرده بود، جماعتی از آن سوی جنوب آفریقا تا صحرا و سواحل شرق آفریقا را نیز شامل می‌گشت.

در آن زمان حکومت جهانی اسلام یعنی خلافت امویان از طریق پایتخت خود در دمشق اعمال می‌شد. در نیمه آخر قرن هفتم مناطق بسیار وسیع شمال و قسمتهایی از شرق و شاخ آفریقا به اتحادیه جدید جهانی اسلام پیوسته و جزئی از بازار مشترک آن گردیدند. اعراب برای نخستین بار در طول قرنهای سرزمینهای پهناوری را که خیلی بزرگتر از قلمرو یونانیان و رومیان بود تحت سلطه خود درآوردند. اسلام با روش مؤثری رویای اسکند کبیر را تحقق بخشید. یعنی « وحدت جهان شناخته شد. ثبات سیاسی تازه کشف شده تحت لوای اسلام در شمال آفریقا، مناطق آن سوی

بدست می‌آمد بربرهای کوهستان‌نشین الجزیره و شرق تونس و مراکش نیز کیش خود را تغییر داده و به اسلام می‌گرویدند. این پدیده‌ها یعنی استیلای نظامی و تغییر آئین در واقع نتایج اسلام - گزائی قوی بود که در مغرب بوقوع پیوست (سرزمین غروب آفتاب یعنی تمامی شمال آفریقا بجز مصر) . تغییر کیش نوین بربرهای این نواحی با پذیرش دین اسلام تقریباً از سال ۸۰۰ میلادی بدنبال نفوذ ریشه اقتصادی آن هم در سطح بسیار گسترده‌ای در طول بیابانهای جنوبی شروع شد. شهرهای جدید اقتصادی از جمله قیروان^۱ در تونس، مرزوق^۲ در فزان^۳ و نواحی مرکزی تاهرت^۴ در کوهستانهای مرکزی الجزیره و سیجیلماسا^۵ در جنوب مراکش شروع به آباد شدن کردند.

به طور اختصار با شروع قرن نهم در آن سوی صحرا جایی که رودخانه‌های نیجر و سنغال سرچشمه می‌گیرند تجارت سهم عظیمی را در حیطه بازار مشترک اسلامی به خود اختصاص داده و اقتصاد غرب آفریقا با رشد تجارت طلا شکل نوینی پیدا کرد. این معادن طلا ناشناخته و خارج از دسترس بود ولی بعدها یونانیا و رومیها، شمال آفریقا را به تصرف درآورده و تولید افزایش یافت و یک سری از مناطق شمال آفریقا را قادر ساخت که بر اثر عبور کاروانها در طول شهرهای صحرا به سمت مصر و جاهای دیگر به کامیابی‌های جدید دست یابند و چنان شد که در شرق، مسلمانان به ضرب سکه پرداختند. نفوذ اسلام در جنبه‌های معماری از زنگبار تا شمال روسیه نیز اثر گذاشت. سکه‌های دیگری از مسلمانان (درمهای نقره‌ای) در مناطقی از اروپای غربی و نهانگاههای قرون وسطی نیز بدست آمده است.

شبه تمدنهای یونان و روم، اقتصاد اسلامی نه تنها به صورت جریان با ثباتی درآمد، بلکه طرق مختلف استفاده از نیروی کارگر برده‌ای نیز به نوبه خود اعمال می‌شد. بردگی در خانه و صنعت توسط صاحبان قدرت رایج بوده لیکن از خشونت که در قرن نوزدهم نسبت به بردگان سیاه توسط اروپائیان اعمال می‌شد برخوردار نبوده است. آزادی بردگان به تدریج ترویج می‌شد و خیلی از آنها حقیقتاً^۶ به عنوان اعضای خانواده مسلمانان نیز پذیرفته شدند. در حالیکه هزاران آفریقائی در زمینهای خشک و لم یزرع صحرا هلاک می‌شدند، هزاران برده از شرق اروپا و روسیه به اجبار به سمت بغداد و مصر روانه می‌گردیدند. آسیای مرکزی، ترکها، آلمانها و حتی فرانسه و انگلیس در این تجارت سهمی داشتند. اغلب این بردگان و اسرای مرد (در نوبی^۶، یا مصر) از طریق راهیان مسیحی و تجار یهودی (در جنوب فرانسه یا جاهای دیگر) با خواجه‌های حرمسرای (یک عمل منع شده برای مسلمانان در حقوق اسلامی) افراد ممتاز درباریان و مالکین ثروتمند شرق عوض می‌شدند. اگرچه بتدریج تجارت برده در دنیای اسلام رو به کاهش می‌رفت ولی این تجارت تا اوایل قرن بیستم از سمت آفریقا ادامه داشت.

در مقابل طلا و بردگان و عاج فراهم شده از شهرهای تاهرت و سیجیلماسا، فزان، مراکش، تونس، قیروان، که از سرزمینهای اسلامی بودند و به سمت جنوب یعنی صحرا گسیل می‌شدند، بارهای شتر شامل منسوجات، میلهای فلزی، چوب، سلاحهای فلزی، سرامیک، سنگ نمک، و سایر کالاهای ساخته شده از حاشیه شمالی و شهرهای میانی صحرا صادر می‌شدند، از این رو غرب سودان که در واقع مسیر چنین مسافت طولانی بوده علاوه بر تجارت داخلی و کشاورزی، وجود چنین تبادلات بازرگانی در واقع تکیه‌گاه مطمئنی برای دولت‌های آفریقای شمالی محسوب می‌شد. ارزش این تجارت در قرون وسطی خیلی بیشتر از تجارت با شبه جزیره ایبری یا جاهای دیگر اروپا بود.

در دوره‌های کوتاه، مراکش (۱۱۴۵ - ۱۰۶۵) که یکی از حلقه‌های زنجیر تجارت به غرب آفریقا بود به آبادانی خود ادامه داده و همزمان با این پیشرفت الموحد^۷ در غرب سرزمین مغرب (۱۱۶۰ - ۱۱۲۵) از یک موفقیت شایانی برخوردار بودند. بتدریج وحدت سیاسی و نیز بوجود آوردن آثار هنرمندانه در مساجد و عمارات توسعه پیدا می‌کرد.

تا سال ۱۳۰۰ میلادی کانون سیاست و تجارت از شمال آفریقا به شرق و تونس یعنی جایی که حکومت حافظی‌ها با تمام قدرت تا قرن شانزده ادامه داشت، تغییر مکان داد. نخست در الجزیره سپس در تریپولی و تونس حافظی‌ها^۸ و سایر حکمرانان محلی بوسیله ترکهای عثمانی از ریشه برانداخته شده و بر اثر درگیری‌هایی که با اسپانیا داشتند به سمت غرب روانه شده و تا مغرب و مراکش عقب رفتند. این دو منطقه جایی بود که در قرن شانزده و هفده دو سلسله از شریفیان با قدرت تمام حکومت می‌کردند و اقتدار آنها از دو عامل سیاسی ریشه می‌گرفت: یکی همراهی با اسپانیا و پرتغال در حمله به مراکش و دیگری تجدید حیات طبقه قدرتمند روحانیون. با شروع قرن هفدهم اسلام در آفریقای شمالی با جمعیتی که حدوداً ۹۰ درصد آنرا مسلمانان تشکیل می‌داد توانست پایبیزی و بنیان گذاشته شود. در مغرب بخش شرقی آن (لیبی، الجزایر، تونس) تحت سلطه ترکان عثمانی بود که بعضی از آنها تا حدود سیصد سال به طول کشید.

دوران سلطه ترکها بوسیله حکومت استعماری فرانسه ادامه پیدا کرد. (در الجزایر از سال ۱۸۳۰ در تونس از سال ۱۸۸۱ و در مراکش ۱۹۱۲) . در شرایط جدید حکومت اسلام شدیداً تحت فشار بود بویژه در لیبی جایی که حمله ایتالیائیا در سال ۱۹۱۱ یک حکومت مستبد استعماری بوجود آورد و فقط یک مقدار نفوذ و تأثیر در مراکش داشت. در سایر سرزمینهای مغرب مردم تحت نفوذ و تأثیر سیستم تعلیم و تربیتی فرهنگ استعماری فرانسویان و ایتالیائی‌ها بودند.

هر گونه تعلیم و تربیتی که اعمال می‌شد به شدت بوسیله قدرت

اروپایی کنترل می‌شده و تنها به استفاده از زبان محلی توسط ساکنین اکتفا می‌شد.

علی‌رغم اشغال اروپائیان برای سالیان دراز هنوز در ایالت‌های آفریقای شمالی جایی که نفوذ و تأثیرات اسلامی وجود داشت مردم فرهنگ و زبان خود را بی‌عیب و دست نخورده به صورت فراگیرنده‌ای نگهداشتند.

غرب آفریقا

منطقی به نظر می‌رسد بحث اسلام در شمال آفریقا که به عنوان پدر محسوب می‌شود همراه با بحثی از اسلام در غرب آفریقا که به منزله فرزند باشد دنبال گردد.

پذیرش تأثیرات کمی از مصر و سایر مناطق، اسلام در غرب، شباهت نزدیکی با اجداد مغربی خود دارد. یکبار سواحل شمال آفریقا بوسیله اعراب اشغال شده بود که بعدها جای خود را به بربرهای مسلمان داد، کسانی که برای قرن‌ها به تجارت خود در طول سواحل صحرا مشغول بودند (احتمالاً از زمان قرن سوم بعد از میلاد موقعی که تجارت با شتر به آفریقای شمالی معرفی می‌شد) مناطق جنوب نیز اخذ مذهب و فرهنگ جدید را آغاز کردند. در اینجا چادرنشینی و تجارت اجزا و کلید اصلی زندگی آنها را تشکیل می‌داد. تردد از شمال آفریقا تنها در انحصار بربرها و بستگان آنها بوده و توسط آنها حفاظت می‌شد. این خط سیر کاروانها در مدت زمان محدود و کوتاهی. سبب آبادانی شهرها گردید جایی که محصولات از شمال آفریقا توسط مسلمانان شرق و غرب آفریقا منتقل می‌شد. (سال ۱۳۰۰). بردگان، عاج فیل، همچنین طلا و دانه‌های قهوه در جهت عکس آن گسیل داشته می‌شد.

همچنان که وسعت میدان تجارت بیشتر می‌شد تغییر به اسلام یا حداقل تطبیق به دستورالعمل‌های اسلامی نیز به صورت دورادور انجام می‌گرفت. استفاده از زبان عربی بیشتر متداول می‌شد. به جرأت می‌توان گفت که تا سال ۱۴۰۰ یا کمی بیشتر، زبان عربی در اسناد و دست‌خطها بدون هیچ‌گونه تغییر شکل و تعدیلی بکار می‌رفت.

اسلام به سبب فرضیه‌های بهداشتی و تئوریهای خود بویژه دستورات پزشکی به تغییر محل در سرزمین صحرا و ماورای آن نیز پیشرفت نمود. در روزگار عدم وجود خدمات پزشکی سازمان یافته هر گونه تکنیک جدید ارزش پیدا می‌کرد و می‌توانست بوسیله اهالی بومی غیر مسلمان جذب شود. به هر حال آشکار است که طیفی از عقیده اسلامی از همان اوایل در غرب آفریقا درخشیدن گرفت و بنا به مقتضیات محیط به طور سطحی پذیرفته شد. این تنوع و گوناگونی در قرن ۱۶ در بعضی مناطق مسئله سیاسی شده و تا نیمه قرن ۱۸ ادامه داشت.

بطوریکه اشاره شد اکثر حکومت‌های بزرگ از جمله غنا، مالی و سانگهای^۹ در غرب سودان اساساً بر اثر تجارت برده و طلا توسعه پیدا کردند. اکثر این واحدهای سیاسی به صورت فزاینده‌ای روی به اسلام گزاشتی نهادند و همچنانکه زمان پیش می‌رفت سرزمین مالی بیشتر آباد می‌گردید و به طور قابل ملاحظه‌ای جذب اسلام می‌شدند. اکثر حکمرانان مالی جهت زیارت به مکه می‌رفتند و در سر راه خود از قاهره می‌گذشتند جایی که برای طلاهای خیره کننده آنان متقاضیان فراوانی داشت.

در سال ۱۴۵۰ مالی جای خود را به سانگهای که مسلمانان قدرت قابل ملاحظه‌ای بدست آورده بودند داد. حدود سال ۱۴۹۰ در برخورد جریانات عقاید، حاکمی به نام سنی علی به قدرت رسید. در نیجر علیا، یکسری نوسانات سیاسی را بین سالهای ۱۵۱۰ تا ۱۵۲۰ پشت سر گذاشت پایتخت آن به نام تیمبوکتو^{۱۰} توسط مراکشی‌ها به سال ۱۵۹۱ - ۱۵۹۰ تسخیر شد. با شروع قرن ۱۷ سانگهای به طور کلی از روی صحنه محو گردید.

در مناطق سنگال و کامبیا، مالی یکسری حکومت‌های موفق داشت، حتی قبل از سقوط مالی در غرب آفریقا تجار مالینک^{۱۱} (ماندینگ) فعال‌ترین آنها بودند. این تجار که در زبان ماندای^{۱۲}، دیولا نامیده می‌شدند قادر بودند کالاهای خود را به سبب طرفداران فراوانی که داشت هر کجا که می‌خواهند ببرند، حتی جاهایی که در آن جنگ‌های داخلی بوده است. اما این بدان معنی نبود که همتای تجار مسلمان قرن ۱۵ و ۱۷ باشند چراکه مسلمانان و انگورا^{۱۵} از حوالی رودخانه سنگال از مشهورترین و معتبرترین نشان بودند. اسلام به طور گسترده‌ای در سرزمین‌هایی که امروزه غنا، سیرالئون، نیجریه، ساحل عاج، توگو، بنین (داهومی)، و گینه نو نامیده می‌شوند بسط پیدا کرد.

مرکز دیگری که فرهنگ اسلامی در آن نمایان بود با داشتن مؤسسات مختلف اسلامی به عنوان نمای سیاسی کانم برنو^{۱۶} نزدیک دریاچه چاد بود. این مرکز برای قرن‌ها با تجارتی فعال از برده لیبی را از طریق فزان حمایت می‌کرد و اساس تجارتی شد که بتدریج محصولات دیگر از جمله طلا را در اختیار می‌گرفت.

کانم با حکمرانان تونس قراردادهایی داشت و زمانی نیز ادعای مناطقی از جنوب فزان را نمود. بعد از حدود سال ۱۴۷۵ برنو بوسیله تعدادی از پادشاهان نیرومند اداره می‌شد که از کانم حمایت نمود. برنو با تاخت و تاز و حمله به همسایگان خود از جنوب و شرق دریاچه چاد دامنه سرزمین‌های خود را وسعت بخشید و در طی قرن شانزده روابط نزدیکی با قدرتهای خارجی مثل ترکان عثمانی و شریفیان مراکشی برقرار نمود. مستقل تا اواخر قرن نوزده به عنوان یک حکومت باقی ماند و سرانجام همراه نیجریه در ردیف مستعمرات انگلیس قرار گرفت.

بین برنو و ساحل غرب آفریقا تعدادی دولت‌های کوچکتری بودند

که در اواخر قرن ۱۶ حکومت‌های مستقلی به نام کبی ۱۷، کانو ۱۸، کاتسینا ۱۹، فوتا تورو ۲۰، تشکیل دادند.

حدود سال ۱۷۵۰ با رسیدن تعداد زیادی از مسلمانان فولانی ۲۱ به همراه گله‌های احشام از سنگال و سواحل گینه به مراتع و چراگاه‌های شمال نجریه که اخیراً "توسط نیمه مسلمانان هاوسا ۲۲ اشغال شده بود تشکیل جماعتی از مسلمانان را دادند که تعدادشان خیلی بیشتر از سابق بود. وحدت‌گرائی و برخورد و تطبیق عقاید دوباره یکسری تنش‌های سیاسی را ایجاد نمود و بعد از گذشت مدت زمان طولانی سبب شد که سرانجام با اعلام جهاد فولانی (جنگ مقدس) و اتحاد مسلمانان تحت رهبری عثمان دان‌قودیو به قدرت بزرگی دست پیدا کنند. این انقلاب فولانی در سطح گسترده‌ای توسط سایر رهبران مسلمانان در شعاع صدها مایل تقلید شد و سبب گسترش سریع اسلام در غرب آفریقا در طی قرن نوزدهم گردید.

زمانی که قدرتهای استعماری انگلیس، فرانسه، آلمان، اسپانیا و پرتغال غرب آفریقا را تحت سلطه داشتند بتدریج مالکیت قلمروهای خود را از طریق تجارت‌های ساحلی به طور قابل ملاحظه‌ای توسعه می‌دادند. تعدادی از این قدرتها که به خود نیز اطمینان داشتند از جمله فرانسه و پرتغال آشکارا ترسشان از نفرت مسلمانان ظاهر می‌شد. قدرتهای دیگر مثل انگلیس و آلمان بی‌طرفی نشان می‌دادند و باطناً "مسلمانان و فرهنگ آنان را تحسین می‌کردند و به دلایل سیاسی تصمیم گرفتند تا جایی که ممکن است با آنها ارتباط پیدا کنند.

این دوره برای سرزمینهای مستعمراتی غرب آفریقا بی‌شک دورانی بود که رشد اسلام متوقف شده و تأثیر و نفوذ خود را در سطح گسترده‌ای از دست داد و سیاست اسلام در حالت بی‌تکلیفی قرار گرفت. از آنجائی که دولتهای معاصر مثل غنا، نجریه، کامرون، توگو، بنین، غنا و ساحل عاج جماعت بزرگی از مسلمانان را تشکیل می‌دادند تعدادی از اینها به عنوان گروههای سیاسی شکل پیدا کرده ولی تعدادی چنین نکردند. اگر چه بعدها تأثیر مذهب به طور قابل ملاحظه‌ای در آنها نیز به مرحله ثبوت رسید و توانستند یک نوع فراغت روحی از کاربرد فرهنگ داخلی خود بدست آورند.

اسلام در سودان شرقی

اسلام از دو طریق به سودان شرقی وارد شد: در شمال از مصر پائین رود نیل و در شرق از طریق دریای سرخ از عربستان. برای قرن‌ها بعد از آنکه اسلام به مصر آمده بود تا حدود سال ۶۴۲ هیچ پیشرفتی به سمت جنوب نداشته زیرا که تحت نفوذ و سلطه پادشاهان مسیحی فوبیان بودند. آنها از هجوم و نفوذ بیگانگان از جمله هجوم اعراب و نیز سرازیر شدن طلا از طریق

دریای سرخ ر قرن نهم به شدت جلوگیری می‌کردند و این کار تا قرن چهاردهم ادامه داشت. در آن زمان اعراب مقاومت فوبیان را درهم شکسته و به پیشرفت غیر منتظره‌ای دست یافتند. این کار از طریق اختلاط عناصر چادر نشین که جهت کشت و زرع بتدریج به سمت سواحل رود نیل می‌آمدند صورت می‌پذیرفت. همزمان با سقوط شهر الوا ۲۳ نزدیک خارطوم به سال ۱۵۰۰، اسلام بوسیله معلمین و فرستادگان مسلمان از عراق و قسمتهای مختلف عربستان شروع به گسترش و توسعه نمود. در سرزمینی که امروزه جمهوری سودان نامیده می‌شود و در مناطقی مثل لنگو و شرق آفریقا در قرن نوزدهم اکثر معلمین که از مسلمانان صوفی بودند سازمانهای زیادی را که آنها هم از مسلمانان صوفی بودند ضمیمه نفوذ خود قرار دادند. و پیشرفت اسلام با کمک چنین افرادی برای قرن‌ها ادامه داشت. تا سال ۱۹۰۰ اکثریت فراوانی در شرق سودان مسلمان شدند.

بعد از تسلط ترکهای عثمانی در مصر به سال ۱۵۱۷، سلطان سلیم اول سعی کرد دسترسی و کنترل نزدیکی در دره‌های نیل - علیا داشته باشد لذا سپاهیان ترک بالکان را به سمت پادگانهای نظامی آنجا گسیل داشت و طولی نکشید که حکومت مسلمانان سودانی به پادشاهی سنار پا به عرصه وجود گذاشت و از آنجائی که بوسیله سپاهیان بالکان حمایت می‌شد تا اوایل قرن ۱۹ بقای خود را حفظ نمود. قبل از آن مردم سنار نیز مقدم تجار و معلمین مسلمان را گرامی می‌داشتند. در چنین شرایط مطلوبی اسلام به سمت غرب و به مناطق بین رود نیل و دریاچه چاد گسترش پیدا کرد یعنی به سرزمین پادشاهانی چون دارفور و وادی و همچنین تا بخشهای قابل کشتیرانی رود نیل آبی و سفید.

در طی قرن نوزدهم حادثه‌ای در تاریخ سودان بوقوع پیوست. به سال ۱۸۲۰ جنبشی توسط محمدعلی پاشای مصری ایجاد شد. و دامنه آن در سرتاسر مصر و سپس متصرفات مصر و انگلیس رسید. مقارن با آن تجارت عاج و طلا در سطح گسترده‌ای توسعه پیدا کرد. وقتی که برده‌گیری و ویرانگری توسط اروپائیان در حدود سال ۱۸۸۰ رایج شد عدم ثبات سیاسی اجتماعی سودان در حد اعلائی خود بود. مردم در جستجوی یک تغییر سیاسی، اجتماعی بنیادی بودند که به رهبری مهدی سودانی شکل می‌گرفت.

مردم طی سالهای ۱۸۹۸ - ۱۸۸۱ توانستند دست انگلیس و مصریها را از سرزمین خود کوتاه کنند. فقر به نسبت در بین قبایل و ساکنین شهرها رو به کاهش گذاشت. قدرت استعماری سرنگون شده و رژیم جدیدی روی کار آمد که تا نیمه‌های سال ۱۹۵۰ ادامه داشت تاریخ رشد ملی‌گرائی و حکمرانان مذهبی (سازمان صوفی مثل - میرگانیا ۲۴) و همچنین تجدید حیات اخوت که از طریق سازمان صوفی‌گری شکل می‌گرفت با آمیزشی از اهداف سیاسی نمایان گشت و با استقلال یافتن سودان به سال ۱۹۵۳ بخشی از حکمرانان صوفی

شرق آفریقا

اسلام در شرق آفریقا براساس پایه‌های قدیمی بنیان گذاشته شد و از طریق اولین مسلمانان عرب از طرف جنوب عربستان و نواحی خلیج فارس جایی که قرن‌ها در سواحل پائین شرق آفریقا به تجارت برده و عاج مشغول بودند به شرق آفریقا رسید . دریانوردان این منطقه با بادهای موسمی که از سمت جنوب در ماه‌های نوامبر - مارس و شمال از آوریل تا اوت شروع می‌شد آشنائی داشتند و می‌توانستند بر آنها غالب آیند که این امر کمک بزرگی برای کشتیرانی آنها بود .

یونانیها و هندیها به سهم خود در این تجارت شرکت داشتند . آنها با اعراب بر سر پیدا کردن بندرگاه و جزایر و پایگاههای ساحلی با آبهای مناسب رقابت می‌کردند جایی که می‌توانستند در بازگشت خود به شمال با آفریقائیهای بومی ضمن تعمیر لوازم آنها معامله انجام دهند . بتدریج تجار سواحل غرب هند برتری استفاده از جریان بادهای موسمی به سمت عربستان و سپس به سمت شرق آفریقا را در دست گرفتند . بتدریج تجارت از طریق دریا و انتقال عقاید ثبات بیشتری را در رابطه با بندرگاهها و تجارت ایجاد نمود . جاهائی که اکثر آنها امروزه از نقطه نظر باستان - شناسی در طول سواحل دریای سرخ و اطراف شاخ آفریقا و سواحل شرق آفریقا و همچنین تا حدی جنوب و مرکز و حتی نواحی جنوب موزامبیک مورد استفاده می‌باشد .

در قرن هفتم پناهندگان سیاسی و تبعیدیان مکه توسط حکمران اتیوپی با خوشروئی پذیرفته شدند . این گروه بعد از سالها به عربستان بازگشتند . تعداد دیگری از مسلمانان در سواحل سودان و اریتره و نیز سواحل سومالی اسکان گزیدند . در این زمان برده‌گیری مسئله‌ای مهم بود و این زمانی بود که خرید و فروش برده در عربستان برای قرن‌ها ادامه داشت . برده‌ها از عربستان به سوریه یا مناطق بالای خلیج فارس برده شده (سال ۸۵۰) و در معادن استخراج نمک و مزارع نیسبکر در سطح وسیعی به کار اجباری گمارده می‌شدند . در حدود سال ۸۶۰ بردگان بر علیه اربابان خود دست به شورش زده و در روابط بین عربستان و شرق آفریقا یک نقطه تحول تاریخی ایجاد شد . تاریخ نویسان و شاعران عرب کلمه زنگی یا زنیگی (وابسته به زنگبار) را معمولاً به این بردگان اطلاق می‌کردند . به نظر می‌رسد که از نواحی سواحل کنیا یا تانگانیکا به دنیای اسلام آورده شده‌اند و احتمالاً "برده‌گیری ساحلی با پیشرفت ساکنین مسلمان مناطق جنوبی به هم ارتباط داشته یعنی : مجمع - الجزایر لامو ۲۵ ، جزایر پمبا ۲۶ ، زنگبار ۲۷ ، بنادر مومباسا ۲۸ ، کیلوا ۲۹ و جزایر کومور ۳۰ و مافیا که تمام آنها تا سال ۹۵۰ یقیناً"

تا این زمان یا کمی قبل از آن اسلام از سواحل دریای سرخ به سمت نواحی غرب و تابلندیهای اتیوپی انتقال یافته و تشکیل یکسری حکومتهای کوچک و شهرهای تجارتی را داده بود . سرانجام این حکومتها بر اثر توسعه طلبی حکومت اتیوپی که قدرت مطلقه بود در قرن سیزدهم به تاراج رفت و تا اواخر قرن چهاردهم مسلمانان به سرزمینهای پست قبلی خود عقب نشینی کردند . آخرین واقعه ضمنی که برای فعالیت مسلمانان در اتیوپی رخ داد در اواسط قرن شانزدهم بود یعنی موقعی که دوباره سعی کردند بلندیهای آن منطقه را تسخیر کنند ولی با شکست مواجه شدند .

بعد از سال ۱۰۰۰ میلادی سواحل اسلامی در کناره‌های کنیا ، تانگانیکا و موزامبیک شمالی از نظر اقتصادی و وسعت اهمیت زیادی کسب کردند و برای چهارصد سال از دولتی به دولت دیگر مشغول تجارت ساحلی بودند . از آنجائی که تجارت عاج به تنهایی ثبات چندانی نداشت لذا به معاملات دیگری مثل پوست ، چهارپایان ، پرندگان ، سنگهای معدنی و سنگهای بلوری نیز مشغول شدند . با شروع قرن سیزدهم کیلوا در سواحل جنوبی تانگانیکا که تجارت طلا در آن از طریق معادن بین زنگبار و لیمپوپو ۳۱ رونق داشت نیازمند کنترل و نگهداری بود که بوسیله مونوموپولایا ۳۲ کنترل می‌شد . طلا بوسیله کشتی از جانب شمال دریای سرخ به مصر و خلیج فارس و ایران روانه می‌شد . این قبیل صادرات ارتباط با سواحل شرق آفریقا (سواحیل) را ممکن ساخته و بتدریج وارد بازار مشترک اسلامی شدند . اگر چه طلای آفریقای شمالی هرگز نتوانست با طلائی که از غرب آفریقا می‌آمد چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی رقابت کند ولی سهم بسزائی را در اقتصاد مسلمانان شرق و نواحی اقیانوس هند ایفا می‌کرد .

تقاضاهای بعدی بر سایر محصولات شرق آفریقا مثل طلا از نواحی شمال دریای سرخ در طول خلیج فارس و از آنجا به طرف نواحی شرق مدیترانه افزایش می‌یافت . گسترش تجارت بر روی محصولات مثل منسوجات که اکثراً از سوی هند به جنوب عربستان یا به سواحل سومالی انجام می‌گرفت بعدها به نواحی جنوبی نیز کشیده شد . شرق آفریقا همچنین محصولات لوکس چینی را جذب خود نمود . این کالاها شامل ظروف چینی و ظروف سفالی و غیره بود . بتدریج سکه‌های چینی از نقطه نظر باستان‌شناسی نیز جایی پیدا کرد .

اگرچه اسلام در این دوره بین سالهای ۱۵۰۰ - ۱۰۰۰ نفوذ خیلی کمی در نواحی ماورای سواحل داشت ولی شاهد شروع تغییر فاحشی در فرهنگ آن سامان شد .

رشد یک نوع اختلاط بین اعراب و عناصر شرق آفریقا (بانتو) ۳۳ کاملاً مشهود بود که منجر به رشد زبان جدیدی به نام سواحیلی یا زبان فرانکا که به نوبه خود در تجارت نقش مهمی داشت گردید ،

ابتدا در نواحی لامو ساحل کنیا شروع و سپس به زنگبار، مومباسا، پمباو جاهای دیگر پخش شد. ریشه آن بدون شک به قبل از سال ۱۵۰۰ برمیگردد، و تا سال ۱۷۰۰ یا کمی بیش از آن به شکل نوشتار در اسناد عربی تغییر شکل داد. همراهی این زبان جدید در نظم و بعدها در نثر در واقع یک استقلال فرهنگی سواحلی متاثر از نفوذ فوق العاده اسلامی را بوجود آورد.

به زودی به نحو چشمگیری در سواحل و جزایر آن منطقه ریشه دوآید. این فرهنگ متاثر از اسلام در نواحی داخلی توسعه یافت که حالا دیگر می توانست در نواحی غرب زئیر نیز یافت شود. کمی قبل از سال ۱۵۰۰ دریانوردان پرتغالی در اطراف سواحل شرق آفریقا رفت و آمد می کردند و کشتیرانی دماغه نیک آفریقا را در دست داشتند. از آنجائی که از بهترین و محکم ترین استحکامات دریائی برخوردار بودند توانستند قسمت اعظمی از اقیانوس هند را به عنوان دریای پرتغالی تلقی کنند و نهایت سعی خود را کردند تا تجارت پر رونق مسلمانان را از طریق اقیانوس هند از بین ببرند. آنها جریان تجارت فلفل و ادویه را در اختیار خود گرفتند. یک سری تجاوزات را علیه مسلمانان شمال آفریقا اعمال کردند، ولی بنا به مقتضیات سیاسی ظاهراً "جنگ علیه مسلمانان مراکش را به بعد موکول کردند. بدین طریق پرتغالیها قادر شدند کنترل قسمتی از تجارت اقیانوس هند را حدوداً "به مدت دو قرن تحت اختیار و حمایت خود در آورند.

یکی از مهمترین پایگاههای آنها در موزامبیک بود. کمی قبل از سال ۱۷۰۰ بر اثر کهنه شدن کشتیهای آنها و طولانی بودن مسیر ارتباطات و دنبال کردن سیاستهای اشتباه در مورد آفریقایها، هندیها، اعراب و حتی سایر اروپائیان باعث شد که تعداد زیادی از لنگرگاهها خود از جمله مومباسا را از دست بدهند. پرتغالیها بعد از این شکستها به دژهای نظامی خود در موزامبیک و سواحل غرب هند عقب نشینی کردند. از این رو، شرق آفریقا، جنوب آفریقا، خلیج فارس و دریای سرخ باریکه راهی شد برای فعالیت اروپائیان و جنگ پیرامون دریاها و بدنبال آن پیروزیهای مکرر اعراب سبب شده قدرت آنها مجدداً "احیاء شود.

در سال ۱۸۴۰ حکمران عمان پایتخت خود را به زنگبار انتقال داد، جائی که کمی بعد به یک منطقه عظیم اقتصادی مبدل شد. آنجا و بمبئی و چندجای دیگر بوسیله سرمایه داران بزرگ هند سرمایه گذاری شد. کاروانهای اعراب برای بدست آوردن عاج و برده به این سرزمینها هجوم آورده و آنها را در خاورمیانه، زنگبار و سایر مناطق شرق آفریقا به فروش می رساندند. این تجارت برده و عاج با ورود استعمار اروپا به سال ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ در تانگانیکا و لنگو به پایان خود رسید. این مسئله برای جوامع آفریقائی شکستی محسوب می شد. برای اسلام این مسئله یک نتیجه پیش بینی نشده داشت: تغییر ارزشهای فردی و اجتماعی در چنین

جوامع شکست خورده به افراد اجازه می دهد که دین را در آغوش بگیرند. خیلی از افراد دیگر از سوماتی، زنگبار و جزایر کومور^{۳۴} تغییر کیش و آئین داده به دین جدید روی آوردند. صوفیها و معلمین صوفیگری چهره های مذهبی جدیدی بودند از شرق آفریقا که معمولاً "کار خود را با بیان دستورات دینی از طریق تانگانیکا قسمتهائی از اوگاندا، کنیا، مالاوی، موزامبیک و کنگوی شرقی گسترش می دادند. قانون استعماری انگلیس و آلمان در شرق آفریقا به گسترش اسلام تأثیر کمی گذاشت.

حکمرانان استعمار عموماً "به آنها این اجازه را می دادند که کار تبلیغ خود را تقویت کنند اگر چه این موضوع تماماً" در مورد بلژیکیهائی که در لنگو بودند صدق نمی کرد. در حال حاضر در حکومتهای مستقل شرق آفریقا اسلام به چگونگی ایجاد وحدت فرهنگی و مذهبی شکل می دهد و به توسعه خود ادامه داده و پیروانی را جذب خود می کند، از جمله می توان مالاوی، زئیر و قسمتهائی از موزامبیک را نام برد.

جنوب آفریقا

جای آنها دارد که ذکری از اسلام در جنوب آفریقا به میان آورده شود. در اواخر قرن هفدهم مستعمره آلمان یعنی دماغه اینک آفریقا محلی بود برای رهبران ملی و مذهبی و همینطور شورشیان جاوه، سوماترا و اندونزی که اکثر آنها مسلمان بودند و به زور بدانجا تبعید می شدند. یکی از این تبعیدیان سیاسی فردی بوده نام شیخ یوسف مکز^{۳۵} که به سال ۱۶۹۹ در دماغه اینک درگذشت آرامگاه او در ساندوله^{۳۶} نزدیک کیپ تاون به سرعت به صورت معبد و محل مقدسی برای مسلمانان بومی بویژه مسلمانان اندونزیائی درآمد.

مسلمانان در اواخر قرن نوزدهم به جنوب آفریقا می آمدند و با مهاجرت به جاهای دیگر دین خود را گسترش می دادند.

اسلام و جوامع آفریقائی - گسترش و تأثیر متقابل

چه عواملی مشوق گسترش اسلام در آفریقا شد؟ در مناطق شمال آفریقا، مصر، لیبی، الجزایر، تونس و مراکش گسترش اسلام از طریق پیروزیهای نظامی تحقق یافت. تعدادی از جمعیت بربرها در مغرب اسلام را پذیرفتند ولی اکثر آنها به مخالفت خود با حکومت مرکزی امویان دمشق یا عباسیان بغداد دامن زدند. در قرن نوزدهم، اسلام از طریق پیروزی و غلبه بر غرب آفریقا در آنجا ریشه گرفت.

به طور کلی در هر صورت اسلام با تمایل شخصی بدون هیچگونه زور و اجبار پذیرفته می شد.

مثال ، در قرن نوزدهم حکمرانان دولتهای آفریقائی بوگاندا^{۳۷} و آشنائی^{۳۸} جهت استخدام افراد عالیرتبه ، مسلمانان را انتخاب می کردند .



یادداشتها ++++++

- | | |
|----------------|-----------------------------|
| 1-Kairouan | 20-Fouta toro |
| 2-Murzuk | 21-Fulani |
| 3-Fezzan | 22-Hausas |
| 4-Tahert | 23-Alwa |
| 5-Sijilmasa | 24-Mirghaniya |
| 6-Nubia | 25-Lamu Archiplago |
| 7-Almohads | 26-Pembu |
| 8-Hafisids | 27-Zanzibar |
| 9-Songhai | 28-Mombasa |
| 10-Trimbuktu | 29-Kilwa |
| 11-Malinke | 30-Comora |
| 12-Manding | 31-Limpopo |
| 13-Mande | 32-Monomoplapa |
| 14-Dyula | 33-Bantu |
| 15-Wangara | 34-Comoro |
| 16-Kanem-Bornu | 35-Shaykh Yusuf of Macassar |
| 17-Kebbi | 36-Sandvliet |
| 18-Kano | 37-Buganda |
| 19-Katsina | 38-Ashanti |



پذیرش آسان ، سهل بودن اصول و آئین ، تأکید فراوان بر مساوات و در هرگونه نژاد پرستی از مشخصات مجذوب کننده اسلام هستند . در دوران استعمار اسلام پیروان فراوانی را جذب کرد ، زیرا از طریق آفریقائینی که تازه بدین اسلام روی آورده بودند معرفی و گسترش داده می شد ، نه بوسیله سفیدها و سایر بیگانگان یعنی بدانصورت که در مسیحیت وجود داشت .

اسلام از طریق گروههای مردمی آفریقا بدانجا رسید . حتی بوسیله چادرنشینانی که هیچگونه سابقه ارتباط و تماس با مسلمانان نداشتند . جنبش مردم شرق آفریقا در مناطق استغماری که با تجار مسلمان تماس داشتند خود الگو و مثالی دیگر می باشد . در مغرب اعراب بر چادرنشینان ، بربرهای تازه مهاجر ، کشاورزان و نیمه - چادرنشینان تأثیر گذاشته و آنها به دین اسلام می گرویدند .

عامل دیگر چنین دگرگونی مطلوب ، تجارت می باشد . حضرت محمد (ص) می فرماید : « کاسب محبوب خداست . » فرهنگ و اصول اسلامی با تجارت سازگار می باشد .

به نظر می رسد تجارت در مسیرهای طولانی آفریقا ، تجارت از طریق دریا و گذشتن از صحرا باید آفریقائیان زیادی را ، چه به طور دائم ، چه موقت ، با اسلام مرتبط ساخته باشد . همچنین گفته می شود اسلام هیچگونه مبلغین مذهبی نداشته ، زیرا هر مسلمانی می تواند و باید خود یک مبلغ مذهبی باشد . از این رو هر کسبه یا تاجر می توانست شخصا " به دین اسلام وارد شود چنانکه خیلی از آنها این کار را کردند . در میان آنها افرادی مثل معلمین صوفی بودند که در دعوت به دین جدید مهارت و تخصص داشتند و آفریقائیان را با هدایای غیر مادی خود وادار می ساختند ارزشها ، رفتار و داده های آنها را بپذیرند . این روش بویژه در قرن نوزدهم در شرق و غرب آفریقا موثر افتاد .

بعضی از محققین ، اسلام آفریقا را به عنوان یک دین پادشاهی تعبیر کرده اند ، بدین معنی که دین نخست بوسیله حکمران یا دربار او یا فرد برگزیده ای پذیرفته می شد و سپس به درون اجتماع بسط پیدا می کرد . البته در مواقعی چنین بود ولی بدون شک در دیگر موارد نخست طبقات پایین را متأثر می ساخت و سپس عقاید مسلمانان به طبقات بالاتر و ممتاز انتقال می یافت .

مسلمانان با مهارتهای خاص خود مثل باسوادی مزیت بزرگی داشتند خیلی از معلمین مسلمان از فرصتهای حاصله و در موقعیتهایی که رهبران آفریقائی با گروههایی از خارجیان سروکار پیدا می کردند ، رهبران آفریقائی و همراهان خود را تحت تأثیر قرار می دادند . بتدریج حکمرانان غیر مسلمان محافظین مخصوص و سپاهیان و کسانی را که برای وظایف مخصوص و به عنوان فرستادگان ویژه استخدام می شدند . از بین مسلمانان انتخاب می کردند . مسلمانان باسواد می توانستند از عهده امور ادارات و سازمانها بهتر از کسانی که از چنان آموزشی بی بهره بوده برآیند . برای

مهاجرت از روستاها به شهرها در ایران

(قسمت اول)

نوشته: دکتر رضا آیرملو

(علل و انواع آن)

مقدمه

تغییرات پر شتاب اجتماعی، ضرورت شناخت این تغییرات را موجب می‌شود، وگرنه بدون این شناخت هم به رشد خود ادامه خواهند داد. مهاجرت از روستاها به شهرها نیز از این مقوله است. تاکنون چشمهای بسیاری در برابر این واقعه مهم بسته مانده‌اند، اما امواج بلند جمعیت مهاجر روستائی، که بر دروازه‌های حوزه شهری. تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور می‌کوبند، عظیم‌تر از هر گونه انگار و بی‌توجهی هستند. بطوریکه می‌توان پیش‌بینی کرد در آینده‌ای نه چندان دور، مهاجرت، موجودیت خود را بقبولاند و در تعیین خطوط اساسی سیاست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور جای مناسب خود را بگشاید و راه برای عرضه اندیشه در این موضوع هموار گردد.

اگر بپذیریم که برخی از پدیده‌های اجتماعی به جهت بدیهی شمرده شدنشان ناشناخته باقی می‌مانند، مهاجرت نیز از این واقعیت‌هاست. از آن نظر که نتایج حاصل از این شدن اجتماعی ظاهراً " برای هر چشم بینا قابل رویت است، زبانهای فراوانی را برای بحث در حواشی این موضوع مشغول کرده است، ولی چون اکثر این موضوعات، حاشیه‌ای و بر پایه شایعات، اطلاعات بی‌اساس و همانند آنها، ساخته و یا نقل قول می‌شوند و بخشهای واقعی آن نیز با ساده‌انگاری و کوچک و بزرگ‌نمایی، دهان به دهان و قلم به قلم می‌گردند، در مجموع به اطلاعات ظاهراً " بدیهی ولی واقعا " ناصحیح و مخدوش تبدیل می‌شوند که نه تنها فی‌نفسه غیر واقعی‌اند، بلکه وقتی هم به اقداماتی منتج می‌شوند، جز

صرف وقت و انرژی و هزینه و نتایج بی‌اثر و یا برخلاف انتظار، نتیجه دیگری ندارد.

سه قسمت مقاله حاضر فقط بخش معینی از مجموعه نظریات راجع به " مهاجرت از روستاها به شهرها را در ایران " عرضه می‌کند و با رعایت ظرفیت نشریه، تا حد ممکن به اختصار تهیه گردیده است و به همین سبب برخی از مسائل و موارد ضروری حذف شده و یا فرصتی جز اشاره کوتاه نیافته‌اند، امیدوار است تا در حد خود بتواند در برابر پیش‌داوری‌های ناسالم و ساده‌نگری‌های بد فرجام این موضوع، اندیشه‌ساز باشد و برای درک صحیح علل و انواع مهاجرتها و ارزش تأثیر و مکانیسم‌های عملی آنها در ساختهای متفاوت اقتصادی - اجتماعی مناطق مختلف کشور، موثر واقع شود و در عین حال توجه خوانندگان را به پیچیدگی این موضوع جلب نماید تا صرفاً " با اتکا " به اطلاعات محدودی که از این طریق عرضه می‌شود و اطلاعات مخدوشی که در جریان است از پذیرفتن مسئولیت‌های برنامه ریزی و سفارشات کارشناسی خودداری نمایند.

امید دیگر آنکه با ارتباطی که از طریق این نشریه با معلمان و محققین این رشته برقرار می‌شود، مسائل اشاره شده مورد بحث قرار گیرند و با انتشار بخشهای دیگر آن، مجموعه این نظریات در امور تحقیقاتی و کاربردی این رشته سودمند افتد و به نفع انسان محروم مهاجر روستائی کشورمان مورد بهره‌گیری قرار گیرد.

پیش از آنکه به این سؤال پاسخ دهیم، بهتر است یادآوری کنیم: در صورتی که چنین باوری داشته باشیم ضرورتاً باید مجموعه اطلاعات ما، اولاً، به عنوان یک سیستم فکری و یا «نظریه تفاوتها»، اوضاع کنونی و تحولات مهاجرتی را تبیین و تحلیل نماید و به سئوالات موجود پاسخ دهد، ثانیاً، روشهایی برای تحقیق در این زمینه داشته باشد، و ثالثاً امکانات کنترل مهاجرت را برشمارد، طرح تجربی پیشنهاد نماید و روند آن را شرح دهد. و بخصوص به طور عینی به وسیله نتایج تجربی، خود را توجیه و اثبات نماید.

متأسفانه، نه تنها در این امور موفقیتی حاصل نشده و داده‌های تجربی برعلیه این نظریه‌اند، بلکه هنوز خود این نظریه به طور صریح تعریف نشده است، زیرا بدیهی شمردن اینکه تفاوت‌های موجود بین شهر و روستا در منشاء یا ابعاد و جهت مهاجرت‌ها اثر دارند و حتی در مواردی اثر مهم دارند و این اثر مشروط به امور و شرایطی است، یک چیز است ولی ابراز این باور که مهاجرت فقط و فقط محصول تفاوت‌هاست، چیز دیگری است.

اگر نظر اول را از این باور جدا ساخته و عمده نمائیم، در آن صورت، سئوالات بعدی به این ترتیب خواهند بود:

- ۱- تفاوتها با چه ترکیب و شکل در مهاجرت اثر می‌گذارند؟
- ۲- کدام یک از عناصر آن اصلی و کدام فرعی‌اند و یا در شرایط گوناگون، جایگاه ارزشی تفاوتها چگونه تغییر می‌یابد؟
- ۳- کدام یک از تفاوتها به طور مستقل و فارغ از پیش شرط‌های اقتصادی و اجتماعی اثر بخش است و کدام فقط در شرایط معین می‌تواند مؤثر واقع شود؟
- ۴- در شرایط گوناگون اجتماعی، این عوامل در چه مرحله‌ای از مهاجرت - منشاء، مبداء، جهت، مقصد و کارکرد - تعیین کننده‌اند؟
- ۵- این شرایط گوناگون اجتماعی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند؟

۶- مکانیسم تأثیر چگونه است؟
به نظر ما بررسی علل مهاجرت تا بدین‌جا نیانجامیده، نمی‌تواند علمی و قانون‌مند و در نتیجه قابل تطبیق با نمودهای تجربی باشد.

اما اگر شق دوم مورد نظر باشد، یعنی اگر بپذیریم که مهاجرت صرفاً محصول تفاوت بین شهر و روستاست، در آن صورت نیز پاسخ به دسته‌ای دیگر از پرسشها ضروری می‌نماید:

- ۱- اگر مهاجرت محصول تفاوت بین شهر و روستاست، چرا این دو از نظر زمانی به طور موازی رشد نکرده‌اند؟
می‌دانیم که نابرابری و تفاوت بین شهر و روستا، امری قدیمی است و از موقعی که شهر و روستا پدید آمده و به هم متکی شده‌اند و رابطه بده و بستان بین آنها برقرار شده، در رابطه با جذب

مهاجرت از روستا به شهر، همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، معلول عللی چند است. این علل و چگونگی تأثیر آنها به طور نامنظم، گاه به صورت اظهارنظر و زمانی در حاشیه موضوعات مناسب و نامناسب به صورت گفتار و نوشتار نام برده شده‌اند. در واقع موضوع مهاجرت در ایران، عموماً "و مهاجرت از روستا به شهر، خصوصاً"، تا کنون به طور یکپارچه و منسجم بررسی نشده و البته که چنین امری بدون علت نبوده است.

جمعیت‌شناسان، صاحب‌نظران آمار و جغرافیای انسانی، کارشناسان امور شهری و روستائی، سیاستمداران و برنامه‌ریزان و به طور کلی هر آنکه با مسائل اجتماعی سروکار دارد، هر کدام از دیدی معین، نسبت به موضوع مهاجرت توجه کرده‌اند، بدون آنکه به توضیح چگونگی این واقعه بپردازند و یا خود را موظف به چنین کاری بدانند. در واقع، حداکثر فایده این اظهارنظرها، آن بوده که بر واقعیت پیچیده و بغرنج مهاجرت تأکید کرده و آن را به محصول تصادفی امور، بلکه تابع علل و انگیزه‌هایی معین معرفی نموده‌اند.

مراجعه به کتب و نشریاتی که از مهاجرت حرفی به میان آورده‌اند، شنیدن نظریاتی که در جامعه رواج دارد و نگاهی ولو گذرا به نظریات مندرج در مطبوعات، نشریات و جزوات دانشگاهی ایران نشان می‌دهند که این نظریات با آنکه به اموری متفاوت نظر دارند و هر کدام نسبت به زمینه‌های فکری و تجربی و ایجاب‌های شغلی و حرفه‌ای خود، عناصری از تفاوت بین شهر و روستا را عمده می‌سازند و اندیشه و نظر آنان از عدم درک قوانین اجتماعی تا آگاهی نسبی از دوره و یا دوره‌هایی از پدیده مهاجرت، طیفی گسترده را تشکیل می‌دهد، تماماً "حول یک نظریه مرکزی (تفاوتها) جمع شده‌اند و مهاجرت از روستا به شهرها را، در هر زمان و مکان، محصول مستقیم تفاوتها می‌دانند. هیچ یک، از عملکرد عناصر متفاوت در شهر و روستا و منشاء این تفاوتها سخنی به میان نمی‌آورند و در عین حال به ارزش تأثیر هر کدام از تفاوتها و اصلی و فرعی نمودن آنها و استخراج نتایج و طبقه‌بندی و تحلیل آنها واقف نیستند و به شرایط متغیر و متفاوت اجتماعی بی‌توجهی نشان می‌دهند و در واقع، تابع منظومه‌ای از باورها و عملکردها و روشهای پژوهشی مشابهی هستند که مجموعه این دیدگاهها را به جهت عمده و مطلق کردن تفاوتها در مهاجرت "نظریه تفاوتها" خواهیم خواند.

راستی این باور، که مهاجرت محصول تفاوت بین شهر و روستاست، تا چه اندازه واقعی است و اصولاً چگونه ساخته و پرداخته شده است و چرا و چگونه ذهن و اندیشه بسیاری از دانشمندان، دست‌اندرکاران، معلمان و حتی مردم کوچه و بازار را بر کرده است و به نظریه‌ای فراگیر و عام بدل شده است؟

مازاد محصول روستائی، شهرها، قدرت، ثروت، رفاه، تقسیم کار و مشاغل تولید مادی و هنوی و به طور کلی امکانات مطلوبتری نسبت به روستاها کسب کرده‌اند، ولی مهاجرت - به مفهومی که امروز از آن شناخت داریم - پدیده‌ای جدید است.

۲ - چرا این پدیده در بخشی از زمان گذشته ناچیز بوده است؟
۳ - چرا در طول زمان به تعداد مهاجرین افزوده شده، بدون آنکه دلایل قطعی برای افزایش تفاوتها داشته باشیم؟

۴ - چرا در مرحله‌ای از زمان، این پدیده ابعاد وسیع یافته و با جهش‌های کمی و کیفی روبرو شده است؟ ملاحظه می‌شود که حتی اگر ثابت شود تفاوت‌های بین شهر و روستا افزایش یافته و این افزایش، تغییر روند مهاجرت را سبب شده است، در آن صورت نیز سؤال زیر مطرح است:

۱-۴ چرا با وجود وابستگی بلاشروط بین تفاوتها و مهاجرت، و با وجود چنین تفاوت‌های عظیم، هنوز بخش مهمی از جمعیت، کماکان ساکن روستاها باقی مانده‌اند و این علل «لازم و کافی» بر آنان بلااثر بوده است؟

۵ - از آن نظر که خدمات و امکانات کشور در سطح ملی یا منطقه‌ای و حداقل ناحیه‌ای به طور مشابه توزیع می‌شوند، چرا نسبت مهاجرین به جمعیت و یا منطقه، در نقاط مختلف کشور و حتی بخشهای مختلف یک استان و شهرستان متفاوتند؟

می‌بینیم که ادامه طرح این موضوع، نهایتاً «به زنجیره‌ای طولانی از سئوال‌ات منجر می‌شود که هیچ کدام وسیله» «نظریه» - تفاوتها «پاسخی صریح، روشن و منطقی نمی‌یابند، جز آنکه آن را به حوادث پراکنده، تفاوت‌های بی‌شمار و بی‌ربط و قضا و قدرهای اجتماعی نسبت دهند و در مواردی مهاجرت را پدیده‌ای غیرقابل درمان فرض نمایند و یا ناباورانه، به اعمالی بی‌نتیجه برای تسکین و یا ترغیب آن دست بزنند.

به نظر ما، مهاجرت با تفاوت بین شهر و روستا به طور مشروط در ارتباط است، تا به اندازه‌ای که نه می‌توان این تأثیرات را انکار کرد و نه می‌توان در بررسی این پدیده به آنها بهانه داد. اما اگر مهاجرت را فقط و فقط محصول تفاوت شهر و روستا بدانیم و یا فکر کنیم که هر تفاوتی در هر شرایط باعث نقل مکان انسان روستائی می‌شود، در آن صورت انسان را به موجودی صرفاً «غریزی» تنزل داده‌ایم. در حالیکه می‌دانیم، انسان در روبرو شدن با مشکلات اقتصادی و اجتماعی، با فقر و نداری، گرسنگی و مرض، حوادث طبیعی و رویدادهای نامطلوب و عدم ایمنی‌ها، واکنش‌های خاص خود را دارد. واکنش او انسانی، و از آن سبب اجتماعی و گروهی است. هر مشکلی او را از زادگاهش نمی‌رانند و هر موقعیت مناسب او را جذب نمی‌کند و در بافت فرهنگی محل سکونت خود دارای ارتباطاتی پایدار است و با عواطف خانوادگی و خویشاوندی، اعتقادات دینی، سنت‌های خاص، ارزشهای اجتماعی، عرف و

عادت و مقدورات اقتصادی به روستا دوخته شده و کنده شدن از این بافت پیچیده، عوامل و سبب‌های خاص خود را دارد و هر چه این بافت تغییر می‌یابد میزان و نحوه تأثیر این عوامل نیز تغییر می‌کند. از این نظر، ضمن آنکه بر تأثیر تفاوتها تأکید داریم، اضافه می‌کنیم که اثر تفاوتها در مهاجرت، مکانیکی، یعنی بدون نیاز به زمینه‌های مساعد و شرایط لازم، فراگیر، یعنی مؤثر در هر شرایط اجتماعی، هم اندازه، یعنی دارای عملکرد یکسان در انواع مهاجرتها، و یک جهتی، یعنی همیشه تسکین دهنده و یا ترغیب کننده جریان مهاجرت نیست، از این نظر تهیه فهرستهای مختلف از تفاوت بین شهر و روستا و ارائه آنها به مجریان برنامه‌ها، به عنوان نسخه‌های شفابخش، فاقد هر گونه ارزش علمی و عملکرد اجرایی است.

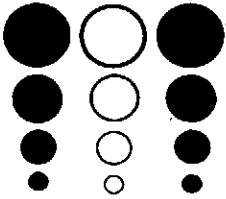
نباید فراموش کرد که در ایران و اکثر کشورهای جهان سوم، اینگونه نسخه نویسی‌ها، بارها و بارها تکرار شده ولی متأسفانه اجرای آنها نه تنها مهاجرت را متوقف نکرده بلکه در مناطق مختلف و شرایط متفاوت، تأثیرات گوناگون برجا گذاشته است: در جایی به تسریع جریان‌ات مهاجرت یاری کرده، در مناطقی به صورت عوامل بی‌اثر و خنثی عمل نموده و در جای دیگر، در تغییر مقاصد و یا تسکین موقت آن کارساز شده است.

به نظر ما همین نتایج پراکنده، خود تابع یک نوع نظم پیچیده است که بی‌بردن بدان، بازگشت به منشاء مهاجرت و شناخت مراحل و تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از روشهای مناسب را ضروری می‌سازد.

برای نمونه، یکی از عناصر اعتقادی «صاحب‌نظران تفاوتها» این است که تزریق سرمایه به روستا (سرمایه نقدی، کالاهای - مصرفی، نهاده‌های کشاورزی، عمران و آبادانی، ارائه خدمات، تغییر شیوه‌ها و حتی اجرای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و غیره)، باعث تقلیل تفاوت بین شهر و روستا، افزایش درآمد و رفاه روستائیان و در نتیجه کاهش مهاجرت خواهد شد. اما این دارو به هر کجا تزریق شده به نتایجی پراکنده انجامیده، نه آن شده که نسخه‌نویسان تجویز کرده‌اند و نه بدانجا نایل آمده که برای دارندگان این نظر دارای مفهوم باشد. چرا؟ بدین جهت که تزریق سرمایه در شرایط مختلف اجتماعی، نتایج متفاوت به بار می‌آورد. واقعیتی که در نظریه تفاوتها جایی برای آن منظور نشده است.

اما تنها تفاوتها را به عنوان بخشی از عوامل مؤثر ولی مشروط فرض کردن و بر خصوصیات و عملکرد آنها تأکید نمودن کفایت نمی‌کند، چرا که خود تفاوتها معلول علل مهمتری هستند و اگر از این موضوع با بی‌توجهی بگذریم، به همان چاله‌ای در خواهیم غلطید که طرفداران «نظریه تفاوتها» به آن سرنگون شده‌اند، و همانند آنان، نهایتاً «از تأثیر معلولها (تفاوتها) بحث خواهیم

منطقه‌ای و ناحیه‌ای ، نمود ظاهری این همانندی‌های جمعیتی هستند . به همین مناسبت ، شناخت جوامع ، مرحله رشد ، مناسبات اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن و از آن طریق رابطه بین شهر و روستا و کیفیت‌های مبادله بین آن دو ، ضرورت اول شناخت مهاجرت در یک جامعه است .



ادامه مقاله: بررسی سیکل‌های جمعیتی در جهان:

نژاد بشری تا کنون مشکلات خودش را حل کرده است و آن منطقی خواهد بود که ما فرض کنیم بشر تا کنون با آن همه اشتباهات و خطاهایی که در زندگی خود مرتکب شده است یاد خواهد گرفت که چگونه جمعیت خودش را در یک سطح متعادل و بهینه‌ای نگهدارد و به استانداردهای مطلوب زندگی دست یابد . ما این بهینه‌جویی و مطلوب ساختن سطح زندگی بشر را فقط بر حسب تکنولوژی و توقعات فعلی او می‌توانیم درک کنیم . در قرن بیست و دوم توقعات مردم و سطح تکنولوژی چگونه خواهد بود و چه چیزی بوجود خواهد آمد موضوع دیگری است ، موضوعی است که پیش بینی آن بالاتر از چیزی است که یک نفر بتواند فکرش را بکند . زمانی تعادل بین تعداد جمعیت و منابع به نحو رضایت بخشی برقرار شده بود و امروزه اگر رشد جمعیت دوباره از سر گرفته شود پیشرفت‌های سریع علمی این امکان را برآورده می‌کند ولی امروزه این امر غیر محتمل به نظر می‌رسد که یک جامعه بالفی کمیت را بالاتر از کیفیت بداند ، بدین معنی که اجازه بدهد جمعیت آن افزایش پیدا کند و مشکلاتی را برای جوامع آنها بوجود آورد و مسلماً " چنین جامعه‌ای کیفیت را در تمام جوانب امر رعایت خواهد کرد .

حدس ما در مورد جمعیت آینده دنیا این است که در قرن بیست و یکم جمعیت دنیا هرگز بیش از ۸ یا ۹ میلیارد نفر نخواهد بود ، هر چند که بعضی حدسیات و نظریات وجود دارند که جمعیت دنیا را در این قرن ۲۰ میلیارد نفر تخمین می‌زنند .

+++++ منبع

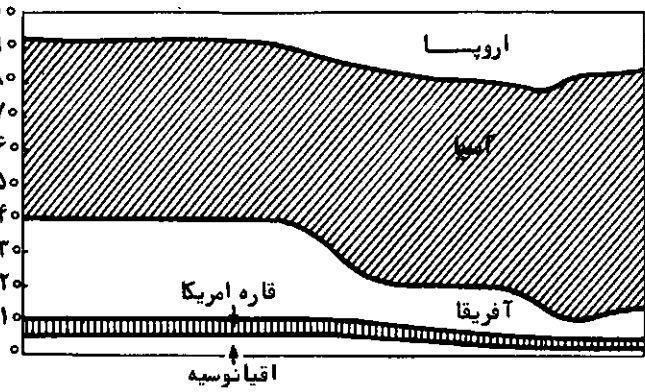
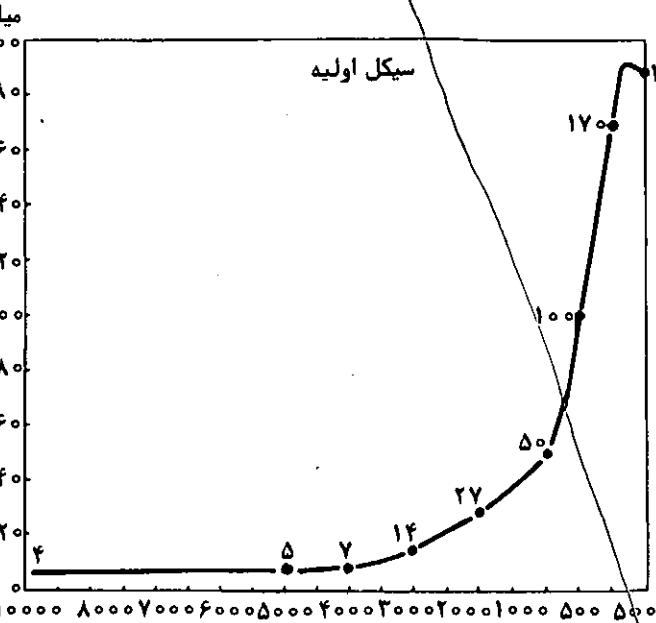
* "Atlas of world population history " colin McEvedy and Richard Jones " " Penguin Boo - Ks' 1978" PP. 343-351.

کرد . در واقع ، تفاوت‌های موجود بین شهر و روستا ، از سوئی معلول شیوه‌های متفاوت تولیدی ، یکی در پهنه کشاورزی روستایی و دیگری در تراکم خدمات و صنعت شهری است . یعنی زندگی غالب کشاورزی و اشتغال به تولید کشاورزی روال معینی از داشت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را طلب می‌کند که با ارزشها و ویژگیهای شهری و فعالیتهای فکری ، خدماتی و صنعتی مخصوص آن متفاوت است . این تفاوتها ، تفاوت دو شیوه زندگی نام دارد و حتی در کشورهای صنعتی نیز به شکلهائی باقی است .

از سوی دیگر ، تفاوت بین شهر و روستا ، مبین دو سطح متمایز بهره‌برداری در یک سیستم و اقتصاد واحد است . به دیگر سخن ، تفاوت بین شهر و روستا بیان کننده چگونگی مناسبات بین آنها و آن نیز نمود مناسبات اقتصادی و اجتماعی ، سیستم تقسیم کار و مرحله رشد هر جامعه است . در مفهوم عام ، روستا تولید کننده و شهر مصرف کننده آن تولیدات است و تحت تأثیر این رابطه نابرابر است که انتقال و انباشت تولیدات روستایی و منجمله نیروی کار آن در شهر ، به صورت مهاجرت از اولی به دومی ، ظاهر می‌شود . به گفته دیگر ، می‌توان گفت که روستاها بر اثر تصادف و یا ساده اندیشی و یا نقص برنامه ریزی ، در برابر شهرها محکوم به تحمل محرومیت‌هایی نشده‌اند ، بلکه در طول تاریخ ، بازتاب رابطه بهره‌کشی موجود در کل سیستم اجتماعی ، روابط روستا و شهر را از طریق انتقال محصول یکی به دیگری تنظیم کرده و ارائه این روابط ، باعث چنین نتایجی شده است و به همین سبب ، ضرورت دارد تا موضوع مهاجرت و جابجایی جمعیت ، همراه با زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و تغییرات آنها - که در روند مناسبات شهر و روستا بازتاب دارند - به طور هماهنگ مورد مطالعه قرار گیرند و یا به زبان جامعه شناسان ، " تاریخ و سیاست ، تئوریها و ایدئولوژیها ، ساختهای اقتصادی ، کشاورزی و صنعت ، تحولات جمعیت و ... را نباید جداگانه بلکه با در نظر گرفتن ارتباط متقابل که با هم دارند ، مورد مطالعه قرار داد " . به بیان دیگر ، " همچون اغلب پدیده‌های اجتماعی مهم در زندگی ملتها ، مهاجرت‌های داخلی ، همیشه ناشی از شرایط تاریخی و یا نتیجه تحولاتی است که خود جزء لاینفک آن می‌باشند " در واقع ، تاریخ مهاجرت در جهان و ایران این سیر تحولات را نشان می‌دهد ، چرا که آغاز انقلاب صنعتی (کشاورزی و صنعتی) انگلستان ، کشور پیشتاز انقلاب صنعتی ، با مهاجرت شدید و وسیع روستائیان به شهرها همراه بود و از آن پس این کیفیت در کشورهای صنعتی شده سرمایه داری با مشابهت - هائی و در کشورهای سوسیالیستی با اقتصاد برنامه ریزی شده با کیفیت‌های دیگر تکرار شده و در کشورهای در حال رشد ، با کمیت‌های افزوده و نتایج متفاوت ، به پدیده‌ای عام تبدیل گردیده و در حال حاضر ، روندهای یکسانی در این کشورها - جهان سوم - در جریان است که تخلیه سریع جمعیت روستاها و متقابلاً " تمرکزهای

بررسی سیکل‌های جمعیتی در جهان*

ترجمه: امامعلی حاضری



شکل ۳/۶ کل جمعیت جهان در ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد و ۵۰۰ سال بعد از میلاد

۱۵۰ میلیون نفر تا دومین قرن قبل از میلاد و نزدیک به ۲۰۰ میلیون نفر تا پنجمین قرن بعد از میلاد ادامه داشت اما نرخ رشد جمعیت از این به بعد به کندی گرائید. افزایش جمعیتی در دوره پانصد قبل از میلاد تا زمان یک بعد از میلاد ۷۰٪ بود و این افزایش تا سال پانصد بعد از میلاد به ۱۲٪ رسید و سپس این رشد کاملاً متوقف شد.

سیکلی که شش هزار سال قبل شروع شده بود ما آن را « سیکل اولیه » می‌نامیم که سیکل کاملی بوده اگر چه جمعیت انسانی تا سیکل اولیه خارج از شناسایی ما تغییر یافته است اما این موضوع را باید مورد تأکید قرار داد که آن یک پدیده طبیعی با محدودیتهای سخت جغرافیایی بود. در این سیکل شکل منحنی جمعیتی با پیشرفتهای حاصله (افزایش جمعیت) در اروپا، آفریقای شمالی و قاره آسیا کاملاً تعیین شده بود. آفریقای جنوب صحرا هنگامی در این سیکل وارد شد که این رخداد جهانی در حال تکمیل شدن بود

نگاهی به وضعیت جمعیتی جهان در ۱۰،۰۰۰ سال قبل از میلاد نشان می‌دهد که کل جمعیت جهان در آن زمان در حدود ۴ میلیون نفر بوده است. از یک طرف به دلیل آب و هوای مناسب و از سوی دیگر به دلیل آباد سازی اقیانوسیه و قاره آمریکا، روند جمعیتی به طور آرام رو به افزایش بوده است. اما آب و هوا از نظر ادامه بهبود وضع جمعیتی عامل قطعی به نظر نمی‌رسد و هیچ قاره قابل سکنی دیگری کشف نشده است. اگر جمعیت از این زمان به بعد افزایش پیدا کرده است، بایستی برخی عوامل جدید نیز در این افزایش دخالت داشته باشند.

در حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد میزان رشد جمعیتی شتاب گرفت و رشد جمعیت ادامه یافت و عامل جدیدی که از عهده این افزایش برآمد، توسعه کشاورزی بود. منصفانه است که گفته شود، تغییر و تحول کمی این جوامع در این زمان بیشتر از تغییر و تحول کیفی آن بود که بلافاصله و فوراً به وسیله « انقلاب نوسنگی » تغییر داده شد. اگر چه جزئیات الگوی رشد در طول چندین هزار سال قبل از میلاد قابل تأمل هستند ولی سیمای کلی از این جزئیات وجود ندارد.

تا سال ۵۰۰۰ قبل از میلاد مناطق زیرکشت غلات به قدری کم بود که اثر زیادی روی جمعیت جهانی نداشت، یعنی افزایش جمعیت جهان به کندی صورت می‌گرفت (شکل ۳-۶). سپس رشد صعودی جمعیت به وقوع پیوست. در جریان هزاره پنجم قبل از میلاد، افزایش جمعیت ۵۰٪ بود و در هر سه هزاره بعدی افزایش ۱۰۰٪ به سختی صورت گرفت. بالاخره در سال هزار قبل از میلاد و همزمان با شروع « عصر آهن » در اروپا و خاور نزدیک، نرخ رشد جمعیت به اوج خود رسید. زمان دو برابر شدن جمعیت از ۱۰۰۰ سال به ۵۰۰ سال کاهش یافت و از سال هزار قبل از میلاد افزایش جمعیت رشد ناگهانی به خود گرفت و به یکصد میلیون نفر در سال پانصد قبل از میلاد رسید که قبلاً چنین رشد فزاینده‌ای هرگز صورت نگرفته بود. اگر چه افزایش تعداد مطلق افراد جمعیت به

(یعنی رخداد جدیدی می‌خواست به وقوع بپیوندد) . در این سیکل افزایش جمعیتی آمریکا مواری با آفریقا حرکت می‌کرد و افزایش جمعیتی اقیانوسیه خیلی به سختی انجام می‌پذیرفت . به هر حال " سیکل اولیه " جریان واقعی دموگرافیکی بر حسب تکامل و نقطه اوج جمعیتی آن بود و در واقع از بین رفتن نهائی جوامع کلاسیکی مدیترانه‌ای ، خاور نزدیک ، هند و چین در این سیکل انجام پذیرفته است . آمریکا ، آفریقا و اقیانوسیه در این سیکل زمینه جمعیتی خود را از دست دادند و سهم آنها در کل جمعیت جهان از ۴۰٪ به کمتر از ۱۵٪ سقوط کرد و همگام با آنها آفریقا نیز در این سیکل جمعیتش از ۳۰٪ در سال ده هزار سال قبل از میلاد به ۱۵٪ در سال یانصد بعد از میلاد پائین آمد .

چه چیزی باعث شد سیکل اولیه به پایان برسد ؟

آیا کاهش قدرت همزمانی دو امپراطوری روم و چین می‌تواند جوابی برای این سؤال باشد ؟ آیا در این سیکل ما باید به آب و هوا به عنوان یک عامل تعیین کننده روند جمعیتی نگاه کنیم ؟

سلما " چنین هم است . مخصوصا " ما باید سعی بر این داشته باشیم که بدتر شدن آب و هوا را در سومین قرن بعد از میلاد که یک قرن بحرانی برای شرق و غرب بود ، کشف کنیم ، عاقلانه خواهد بود که ما انتظار داشته باشیم نسل بعدی آب و هواشناسان جواب مشخصی برای این سؤال بیابند . هر چند که بحث‌هایی بر له و علیه این فرضیه تا اندازه‌ای بی‌ارزش هستند اما خالی از ارزش هم نمی‌باشند ، ولی پاسخ ما به این سؤال منفی می‌باشد و ما جوابی برای آن نداریم .

به نظر می‌رسد که در داخل اروپا سرزمینهای مدیترانه‌ای از کاهش شدید جمعیتی رنج می‌بردند هر چند که کشورهای شمالی تا اندازه‌ای توانستند از کاهش جمعیتی رهائی یابند ولی این برخلاف آن چیزی است که یک نفر انتظار داشته باشد آن در " عصر یخبندان صغیر " ، اتفاق افتاد . محتمل‌ترین واقعیت در نظر ما این است که سیکل اولیه نقش تاریخی‌اش را به خوبی ایفاء کرده است جمعیت در دو گوشه جهان قدیمی افزایش پیدا کردند ، افزایشی بالاتر از آنچه می‌توان انتظار داشت و این افزایش جمعیتی را می‌توان در بهبود وضعیت تکنولوژی آن زمان جستجو کرد . با اضمحلال امپراطوریه‌های روم و هان ، جوامع برده‌داری همچنان تا ۶ قرن که به نام عصرهای تیره و تاریک شناخته شده‌اند ادامه یافت . در این دوره دنیای قدیمی با یک خیز به تجدید حیات خود پرداخت . در این دوره رشد کمی جمعیت در مراکز عمده جمعیتی و در بسیاری جاها کمتر از مقدار آن در طی دوره میانه باستانی بوده است . تا قرن دهم این مرحله انتقالی کاملا " به سر آمد . در اروپا جامعه جدیدی ظهور کرد : جامعه فئودالی که از مشخصات عمده دوره قرون وسطائی است . این جامعه در هر شکل خود ، سیاسی ، فرهنگی ، تکنولوژیکی ، دموگرافیکی گسترش یافت . در همان زمان چین وارد یکی از قابل توجه‌ترین

دوره‌های رشد جمعیتی خود شد که تا به حال تجربه کرده بود ، اولین صد سال امپراطوری سونگ .

سیکل قرون وسطائی شروع شده بود . در سیکل قرون وسطائی همانند سیکل اولیه حوادث و جریانات در نقاط متقابل سرزمینهای متراکم آسیای شرقی و اروپائی به طور همزمان اتفاق افتاده‌اند . جالب توجه خواهد بود که این رخدادها و جریانات همزمانی و مشابه هم تعقیب شوند ، به عنوان مثال : تغییر از فرم بوروکراسی به آریستوکراسی در تکامل دو فرهنگ از فرم کلاسیک به قرون وسطائی ، با توجه به اینکه در پشت این تشابهات جامعه شناختی احتمالا " عوامل تکنولوژیکی مشترک نیز وجود داشتند و به احتمالی اشتراک این فرهنگها در این عوامل است که آنها را هماهنگ نگهداشته است . کل موضوع به قدری مهم است که درک آن نباید سوء تفاهمی پیش آید و بد فهمیده شود . به هر حال منحنی این دو فرهنگ همزمان رشد پیدا کرده و زمانی نیز به طور هماهنگ پائین می‌آید . چین کشوری است که نقطه اوج منحنی آن یکصد سال زودتر از اروپا به وقوع پیوست و دلیل کافی برای این امر هجوم مغول به این کشور در قرن سیزدهم میلادی بود . مغولها در این حمله نه تنها تعداد زیادی از چینی‌ها را کشتند (حدود ۳۵ میلیون نفر) بلکه از روی عمد ، شالوده کشاورزی آنها را تا آنجا که توانستند از بین بردند .

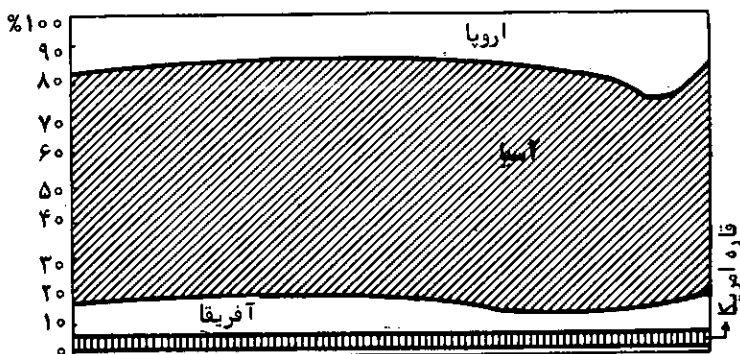
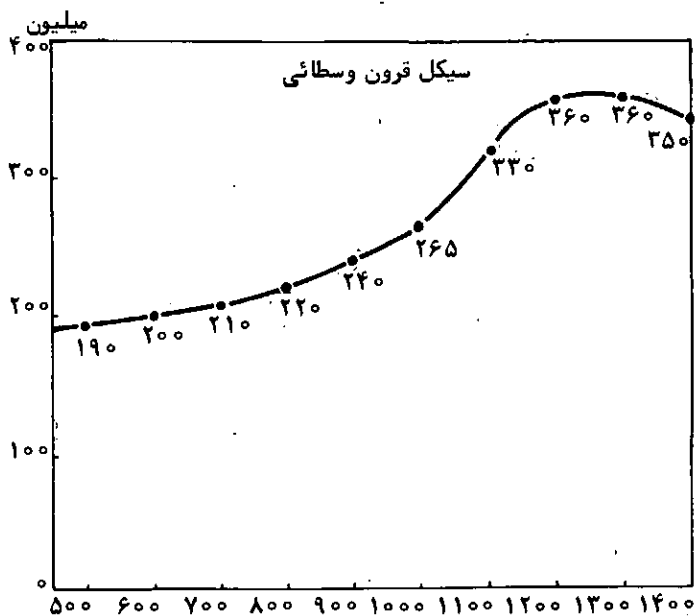
در اروپا سیکل قرون وسطائی از حد مالتوسی خویش پیشی گرفت . حدود سال ۱۳۰۰ میلادی فرا رسید . جمعیت که تا سال ۱۳۰۰ رشد بهتری داشت در نیمه اول قرن ۱۴ میلادی بر اثر یکسری بیماریهای واگیر و قحطی و خشکسالی کاهش یافت و سپس دشمنی خونخوارتر از چنگیز خان مغول به نام طاعون در آسیای مرکزی به کشتار پرداخت . در اثر این عوامل کل افراد جمعیت در آسیای مرکزی که از ۲۶ میلیون نفر در آغاز این سیکل به نقطه اوج خود (۸۰ میلیون نفر) رسیده بود به ۶۰ میلیون نفر بالغ گردید . در شکل (۴-۶) نقطه آغاز رشد جمعیتی از قرن ششم میلادی شروع می‌شود . برای اولین بار در ۳۰۰ سال ، افزایشی در تعداد کل جمعیت دنیا به وقوع پیوست هر چند که این رشد ، رشد ملایمی بوده و به صورت آرام صورت می‌گرفته است . مثلاً " از سال ۵۰۰ میلادی تا سال ۶۰۰ میلادی تعداد ۱۰ میلیون نفر به کل جمعیت دنیا افزوده گردید یعنی رقمی معادل ۵٪ ، در قرنهای ۶ تا ۸ میلادی نیز این افزایش به همین ترتیب بوده است . در قرنهای نهم تا دهم میلادی این افزایش به ۱۰٪ رسید . رشد بیش از حد جمعیت در قرن یازدهم میلادی به وقوع پیوست ، یعنی از رقم ۲۶۵ میلیون نفر در قرن دهم میلادی به ۳۲۰ میلیون نفر در قرن یازدهم رسید . با افزایشی معادل ۵۵ میلیون نفر در قرن دوازدهم میلادی نرخ رشد جمعیت به ۱۲٪ رسید و بالاخره نقطه اوج این سیکل قرن دوازدهم بود ، جمعیتی بالغ بر ۳۶۰ میلیون نفر .

خاور نزدیک جهان را به سیکل اولیه هدایت کرد ، اروپا و چین در سیکل قرون وسطائی سهیم هستند و بالاخره سیکل سوم یا سیکل

بوده است بیشتر از افزایش جمعیتی که قبلاً داشته است و این رشد جمعیت در قرن هفدهم به ۱۲٪ کاهش می‌یابد. البته ۱۲٪ نیز میزان بالائی است اما از این نظر جالب توجه است که این کاهش جمعیتی قبلاً یک بار دیگر نیز به طور همزمان در شرق و غرب تکرار شده بود. این بار نیز به نظر می‌رسد که کاهش جمعیتی در این قرن به خاطر تغییر و تحولات شدید تر آب و هوایی بوده است، به خاطر اینکه از قرن هجدهم به بعد رشد صعودی جمعیت به میزان خیلی بالائی در دو قاره (آسیا و اروپا) از سر گرفته می‌شود. رشد صعودی جمعیت از این قرن به بعد اثر مهمی در منحنی جمعیتی سیکل سوم می‌گذارد.

در مورد تمام سیکل‌های جمعیتی این موضوع را باید به خاطر داشت که زمانی منحنی جمعیتی با توقف روبرو شده و بلافاصله بعد از چند قرن رشد فزاینده جمعیتی اتفاق می‌افتد و این حقیقت در مورد سیکل مدرنیاسیون نیز صدق می‌کند. مخصوصاً یادآوری این موضوع از این نظر ارزشمند است، هر چند که امروزه زاین به رشد سریع جمعیتی رسیده است، اما از نظر تکامل اجتماعی در قرن هجدهم هنوز عقب‌تر از چین و اروپا بود. نوسانات جمعیتی از قرن هفدهم به بعد زیاد قابل تأمل نیستند. نرخ رشد جمعیت در قرون هجدهم و نوزدهم به طور باور نکردنی شتاب می‌گیرد. در قرن هجدهم ۴۵٪ و در قرن نوزدهم ۸۰٪ در سرتاسر اروپا رشد جمعیت با نرخی بالاتری نسبت به سایر قاره‌ها بوده است. در قرن نوزدهم اگر فقط خود جمعیت اروپا به غیر از مهاجرینش را در نظر بگیریم افزایش آن ۱۱۵٪ بوده است و اگر ۴۰ میلیون نفر مهاجر آن به قاره آمریکا نیز در نظر گرفته شود میزان فوق‌العاده‌ای بالغ بر ۱۳۵٪ خواهد بود. عامل بزرگی که رشد جمعیتی در این قاره را باعث گردید و ارقام جمعیتی را بالا برد نگهداشتن مرگ و میر در حد پائین و افزایش امید به زندگی بود. در قرن بیستم وضعیت جمعیتی جهان به نحوه دیگری تغییر جهت یافت. در این قرن اروپا «انتقال دموگرافیکی» و «سیکل مدرنیاسیون» خود را با پائین آوردن میزان زاد و ولد کامل می‌کند یا توجه به اینکه میزان مرگ و میرش نیز پائین آمده بود. کشورهای قدیمی دیگر (منظور کشورهای جهان سوم) به اولین مرحله انتقالی جمعیت یعنی کاهش مرگ و میر، با توجه به اینکه میزان مولیدشان آنچنان تغییر نکرده است و از نظر مدرنیزه کردن کشور نیز در حد میانی قرار داشتند در این قرن وارد شده‌اند. نتیجه این شده است که از قرن نوزدهم به بعد اروپا رشد جمعیتی نسبتاً کندی داشته باشد، یعنی افزایش جمعیتی آن که در قرن نوزدهم به ۱۴۰٪ رسیده بود از این قرن به بعد به ۶۳٪ رسید و در جدول جهانی جمعیت، جمعیت این قاره از ۲۴٪ به ۱۶٪ سقوط کند.

وضعیت آسیا در جدول جهانی جمعیت از زیر ۶۰٪ به بالای ۶۰٪ رسیده است و آفریقا نیز سهمش در این جدول که قبلاً ۷٪



اقیانوسیه با جمعیت کمتر از ۱/۰٪ شکل ۴-۶

مدرنیزه شدن سرآغاز و سرمنشأش در قرن پانزدهم از اروپا شروع شد هر چند که چین در آخر قرار گرفت و نهایتاً از قافله عقب ماند. لازم بودن پایه و اساس تکنولوژیکی برای سیکل سوم واضح است. این سیکل با کشتی و تسلیحاتی که اروپائیان را برای کشف کردن، تسلط یافتن و به استعمار کشیدن دیگر قاره‌ها قادر می‌ساخت، شروع شد. این سیکل از طریق انقلابات کشاورزی و صنعتی قرون هجدهم و نوزدهم ادامه یافت و با شتاب گرفتن انقلاب در ارتباطات قرن بیستم دنیا را به صورت یک «جهان روستا» درآورد. مطلوب‌ترین پیشنهاد برای بهبود وضع آینده قرن بعدی این است که از رشد جمعیت کاسته شود و الا قبل از اینکه قرن بیست و دوم شروع شود، سیکل سوم نمی‌تواند جویگوی جمعیت رو به افزون دنیا را بدهد، یعنی باید تغییر و تحولات اساسی در تکنولوژی بوجود آید و این بسته به این است که طبیعت و ذات سیکل مدرنیزه شدن چگونه می‌تواند باشد. از نقطه نظر آماری یک نوع تناوب جمعیتی در این سیکل صورت گرفته است و رشد آن در قرون مختلف کاهش و افزایش داشته است. مثلاً در قرون پانزدهم و شانزدهم رشد آن به ترتیب ۲۱٪ و ۲۸٪

قاره آمریکا

بود به ۹/۵٪ بالغ شده است (شکل ۵-۶) .

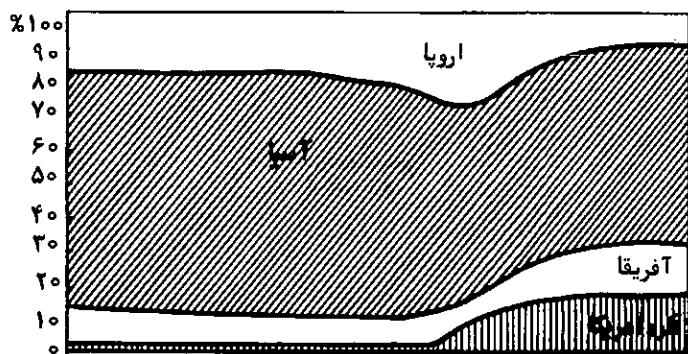
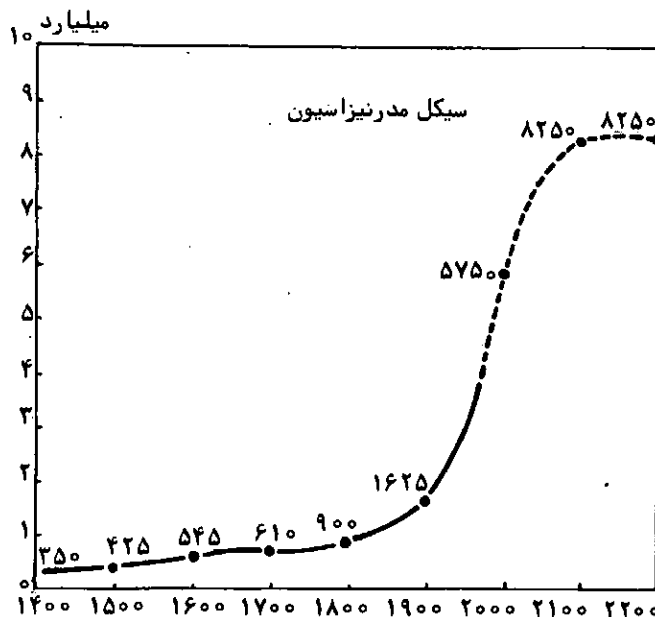
جابجائیها و تغییرات حاصله در توزیع جهانی جمعیت به طور نامناسب و ناهمگونی صورت گرفته است . هنگامی که به ارقام جمعیتی بدست آمده در طول این سیکل نظر افکنده شود ، متوجه می شویم که در سال ۱۵۲۵ میلادی بعد از یک قرن رشد سریع جمعیت ، یکصد میلیون نفر به کل جمعیت جهان افزوده شد و جمعیت جهان به پانصد میلیون نفر رسید . تا سال ۱۸۲۵ این رقم به دو برابر افزایش یافت و در سال ۱۹۲۵ رقم جمعیتی جهان تقریباً دو میلیارد نفر گردید و در سال ۱۹۷۵ تعداد جمعیت جهان بالغ بر ۴ میلیارد نفر شد و احتمالاً " به نظر می رسد که در سال ۲۰۲۵ تعداد

افراد بشر در روی زمین تقریباً " ۸ میلیارد نفر خواهد شد . بعد از آن ، این افزایش جمعیتی باید کاهش پیدا کند . این امیدواری وجود دارد که این کاهش جمعیتی با بالا رفتن استانداردهای زندگی و گسترش تحصیلات رخ بدهد و مسلماً " این شیوه در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان رخ خواهد داد و فقدان این نشانه ها در کشورهای توسعه نیافته جهان به اندازه ای هم نیست که با حالت بد بینانه ای به آنها نگریت به خاطر اینکه آنها فعلاً " در وضعی از تکامل قرار گرفته اند که در مرحله کنونی نمی توان از آنها انتظار داشت که جمعیت خود را پائین آورند .

در هر صورت قبل از اینکه زمان بگذرد و در کشورهای جهان سوم باید یک کاهش شدید جمعیتی رخ بدهد . با این افزایش جمعیتی که فعلاً " در جهان وجود دارد منحنی S شکل سیکل مدرنیزاسیون نمی تواند با توجه به صنعت فعلی جوامعی جمعیت رو به تزاید فعلی باشد . اگر جمعیت به صورت بی رویه ای افزایش پیدا کند دنیا زیر ضربات خرد کننده جمعیت منابع اش مضمحل شده و از بین خواهد رفت . انتظار می رود که در اواخر قرن بیست و یکم جمعیت دنیا رقمی بین ۸ و ۹ میلیارد نفر خواهد شد که از این تعداد کمتر از یک میلیارد نفر در آفریقا و آمریکا و بقیه در اقیانوسیه خواهند بود .

اگر جمعیت خود بخود و بی اختیار کاهش پیدا نکند به وسیله انواع فاجعه ها احتمالاً " کاهش پیدا خواهد کرد . جنگ هسته ای یکی از این فاجعه هاست که می تواند تعداد جمعیت را کاهش دهد اما تنها اشکالی که دارد این است که به آسانی می تواند جهان را آلوده کرده و نسل بشری را منقرض کند ! بیماری طاعون هر چند که بیماری ویرانگری است اما امروزه تقریباً " غیرمحمول است که یک بیماری میکروبی فراگیر شده و بتواند کاهش عمده ای در تعداد جمعیت به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی امروزه بدهد . اما تصور این هم سخت نیست که یک بیماری عفونی و ویروسی می تواند ۹۵٪ مرگ و میر داشته باشد . بیماری Myxomatosis (بیماری ورم بافت مخاط) یک نوع بیماری ای است که درمانی برای آن وجود ندارد و همین نوع بیماری در دهه ۱۹۵۰ در بسیاری از مناطق جهان تعداد زیادی از خرگوشها را از بین برد . قحطی و خشکسالی حربه نهائی برای از بین بردن جمعیت خواهد بود اما اگر آن اتفاق بیافتد به تنهائی نمی تواند کاری انجام بدهد . در Apocalypse چهار تا مرد اسب سواری می کنند .

به هر حال ، بگذارید نوشته مان را به صورت امیدوار کننده تر و خوش بینانه تر به پایان برسانیم .



اقیانوسیه کمتر از ۱٪ شکل ۵-۶

ادامه مقاله: بررسی سیکل های جمعیتی در جهان در صفحه ۳۴ .

جزر و مد

مقدمه

بحث مربوط به جزر و مد از جمله مباحث مهم جغرافیائی است که در کتب جغرافیائی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستانی مطرح و مطالب ارائه شده در کتب مذکور طبعاً "مختصر می‌نماید، و اغلب به نظر می‌آید که دبیران علاقمند در دستیابی به مطالب بیشتر در این مورد بدنیاال منابع پراکنده‌ای که وجود دارد هستند. نگارنده چون سالها در تدریس جغرافیا در این مقاطع تحصیلی با این مطالب برخورد داشته‌ام مناسب دانستم، که بخشی از کتاب "اقیانوس‌شناسی برای جغرافیدانان" تحت عنوان جزر و مد و امواج را ترجمه نمایم و امید است که مورد استفاده دبیران محترم قرار گیرد.

مترجم

ترجمه از: جمشید فریبه

جزر و مد :

جزر و مد و امواج در بین انواع گوناگون حرکات آب دریاها، از مهمترین آنها هستند که بر روی آب اقیانوسها تا عمیق‌ترین قسمت حوضه‌های آن اثر می‌گذارند و عمل آنها را می‌توان پاسخی به نیروی اسرارآمیز جاذبه ماه دانست.

عمومیت جزر و مدها را می‌توان در کلمات (- Venerable Bede) چنین خلاصه نمود که : " در هر سرزمینی ماه پیمان همبستگی خود را که مورد قبول همه است با دریا حفظ می‌کند . " امواجی که توسط حرکات جزر و مدی ساخته می‌شوند از طولانی - ترین انواع شناخته شده در اقیانوسها می‌باشند . این امواج به صورت بالا و پائین رفتن‌های موزون آب، در پاسخ به اثرات نیروهای نوسانی حاصل از جاذبه متنوع ماه و خورشید بوجود می‌آیند . در این باره مارمر (H.A. Marmer) می‌گوید : " جزر و مد دو بار در روز به صورتی موزون در پاسخ به نیروی تولید کننده‌اش بالا و پائین می‌رود ، " این نیروها سبب به حرکت درآمدن آب تا اعماق دریا گردیده و موجبات پدیده‌هایی که به طور خلاصه جزر و مد نامیده می‌شوند را فراهم می‌سازند . دامنه جزر و مد در هر مکان ثابت نبوده و از روزی به روز دیگر متغیر است .

جزر و مدها در واقع پیچیده‌تر از آنچه که در ظاهر به دید عوام می‌آیند می‌باشند ، زیرا نیروی جاذبه ، که تصور می‌گردد به گونه‌ای متغادل بر تمامی نقاط کره خاکی اثر می‌گذارد ، در واقع چنین عمل نمی‌کند . بنابراین ماهیت جزر و مد و وسعت آن به صورت مسئله‌ای که دارای ویژگی‌هایی است درمی‌آید .

عمومیت و وقوع روزمره جزر و مد از زمانهای پیشین موضوع جالب توجه‌ای برای مطالعه و بررسی بوده و متون زیادی درباره این پدیده به رشته تحریر درآمده است . پاره‌ای از این متون به صورت مطالعات تئوریک ، مشاهدات و بحث‌های متعدد و پاره‌ای دیگر به صورت مقالات عام نگاشته شده‌اند .

مشاهدات در دوره کلاسیک تاریخ جهان بسیار جزئی و ناقص می‌باشند ، بدلیل آنکه دنیای کلاسیک در اطراف دریای مدیترانه خلاصه می‌شده ، که جزر و مدها از اهمیت خاصی برخوردار نیستند . تاریخچه یونان و روم باستان و متون مذهبی (متون انجیل) مطالب زیادی درباره جزر و مدها بیان نمی‌کنند . قدیمی‌ترین مرجع در این باره نوشته‌های مورخ یونانی هردوت می‌باشد .

در سال ۳۲۵ قبل از میلاد شخصی به نام Pytheas که از مسیلا (Massila) آمده و اقیانوس اطلس را تا مجمع‌الجزایر بریتانیا طی کرده بود متوجه ارتباط موجود بین جزر و مدها و ماه گردید . تا این زمان جزر و مدها پدیده‌ای خیالی و فلسفی انگاشته می‌شدند . بعدها در حوالی سال ۷۷ بعد از میلاد که پلینی (Pliny) کتاب " تاریخ طبیعت " خود را به رشته تحریر درآورد ، پدیده جزر و مد به طور منطقی شناخته و مشخص گردید . جزر و مد حاصل عمل ترکیبی خورشید و ماه بوده که در این میان ماه نقش تعیین کننده‌ای را ایفا می‌کند .

پس از دوران کلاسیک تا اوایل قرون وسطی دانش عمومی درباره پدیده جزر و مد توسعه بیشتری یافت . بدین ترتیب که در قرن هشتم Venerable Bede رساله‌ای با عنوان " رابطه موجود -

پایان دریا و ماه" (On The Bond Between The Sea - The Moon &) به نگارش در آورد و در قرن سیزدهم دانشمندی عرب^۱ به نام زکریا ابن محمد بن محمد خوارزم ، سبب فیزیکی از عمل خورشید و ماه که سبب پدید آمدن جزر و مد می گردید را بیان نمود .

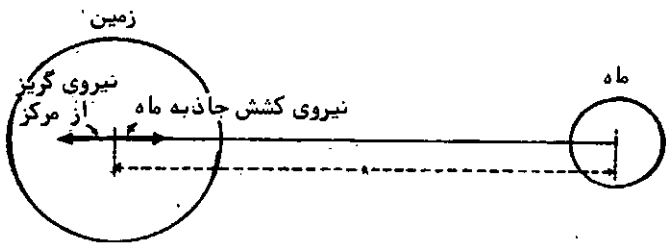
در سال ۱۶۸۷ اسحاق نیوتن برای اولین بار توضیحی منطقی از جزر و مد و نیروهای پدید آورنده آن که نشأت گرفته از ماه و خورشید می باشند عرضه داشت . وی ثابت نمود که دو جرم ، توسط نیرویی که تناسب مستقیمی با حجم آنها و در عین حال نسبتی معکوس با مربع فاصله بین آن دو دارد ، به جانب یکدیگر جذب می گردند . بدین ترتیب وی تئوری تعادل را مطرح نمود .

نیروهای پدید آورنده جزر و مد :

جزر و مد پدیده‌ای است دریائی در پاسخ به نیروی کششی ماه و خورشید که ویژگیهای آن به طور پیچیده‌ای با تغییرات موقعیت این دو جرم جاذبه‌دار در رابطه می باشد . از این رو برای توضیح جزر و مد لازم است این نیروها به همان اندازه که به طور جداگانه بررسی می شوند به طور ترکیبی نیز بررسی گردند . همان طور که ابتدا گفته شد نیوتن اولین کسی بود که وجود نیروی کشش نقلی را مطرح و وجود نیروی کششی را حتی بین کوچکترین قطره آب اقیانوس و بزرگترین ستاره جهان (اگر چه ممکن است مقدارش دقیق نبوده) را پیشنهاد کرد . به طور کلی در تئوری جاذبه بیان می شود که نیروی جاذبه نسبت مستقیم با جرم و تناسب معکوس با مربع فاصله بین آنها دارد . بدین معنی که جرم بزرگتر در مقایسه با جرم کوچکتر نیروی جاذبه بیشتری ایجاد می کند و جرمی که در موقعیت دورتری قرار دارد نیروی جاذبه کمتری نسبت به آنهایی که نزدیکترند را دارا می باشد .

بر اساس مطالب ذکر شده در بالا کشش جاذبه‌ای ماه که بر زمین اثر می کند بسیار قوی تر از سایر سیارات و ستاره‌ها بوده و این به خاطر نزدیکی اش به زمین می باشد ، اگر چه ماه یکی از کوچکترین اجرام آسمانی است که فشارش را بر زمین وارد می کند . در شکل یک ، جرم ماه با m و زمین برابر واحد و فاصله بین مرکز زمین تا مرکز ماه با r نشان داده شده است . در نتیجه نیروی جاذبه ماه که بر مرکز زمین اثر می کند برابر $\frac{m}{r^2}$ می باشد . خطی که نقاط شمال و جنوب را به هم متصل می سازند (بر خطی که دو مرکز زمین و ماه را به هم متصل می سازد عمود می باشد) مکان تمام نقاطی است که فاصله شان برابر با فاصله r می باشد ، بنابراین نیروی جاذبه از شمال به جنوب برای تمام نقاط همان $\frac{m}{r^2}$ می باشد ، اما نیروی جاذبه ماه برای تمام نقاط خط اتصال دو مرکز به علت اینکه قطر زمین ۸۰۰۰ مایل است مشابه نمی باشد . این بدان معنی است که سطحی از زمین ، به طرف ماه قرار دارد ۴۰۰۰ مایل نسبت به مرکز زمین ، به ماه

نزدیکتر و دقیقاً " نقطه مقابل آن در طرف دیگر سطح زمین ۴۰۰۰ مایل (یا ۸۰۰۰ مایل دورتر از آن سطحی که مقابل ماه می باشد) نسبت به مرکز زمین از ماه دورتر می باشد (مرکز ماه ۲۴۰۰۰۰ مایل از مرکز زمین و ۲۳۶۰۰۰۰ مایل از نزدیکترین سطح زمین نسبت به خودش فاصله دارد) . بنابراین واضحاً " نتیجه می شود که



شکل ۱ - نمایش نموداری از کشش جاذبه‌ای بین زمین و ماه و نیروی گریز از مرکز که نیروی جاذبه را متوازن می نماید .

نیروی جاذبه ماه در سطح نزدیک به ماه بیشتر از مرکز زمین است . در اینجا لازم است نیروی با اهمیت دیگری که از ماه دور می شود (دقیقاً " مخالف) و بر مقدار $\frac{m}{r^2}$ اثر می کند و در تمام نقاط زمین وجود دارد و مقدارش از سطح تا مرکز و از شمال به جنوب متغیر است توضیح داده شود . این نیرو به عنوان نیروی گریز از مرکز شناخته شده است .

به واسطه توازنی که بین جاذبه ماه و نیروی گریز از مرکز در روی خطی که از مرکز زمین گذشته و شمال و جنوب را به هم متصل ساخته برقرار است موقعیت مرکز زمین در یک مکان ثابت باقی می ماند و در نتیجه این اجرام که بر یکدیگر نیروی کشش جاذبه‌ای وارد می آورند تحت نفوذ حرکت نوسانی نمی باشند . اما به علت اینکه نسبت بین دو نیروی ذکر شده فوق در همه جا یکسان نیست ، در سایر قسمتهای زمین اختلاف نیرویی پدیدار می شود که در نتیجه آن ، پدیده جزر و مد بر روی سطح زمین بوجود می آید . (شکل دو) .

برای توضیح عددی مطالب ذکر شده در بالا ، اگر P شعاع زمین باشد ، نیروی جاذبه زمین در سطح برابر $\frac{m}{(r-p)^2}$ می باشد در حالیکه نیروی گریز از مرکز در اینجا همان $\frac{m}{r^2}$ است و اختلاف نیرویی برابر $\frac{m}{r^2} - \frac{m}{(r-p)^2}$ را بوجود می آورد ، که به طور عددی برابر $60/24P$ می باشد . به طور مشابه در نقطه مقابل آن روی سطح زمین اختلاف بین نیروها برابر با $\frac{m}{(r+p)^2} - \frac{m}{r^2}$ و نیروی جاذبه ماه بر آن برابر $\frac{m}{(r+p)^2}$ می باشد . به عبارت دیگر می توان گفت که در موقعیت A (شکل دو) نیروی جاذبه بیشتر از نیروی گریز از مرکز بوده و در موقعیت B هر دو نیرو یکدیگر را متوازن می سازند و در موقعیت C نیروی جاذبه ماه کمتر از نیروی گریز از مرکز می باشد .

معادلات زیر میزان اختلاف موجود بین این دو نیرو را نشان می دهند .

(علامت منفی نشان دهنده نیروها درجهت مخالف ماه می باشد).

$$\frac{m}{(r+p)^2} - \frac{m}{r^2} = - \frac{2m}{r^3} \frac{p}{r}$$

$$\frac{m}{(r-p)^2} - \frac{m}{r^2} = \frac{2m}{r^3} \frac{p}{r}$$

(علامت مثبت نشان دهنده نیروها در جهت ماه می باشد).

معادلات موجود این واقعیت را نشان می دهند که اندازه نیروی اغتشاش (یا نیروی مولد جزر و مد یا اختلاف بین این دو نیرو) در دو نقطه مقابل هم در سطح زمین که خط اتصال دو مرکز (زمین و ماه) از آنها می گذرد یکسان می باشد.

نیروی سوم، که نیروی کشش زمین است (یا نیروی جاذبه زمین که مستقیماً به طرف مرکز آن می باشد) همراه با نیروی بالائی در نظر گرفته می شود و مجموعاً "نیروی خالص ماه"، که معادل $\frac{2mP^3}{r^3} = 1/176 \times 10^{-7}$ است را پدید می آورد.

این نیرو سبب کاهش یا افزایش شتاب ثقل (حالتی که ممکن است در هر دو پهلوی سطح زمین وجود داشته باشد). به میزان

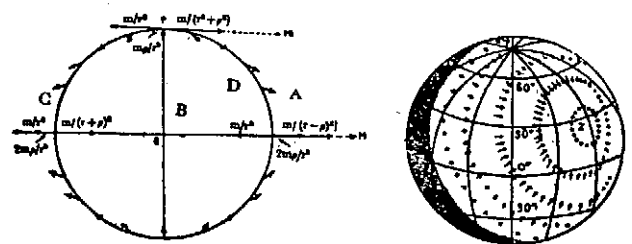
۰/۰۰۰۰۱۱۵ سانتیمتر بر مجذور ثانیه در هر نقطه می گردد، بدین صورت که کاهش آن در یک نقطه توسط افزایش در نقطه مقابل بالائی می شود. در اینجا مولفه دیگری بجز نیروی جذب به سمت مرکز زمین وجود ندارد.

اما این نیرو دارای مولفه افقی و عمودی می باشد که روی سطح زمین نسبت به خط اتصال مراکز ماه و زمین به طرف شمال و جنوب عمل می کند. معادلات مربوط به آن از قرار زیر است:

$$\text{مولفه عمودی} = \frac{2m}{r^3} \frac{p}{r} (\cos \theta - \frac{1}{3})$$

$$\text{مولفه افقی} = \frac{2m}{r^3} \frac{p}{r} (\sin \theta \cos \theta)$$

در این معادلات θ زاویه بین خط اتصال دو مرکز زمین و ماه و خط اتصال مرکز زمین به نقطه ای در روی سطح زمین می باشد.



شکل ۲ - نمایش نموداری نیروی مولد جزر و مد در صفحه ای که از خط اتصال دو مرکز ماه و زمین می گذرد (سمت چپ). پراکندگی افقی نیروی مولد جزر و مد روی زمین (برطبق نظر ج. اچ. داروین) ماه در سمت الرأس (اوج) در بالای نقطه Z قرار دارد (سمت راست).

تأثیر این نیروها با انتخاب نقطه D روی سطح زمین (شکل دو) به خوبی ملاحظه می گردد. در اینجا بین نیروی جاذبه ماه و نیروی گریز از مرکز اختلاف نیرویی حاصل می شود که کمتر از اختلاف نیروی حاصل شده در نقطه A می باشد (به علت افزایش ناچیز - فاصله اش از مرکز ماه). اما برعکس، افزایش ناچیز نیرو، در رابطه با دو مولفه نیروی جاذبه ذکر شده در بالا می باشد و شتاب ثقل در آن نقطه که عمود بر خط اتصال دو مرکز است برابر ۰/۰۰۰۰۸۵ سانتیمتر بر مجذور ثانیه می گردد.

بنابراین قاطعانه می توانیم بگوئیم، نیروی بوجود آورنده جزر و مد عبارت از تفاوت موجود بین نیروی جاذبه ماه و نیروی گریز از مرکز در یک مکان است، یا به عبارت دیگر نیروی گریز از مرکز در همه جا یکسان و برابر نیروی جاذبه ماه در مرکز زمین است، در نتیجه می توان گفت که تفاوت بین نیروی جاذبه ماه یا نیروی کششی در سطح و در مرکز زمین بوجود آورنده نیروی جزر و مد است. مانند معادلاتی که هم اکنون درباره آنها بحث گردید. این امر زمانی که دو نیرو به ترتیب ۳۰ و ۳۱ باشند ضجر به کسری از $\frac{1}{30}$ می شود.

حالت مشابه از نیروی مولد جزر و مد اگر چه مقدارش متفاوت می باشد در مورد خورشید صادق است. فاصله بین خورشید تا مرکز و سطح زمین به ترتیب برابر ۹۳،۰۰۰،۰۰۰ و ۹۲،۰۹۹۶،۰۰۰ مایل است. نیروی جاذبه $\frac{1}{93,000,000}$ و $\frac{1}{92,099,600}$ یا به نسبت ۱،۰۰۰،۰۰۰/۱،۰۰۰،۰۸۶ می باشد، در نتیجه نیروی تولید کننده جزر و مد حاصله در مرکز $\frac{86}{1,000,000}$ نیروی جاذبه خورشید می باشد. بعلاوه جرم خورشید ۲۵،۰۵۰۰،۰۰۰ برابر جرم ماه است اما به علت فاصله بسیار طولانی نیروی مولد جزر و مدی که تولید می کند برابر $\frac{86 \times 169}{1,000,000}$ نیروی جاذبه ماه در مرکز زمین است، بدین معنی که $\frac{1}{4}$ نیروی مولد جزر و مد ماه می باشد.

جنگینز (Jenkins) قدرت نیروی مولد جزر و مد ماه و خورشید را به نسبت $\frac{11}{5}$ محاسبه نموده است. ارتفاع مد در رابطه با نیروی جاذبه ماه حدود ۳۵۶ میلیمتر و در رابطه با نیروی جاذبه خورشید برابر ۱۶۴ میلیمتر است.

امکان تأثیرپذیری زمین از نیروی جاذبه سایر اجرام آسمانی با توجه به فاصله زیادشان از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار نمی باشد. براساس ۷۰ مرتبه حجم بزرگتر و ۱۰۰ بار فاصله بیشتر ونوس، نیروی پدید آورنده جاذبه اش در مقایسه با ماه برابر $\frac{70}{100 \times 100 \times 100}$ می شود. بنابراین جزر و مد ونوس در مقایسه با ماه که حدود تغییرات جزر و مدش ۱۰۰ فوت می باشد باید $\frac{1}{10}$ اینچ گردد. نتیجه مشابه برای سیاره مشتری با توجه به اینکه نیروی مولد جزر و مدش کمتر از $\frac{1}{100,000}$ ماه است و برابر $\frac{26,000}{1,050,000 \times 1,050,000 \times 1,050,000}$ می باشد، حاصل گردیده است. در

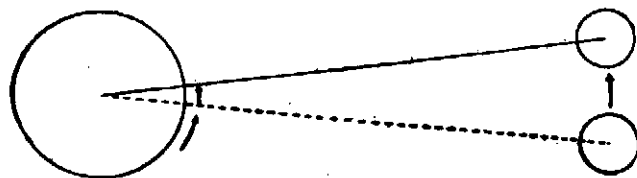
نتیجه در میان تمام اجرام آسمانی خورشید و ماه تنها نیروهائی هستند که سبب بالا و پائین رفتن آب دریاها در روی زمین می گردند .

نیروهای پدید آورنده جزر و مد که ذکر آن رفت تأثیر زیادی بر سطح خاکی زمین نداشته ، اما آب اقیانوس تحت تأثیر آن بالا آمده و سبب ایجاد جزر و مد می گردد .

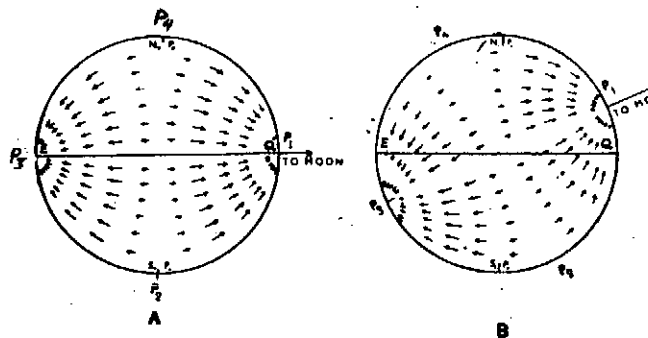
پراکندگی نیروهای مولد جزر و مد در سطح زمین :

پراکندگی عمومی نیروی پدید آورنده جزر و مد سبب بالا آمدن عمودی آب در نصف النهارات (زیر ماه) می شود . اما شدت و جهت جزر و مد در شمال و جنوب این منطقه در طولهای جغرافیائی مشابه متفاوت است که حاصلش یک مولفه در جهت طول جغرافیائی بوده و در نتیجه حرکت عمومی آب عمودی نخواهد بود .

میزان نیروی مولد جزر و مد برطبق تغییر موقعیت اجرام آسمانی در رابطه با یکدیگر ، تغییر می نماید ، بنابراین زمان جزر و مد و بالا آمدگی های جزر و مدی در هر مکان روی سطح زمین متفاوت می باشد .



شکل (الف - ۳) ، تغییرات روزانه در زمان بوقوع پیوستن مد .



شکل (ب - ۳) ، پراکندگی نیروی جزر و مد ماه (الف) روی خط استواء و (ب) در شمال خط استواء .

نیروی قمری و تغییر موقعیت ماه :

در رابطه با عامل فاصله ، شدت نیروی جزر و مد برای مکانی درست در زیر ماه بیشتر از سایر نقاط سطح زمین خواهد بود ، بنابراین در مکان P_1 حداکثر کشش پدید می آید و سبب بوجود آمدن مد می شود . در همین زمان در نقطه P_3 که درست نقطه مقابل P_1 است در رابطه با فرمولی که قبلاً و فرایندهائی که

بعدا" توضیح داده خواهد شد مد بوجود می آید . در حالیکه دامنه جزر و مد در P_4 و P_2 که از نیروی جاذبه ماه دور هستند کمتر خواهد بود . بنابراین در یک زمان در سطح زمین دو مد و دو جزر بوجود خواهد آمد .

آنچنانکه می دانیم زمین در جهتی از غرب به شرق می چرخد ، نقطه P_1 در زیر ماه ثابت باقی نخواهد ماند ، بلکه حرکت کرده و سایر نقاط روی سطح زمین جای آنرا خواهند گرفت .

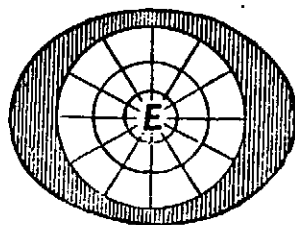
در حالیکه زمین یک چرخش کامل را در ۲۴ ساعت انجام می دهد ، نقاط P_1 و P_3 و P_2 و P_4 بعد از مدت زمان ۶ ساعت به ترتیب در زیر ماه قرار می گیرند . بنابراین هر نقطه در روز یک مرتبه در زیر سطح ماه واقع شده و با دو مد و دو جزر مواجه می گردد . فاصله بین مد روز قبل و مد روز بعد (زیر ماه) ۲۴ ساعت خواهد بود ، اما این حالت فقط ناشی از چرخش زمین نمی باشد بلکه ماه نیز در همان جهت به دور مرکز ثقل زمین می چرخد . پس از طی ۲۴ ساعت نقطه P_1 یک دور کامل زده در حالیکه ماه به اندازه ناچیزی به طرف جلو حرکت کرده است . بنابراین نقطه P_1 در روی سطح زمین زمان بیشتری لازم دارد . (در حدود ۵۰ دقیقه) تا در روز بعد آنچنانکه در شکل (الف - ۳) نشان داده شده است در زیر ماه قرار بگیرد . از این رو جمع کل مدت زمان لازم جهت کامل شدن سیکل جزر و مد در هر نقطه ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه خواهد بود ، بدین صورت که هر روز مد ماه ۵۰ دقیقه دیرتر از روز قبل پدید خواهد آمد که این امر تحت عنوان تأخیر زمانی (Time-Lag) شناخته شده است اگرچه جزر و مدی که توسط نیروی جاذبه خورشید در یک نقطه بوجود می آید در روز بعد به جای ۲۴ ساعت و ۵۰ دقیقه دقیقاً " پس از ۲۴ ساعت تکرار خواهد شد ، در نتیجه اختلافی در زمان پدید آمدن جزر و مد حاصل از خورشید و ماه وجود دارد .

جزر و مد و موقعیت نسبی خورشید ، ماه و زمین :

هر نقطه روی اقیانوس تحت تأثیر دو نیروی خورشید و ماه قرار می گیرد که هر کدام سعی به پدید آوردن شکل بیضوی A جزر و مد خودشان را دارند . نیروهای خورشید و ماه می توانند مشترکاً " عمل کرده و ترکیبی از دو شکل بیضوی جزر و مد بالا را بوجود آورند یا می توانند در جهت مخالف یکدیگر عمل کرده که در این حالت نیز شکل بیضوی جزر و مد متفاوتی تشکیل خواهد شد . موقعیت های گوناگون خورشید ، ماه ، و زمین و نتایج حاصله از آن به قرار زیر می باشد :

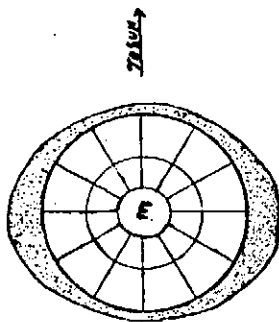
۱- ماه در محاق و بدر : وقتی که مرکز خورشید ، ماه و زمین تقریباً در یک امتداد قرار داشته باشند یعنی در حالت ماه کامل و ماه نو آنچنانکه در شکل چهار نشان داده شده است ، این اجرام متحداً " کششی را بوجود می آورند که نتیجه اش حاصل شدن حداکثر جزر و

مد می باشد. در این زمان شکل بیضوی جزر و مد تشکیل شده توسط این اجرام آسمانی به یکدیگر افزوده می گردد.



به سمت خورشید (M) →

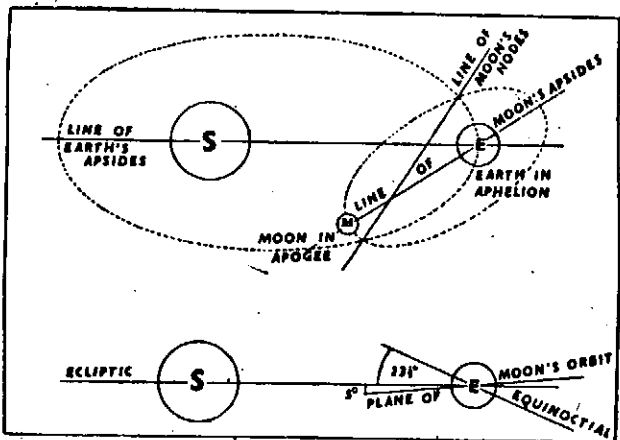
شکل (الف - ۴)، جزر و مد حداکثر



شکل (ب - ۴)، جزر و مد حداقل

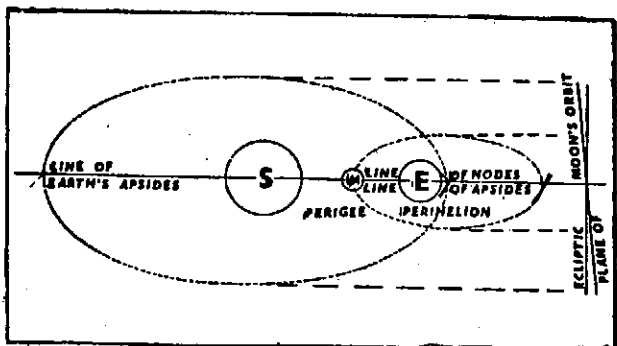
حضیض) را با زمین دارد جزر و مد بالاتر از حد معمول و وقتی که دورترین فاصله (در اوج) را از زمین دارد جزر و مد پائین تر از حد معمول می باشد.

این دوره های اوج و حضیض در طی یک ماه قمری دو بار پدید می آید. جزر و مد حدود ۲۰ درصد بالای حد متوسط در حضیض و حدود ۲۰ درصد پائین تر از حد متوسط در اوج می باشد زیرا تغییرات نیروی جزر و مد با مکعب فاصله به نسبت عکس می باشد. شرایط مشابهی در مدار گردش زمین به دور خورشید نیز یافت می شود.



شکل ۵ - نمایش تغییرات دوره طولانی در نیروهای مولد جزر و مد وقتی که ماه در حضیض و زمین در اوج می باشد.

بدین صورت که در طی حضیض که زمین ۹۱/۳۰ میلیون مایل از خورشید فاصله دارد جزر و مد بالاتر از زمان اوج که زمین ۹۴/۵ میلیون مایل از خورشید فاصله دارد می باشد. این دوره ها دو بار در یک سال شمسی حادث می گردد.



شکل ۶ - نمایش تغییرات دوره ای طولانی مدت در نیروهای مولد جزر و مد وقتی که ماه در حضیض و زمین در اوج می باشد. خط اوج و حضیض (Apside) زمین، خط اوج و حضیض (Apside) ماه و خط گره (Nodes) روی هم منطبق خواهند بود. این مورد شکلی از یک حداکثر مطلق می باشد.

۵ - تغییرات دوره ای طولانی مدت در نیروهای مولد جزر و مد: علاوه بر تغییرات فوق که توضیح داده شد دوره های طولانی تری

۲ - ماه در تربیع: وقتی که خط اتصال مراکز این سه جرم آسمانی تقریباً "نسبت به یکدیگر عمود باشند آنچنانکه در شکل (ب - ۴) نشان داده شده است، نیروهای جزر و مد عمود یا مخالف یکدیگر خواهند بود. این شرایط حداقل، جزر و مد حقیقی را پدید می آورد که به بلندی حالت قبلی نمی باشد. در این زمان شکل بیضوی دو جزر و مد در جهت مخالف یکدیگر هستند.

۳ - اثر تغییرات میل: عامل میل حالتی کاملاً پیچیده از جزر و مد را بوجود می آورد. میل صفحه استوای زمین نسبت به صفحه مدار انتقالی زمین (Ellipse) زاویه ای معادل $23\frac{1}{4}$ درجه و میل صفحه مدار چرخش ماه به دور زمین نسبت به صفحه مدار انتقالی برابر ۵ درجه می باشد. بنابراین نیروی جاذبه ماه و خورشید در یک نقطه روی استوای زمین غیر نرمال است.

وقتی که خورشید در اعتدالین است و عمود بر خط استواء می تابد میزان میل صفر می باشد به طوریکه در بعضی مواقع ماه در مدت دو هفته در روی استواء با میل صفر درجه حرکت می کند. در این زمان در رابطه با تأثیر مرکب نیروهای خورشید و ماه یک جزر و مد حداکثر حاصل می گردد. در طی انقلابین در ماههای تابستان و زمستان زاویه انحراف بین ماه و خورشید به حداکثر خود می رسد و از این رو، نیروی کمتری نتیجه می شود که این امر تولید جزر و مد حداکثر معمولی را می نماید.

۴ - مدار اجرام آسمانی: ماه در یک مدار بیضوی به دور زمین می چرخد و از این رو بعضی مواقع وقتی ماه نزدیکترین فاصله (در

از تغییرات بر نیروهای جزر و مد تأثیر می‌کنند.

در شکل ۵ مدار بیضوی گردش ماه و زمین دارای خط‌اوج و حضیض می‌باشد که توسط محور اصلی تشکیل شده است. این خطوط می‌چرخند، بدین صورت که خط اوج و حضیض زمین بسیار کند حرکت می‌کند اما خط اوج و حضیض ماه در دوره‌ای حدود ۸/۸ سال می‌چرخد. صفحات این دو مدار گردش در خطی که خط‌گره (Nodes) نامیده می‌شود و در دوره‌ای حدود ۱۸/۶ سال می‌چرخد یکدیگر را قطع می‌کنند بعلاوه آنچنانکه در شکل ۶ نشان داده شده است بعد از فاصله زمانی حدود ۱۰۶۰۰ سال موقعیت این اجرام آسمانی به صورت: زمین در حضیض، ماه در حضیض و ماه و خورشید در اقتران یا در جهت مخالف یکدیگر خواهند بود و این شرایطی است که در آن نیروی جزر و مد حداکثر مطلق پتانسیل خود را خواهد داشت. زمان وقوع این چنین حداکثرهای مطلق محاسبه گردیده است بدین صورت که در سال ۳۵۰۰ قبل از میلاد، ۱۹۰۰ قبل از میلاد، ۲۵۰ قبل از میلاد، ۱۴۳۳ بعد از میلاد و بعدی آن در آینده در سال ۳۳۰۰ میلادی خواهد بود.

انواع جزر و مد:

جزر و مد نشان دهنده برخورد متضاد نیروهای کیهانی است که جداگانه به طور متعادل بر آب دریا تأثیر می‌گذارند. ویژگیهای جزر و مد در فواصل کوتاه جغرافیایی به طور زیادی تغییر می‌کند. جزر و مد پدیده ساده‌ای آنچنانکه ریاضیدانها محاسبه می‌کنند نبوده و هم‌چنین پدیده‌ای نیست که تحت تأثیر عرض جغرافیایی محل باشد، زیرا شدت آن به عرض جغرافیایی بستگی ندارد. مثلاً " سنت جونز (نیوفونلند) و برست (فرانسه) با وجود اینکه روی یک عرض جغرافیایی هستند دارای ارتفاع جزر و مد متفاوتی می‌باشند، بدین صورت که ارتفاع مد در نیوفونلند $1\frac{1}{4}$ تا $3\frac{1}{4}$

فوت می‌باشد در حالیکه در برست حدود ۱۵ فوت است. مثال مشخص دیگری از عدم تأثیر کامل طول و عرض جغرافیایی بر جزر و مد در دو طرف کانال پاناما قابل مشاهده است.

بعدها معلوم شد که شکل ناهموار کف کانال همراه با عمق‌های مختلف آن و تأثیر نیروی اصطکاک در دو طرف کانال سبب می‌شود که جزر و مد فوراً " مشاهده نشود اما مقدارش با تغییرات موقعیت ماه و خورشید و زمین برابر می‌باشد.

واکنش توده آب در برابر نیروهای تولید کننده جزر و مد حاصله از خورشید و ماه، از چرخش و زاویه میل خورشید و ماه که تعیین کننده ویژگیها و نوع جزر و مد می‌باشد تأثیر می‌پذیرد. نیروی حاصله از چرخش، پدید آورنده نیروهای نیمه شبانه روزی است که در یک سیکل کامل در نصف روز عمل می‌کنند، در حالیکه انحراف زاویه سبب ایجاد نیروهای شبانه روزی در یک سیکل کامل طی یک روز می‌شود که جزر و مد روزانه را سبب می‌گردند.

بنابراین انواع اصلی جزر و مد در شکل ۷ به قرار زیر نشان داده شده است:

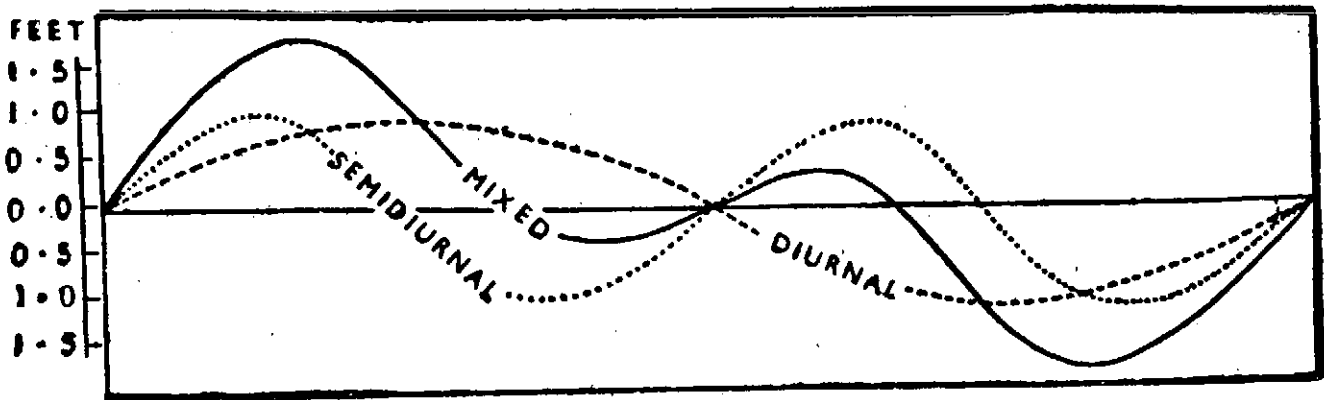
۱- جزر و مد نیم‌شبانه‌روزی (*Semi-diurnal tides*) هر $12\frac{1}{4}$ ساعت تکرار می‌شود.

۲- جزر و مد شبانه‌روزی (*Diurnal tides*) هر $24\frac{3}{4}$ ساعت تکرار می‌شود.

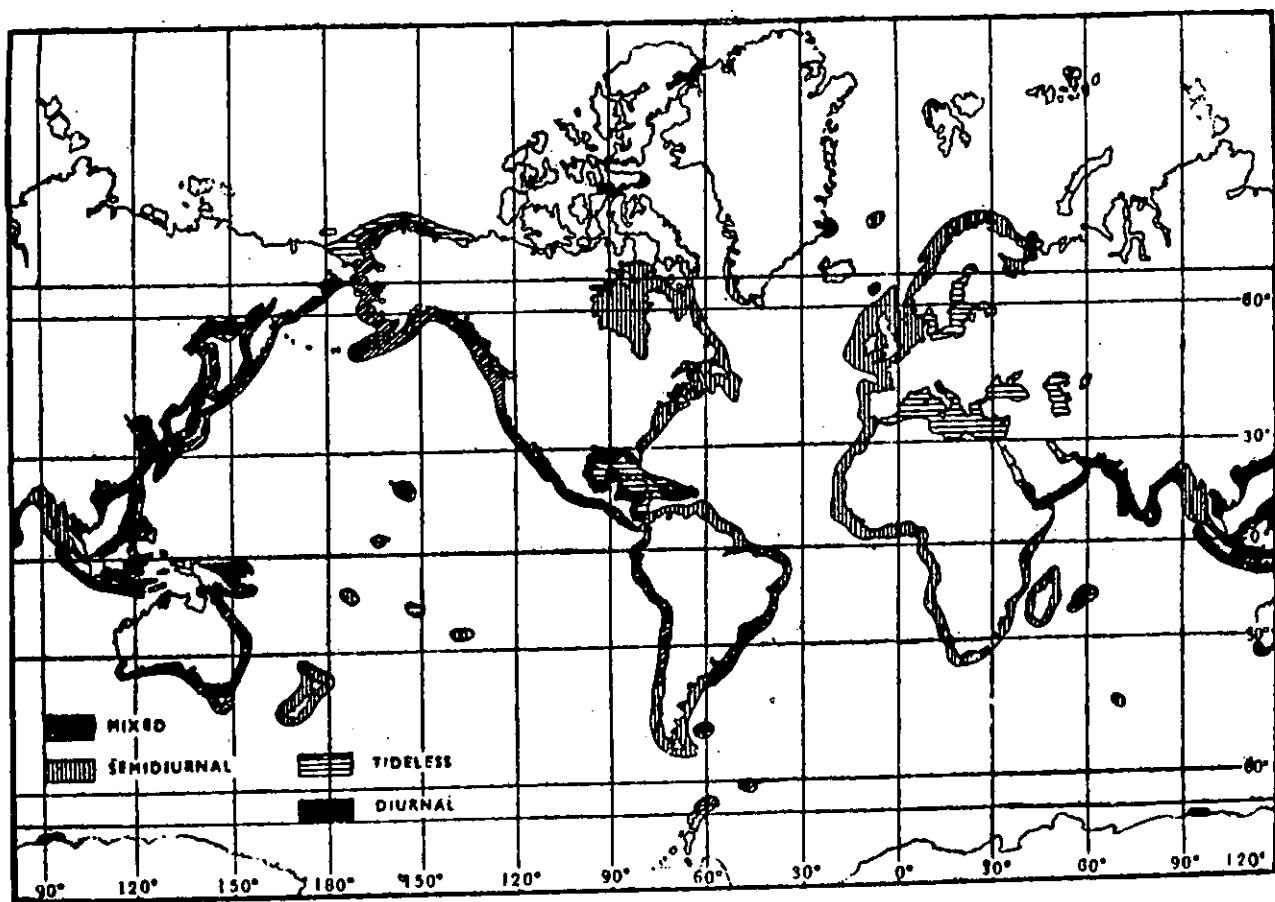
۳- جزر و مد ربع‌شبانه‌روزی (*Quarter-diurnal tides*) بسیار استثنائی.

۴- مهکشند یا جزر و مد حداکثر (*Spring tides*) هر دو هفته یک بار تکرار می‌گردد و به گردش و زاویه میل ماه بستگی دارد.

۵- کهکشند یا جزر و مد حداقل (*Neap tides*) هر دو هفته یکبار تکرار گردیده و به گردش و زاویه میل ماه بستگی دارد.



شکل ۷- انواع جزر و مد.



شکل ۸ - انواع جزر و مد در روی نقشه جهان .

یادداشتها

- ۱ - زکریا ابن محمد بن خوارزم دانشمند ایرانی است که در کتاب از او به عنوان دانشمند عرب یاد شده است . م .
- ۲ - آب در اثر جزر و مد به شکل بیضی درمی آید و هر یک از این اجرام (خورشید و ماه) آب را در اطراف زمین به شکل بیضی که مربوط به خودشان است درمی آورند . م .

۶ - جزر و مد ماهانه که مربوط به گردش و موقعیت ماه در اوج و حضیض است .

۷ - مهکشند اعتدالینی (*Equinocital spring*) که به فاصله هر شش ماه یک بار تکرار می شود و در رابطه با گردش زمین به دور خورشید و تغییرات زاویه میل خورشید می باشد .

۸ - جزر و مد سالانه - که در رابطه با گردش زمین و موقعیت آن در اوج حضیض است .



جزر و مد

از کتاب : اقیانوس شناسی برای جغرافیدانها .
 (*Oceanography for Geographers*)
 تألیف : ر . س . شارما و م . واتال

گرسنگی

ترجمه : سوری چوبک

نویسنده : فرانس مورلاپه و ژوزف کولینز

نشردهای از کتاب " نخست غذا "

عدم کنترل منابع تولید بوسیله توده مردم عامل خنثی کننده توسعه و تکامل آنها می باشد. در اکثر کشورهایی که مشکل گرسنگی وجود دارد بیشتر زمینها درید کنترل مالکین عمده است. بررسیهای انجام شده در ۸۲ کشور جهان نشان می دهد مالکینی که دارای زمینهای به مساحت ۱۲۰ جریب - که اندکی بیش از سه درصد کل زمینهای موجود است - تقریباً ۸۰ درصد از کلیه زمینهای مزروعی را کنترل و در تصاحب خود دارند. معهذ این دسته از مالکین بزرگ در مقایسه با زارعین کوچک به طور ثابت محصول کمتری از زمینهای خود برداشت می نمایند.

علاوه بر این زارعین کوچکی که در کشورهای جهان سوم زندگی می نمایند علی رغم توانائی شان میزان محصولاتشان چندان چشمگیر نیست. نبودن تسهیلاتی از قبیل برخورداری از وامهای منصفانه، عدم دسترسی به وسائل و تجهیزات فنی مدرن، بازار فروش، آب و انواع مختلف کودهای شیمیائی که کلاً در انحصار مالکین بزرگ و بانفوذ قرار دارد بر کیفیت و کمیت تولیدات زارعین کوچک اثر می گذارد.

در کشورهایی که مردم آن دچار گرسنگی هستند نه تنها از زمین استفاده کمی می شود بلکه نحوه استفاده از آن هم صحیح نیست. وقتی اکثریت مردم برای تأمین نیازهایی که در بازار برآورده می شود قدرت مالی و پول کافی نداشته باشند، در این صورت منابع تولید کننده مواد غذایی در خدمت آن دسته از طبقات محلی بکار می رود که از نظر اقتصادی و اجتماعی از امکانات بهتری برخوردار بوده و یا بازارهای متقاضی در خارج از کشور که پول و تقاضای بیشتری برای مواد عرضه شده دارند. در نتیجه بر میزان محصولات صادراتی افزوده می گردد و محصولات غذایی اولیه مورد بی توجهی قرار می گیرند. در امریکای مرکزی و جزایر کارائیب تقریباً ۷۰ درصد از کودکان دچار سوء تغذیه می باشند در حالیکه نیمی از زمینهای کشاورزی این مناطق که اغلب اوقات مرغوبترین زمینهاست جهت محصولات صادراتی مورد بهره برداری قرار می گیرند.

در خلال سالهای دهه هفتاد و در بحبوحه قحطی و خشکسالی همه جا گسترده، به طور عینی میزان برخی از محصولات کشاورزی

توهم گرسنگی همچون شبحی سمج در اندیشه ملل جهان پرسه میزند. معهذ، دو تن از متخصصین برجسته اقتصاد کشاورزی عقیده دارند که هر یک از کشورهای جهان می توانند از نظر مواد غذایی اولیه خودکفا باشند. دو متخصص نامبرده در کتاب شگفت انگیزی که تحت عنوان " نخست غذا " انتشار داده و در سطح بین المللی توجه عموم را بخود جلب نموده است، به چهار افسانه رایج در مورد نزاع به خاطر احتیاج، خط بطلان کشیده اند:

افسانه اول: به علت کمبود مواد غذایی و فزونی گرفتن جمعیت جهان بر منابع محدود مواد غذایی افراد با گرسنگی و بالاخره قحطی دست به گریبان می شوند.

با توجه به بحران مواد غذایی اوائل دهه هفتاد، چگونه می توان کم یابی و کمبود مواد غذایی را به عنوان عامل واقعی و جدی گرسنگی برشمرد، در حالیکه حتی در آن سالهای بحرانی گندم موجود به تنهایی برای تأمین ۳۰۰۰ کالری در روز و پروتئین فراوان برای هر فرد کفایت می نمود.

گرچه این گونه برآوردهای جهانی از اهمیت چندانی برخوردار نمی باشد ولی استثنائاً می تواند برای انکار عقایدی از قبیل پایان یافتن منابع زمینی مورد استفاده قرار گیرند. آنچه درخور توجه است وجود و تمرکز منابع کافی تولید کننده مواد غذایی در مناطقی است که افراد ساکن آن بیشتر از مناطق دیگر از گرسنگی رنج می برند.

این یک واقعیت بدیهی است. از راههای سنجش این حقیقت، بررسی شکاف موجود بین میزان تولیدات فعلی و حداکثر تولید ممکنه است. در حال حاضر، تقریباً فقط ۴۴ درصد از کل زمینهای قابل کشت جهان مورد بهره برداری قرار گرفته اند. محصول گندم کشورهای توسعه نیافته کمتر از نصف محصولی است که در کشورهای صنعتی برداشت می شود. اکثر زمینهایی که در حال حاضر فقط سالی یکبار درو می شوند می توانند سالانه دو و یا حتی به دفعات بیشتر محصول دهند. در اغلب موارد، موانع و اشکالاتی که سد راه تولید بیشتر می گردند بیش از آنکه جنبه فیزیکی داشته باشند دارای ماهیت اجتماعی هستند.



هرگاه کشاورزی به سرمایه‌گذاری در معاملات زمین به منظور تشدید سودآزمایی تبدیل شود، رقابت بر سر زمین باعث ترقی قیمت آن می‌شود. اجاره بهای زیاد زارعین مستأجر را وادار به ترک زمین و پیوستن به جرگه روستائیان فاقد زمین می‌نماید که در حال حاضر اکثریت جمعیت روستائین کشورهای مختلف را تشکیل می‌دهند. مالکین قدرتمند بواسطه منافع روزافزون خود زمینهای زارعین خود را خریداری و تصاحب می‌نمایند. از طرف دیگر، به منظور اجتناب از مشکلات کارگری فعالیت‌های کشاورزی را با استفاده از اپراتورهای شرکتهای بزرگ تجاری مکانیزه می‌نمایند.

در اغلب موارد، خودداری از تولید مواد غذایی به منزله محرومیت از مصرف مواد غذایی است. یک کارگر روزمزد کشاورزی در بیهار هند اظهار داشت: «چنانچه فردی مالک قطعه زمینی نباشد، مزدی که دریافت می‌کند هرگز کفاف خورد و خوراک او را نخواهد داد، حتی اگر زمینی که روی آن کار می‌کند محصول خوبی داشته باشد.»

این نظریه صرفاً جنبه تئوری ندارد. بررسیهای مستند در اقصی نقاط دنیا ثابت می‌نماید که علی‌رغم افزایش تولید مواد غذایی جهت هر فرد، جمعیت مناطق روستائی سیرقهقرائی داشته و گرسنگی نیز فزونی یافته است. معیذا بایستی اذعان نمود افرادی که منابع تولیدیشان را راساً کنترل می‌نمایند قادر خواهند بود به ابتکار و عرق جبین خود نه تنها مواد غذایی مورد نیازشان را تأمین نمایند بلکه خواهند توانست بر میزان بازدهی آن منابع هم بیافزایند.

انرژی بشری قادر است اراضی لم یزرع را به زمینهای مزروعی تبدیل نماید مشروط بر آنکه این انرژی به طور صحیح برانگیخته شده و سازمان یابد.

افسانه سوم: جهت نیل به پیشرفت و توسعه، بهترین روش و تنها مایه امید کشورهای توسعه نیافته آن است که به صدور محصولات اقدام نمایند که به طور طبیعی با فایده و مقرون به صرفه

از کشورهایی به امریکا صادر می‌شد که دچار همان کمبود فرضی مواد غذایی هستند.

از طرف دیگر، چنانچه «کثرت جمعیت» باعث وعامل گرسنگی می‌بود، در این صورت می‌بایستی تعداد افراد گرسنه کشورهایی که تراکم جمعیتشان زیاد است بیشتر باشد. در حالیکه ما یک چنین ارتباط و پیوستگی دو جانبه‌ای را مشاهده نمی‌نمائیم.

مثلاً در کشور چین، تعداد افرادی که در هر جریب زمین کشت شده زندگی می‌کنند ۵۰ درصد بیش از تعداد نفراتی است که در هندوستان زندگی می‌نمایند. در عین حال امروزه کسی در چین با گرسنگی و یا قحطی دست بگریبان نمی‌باشد.

تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف ما را بر این عقیده راسخ‌تر نمود که حقیقتاً «در هیچ کشوری، حتی در بدترین مناطق مانند بنگلادش، مسئله ناکفایتی منابع کشاورزی برای تغذیه جمعیت ساکن آن منطقه واقعیت ندارد.»

نه تعداد جمعیت امروزه جهان و نه میزان رشد کنونی جمعیت علل اصلی و واقعی گرسنگی نمی‌باشند. معیذا بایستی توجه نمود که چنانچه جمعیت دنیا با روند کنونی ادامه یابد بدیهی است که رفاه و آسایش بشر در آینده به مخاطره خواهد افتاد.

افسانه دوم: برای برطرف ساختن مشکل گرسنگی بایستی مواد غذایی بیشتری تولید نمود.

حداقل مدت سی سال است که دولتها، سازمانهای بین‌المللی و شرکتهای چند ملیتی از طریق «مدرنیزه کردن» - آبیاری به میزان وسیع، کودهای شیمیائی، سموم آفات نباتی، ماشین آلات و بذرهای پربار - به ترویج کشاورزی اقدام و تولید محصولات را افزایش داده‌اند. ولی هنگامی که یک تکنولوژی جدید کشاورزی در سیستمی مورد استفاده قرار می‌گیرد که تمامی خصوصیات غیرعادلانه را دارا می‌باشد، این تکنولوژی فقط به حال افرادی نافع خواهد بود که قبلاً هم از یک سری مزایا مثل زمین، پول، اعتبار و نفوذ سیاسی بهره‌مند بوده‌اند.

بوده و سپس عواید حاصله را صرف وارد نمودن مواد غذایی و کالاهای صنعتی بنمایند.

تمرکز بر محصولات معدودی که اکثراً از نظر غذایی و تغذیه ارزش کمی دارند نه تنها طبیعی نیست بلکه با مرور زمان هم چندان مفید و مقرون به صرفه نمی باشد. قطعه زمین معینی که جهت کشت چای، کاکائو و نیشکر مورد استفاده قرار می گیرد می تواند برای یک سری محصولات غذایی متنوع دیگر نیز مورد بهره برداری واقع شود. از طرف دیگر، افرادی که از عواید صادرات کشاورزی نفع می برند همان افرادی نیستند که برای تولید محصولات مذکور زحمت می کنند. حتی زمانی که قسمتی از ارزشهای خارجی بدست آمده جهت وارد نمودن مواد غذایی مصرف می شود، معمولاً این واردات مواد غذایی اولیه مورد نیاز توده مردم نمی باشد بلکه محصولاتی است که برای فروش به طبقات متمکن و مرفه عرضه می شود.

برای نمونه اکثر زمینهای موجود در سنگال برای کشت بادام زمینی و صدور آن به اروپا مورد استفاده قرار می گیرند. بخشی از ارزش خارجی حاصله جهت وارد نمودن گندم که در کارخانه های آرد سازی به نان، فرانسوی، تبدیل و به مصرف شهرنشینان می رسد پرداخت می شود.

در حقیقت همین موفقیت کشاورزی متمرکز بر محصولات صادراتی است که می تواند باعث تضعیف و فقر بیشتر روستائیان بی بضاعت شود. به ندرت اتفاق می افتد که افزایش قیمت یک کالا در جهان برای کارگرانی که در مزارع کار می کنند و یا زارعینی که آن محصول را تولید می نمایند سود و منفعتی در بر داشته باشد.

چند سال پیش با وجود افزایش قابل توجه قیمت شکر در بازارهای جهانی که به نوبه خود به افزایش تورم دستمزدها کمک نمود، در کشور دومینیکن دستمزد واقعی کارگران مزارع نیشکر عملاً کاهش یافت.

از طرفی دولتها همیشه تمایل دارند هر گونه جنبش و اصلاحات کارگری را متوقف و سرکوب نمایند زیرا معتقدند این جنبشها به از بین رفتن رقابت برای محصولات صادراتی آنها منجر می شود.

در برخی از کشورها مثل فیلیپین، زمینهای تولید کننده مواد غذایی صادراتی از اصلاحات ارضی معاف و مستثنی هستند، از این طریق روستائیان فاقد زمین را در فقر و فلاکت نگاهداشته و تولید مواد غذایی را کاهش می دهند زیرا کشت کاران به منظور احتراز از تفکیک و تقسیم مجدد اراضی از تولید محصولات صادراتی طفره می روند.

برعکس، اتخاذ خط مشی هائی جهت رسیدن به خودکفائی و عدم اتکاء به منابع غذایی خارجی می تواند از نقطه نظر رفاه عامه مردم و نه از بابت درآمد صادراتی، نتایج موفقیت آمیز به بار آورد. بدین ترتیب تجارت به صورت شاخه اساسی منشعب از مراحل مختلف توسعه عمل خواهد نمود، نه آن پایه چوبی شکننده که بقای

حتمی افراد به آن متکی باشد.

افسانه چهارم: گرسنگی معلول جدال رقابت آمیز بین جهان غنی و جهان فقیر است.

در این سناریو، گرسنگی به صورت خطری جلوه گر می شود که اکثریت مردم کشورهای فقیر را تهدید می نماید. ولی حقیقت امر این است که چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای توسعه نیافته گرسنگی بر طبقات فقیر جامعه نازل می گردد.

تمرکز فزاینده کنترل بر زمین و سایر منابع تولید کننده مواد غذایی در هر دو جهان بی وقفه ادامه دارد. برای نمونه، در ایالات متحده امریکا بیش از نیمی از زمینهای مزروعی در کنترل تعداد انگشت شماری از زمین داران است که تقریباً ۵/۵ درصد کل زمینها را تشکیل می دهند. در فعالیتهای تولید مواد غذایی، چهار شرکت درجه یک به طور متوسط بیش از نیمی از بازارهای مربوط به هر یک از مواد غذایی معین را کنترل می نمایند. عدم وجود رقابت با افزایش بهاء، تورم قیمت مواد غذایی و بالاخره کمبود تغذیه اکثریت افراد جامعه منجر گردیده است.

در حال حاضر تعداد زیادی از این شرکتها مواد غذایی با محول نمودن تولید برخی از اقلام پرخرج مانند سبزیجات، میوه، گل و گیاه و گوشت به کشورهای توسعه نیافته که هزینه های کارگری به اندازه ۱۰ درصد هزینه کارگری در ایالات متحده می باشد در این قبیل مخارج صرفه جوئی می نمایند. از نظر مشارکت هم این شرکتها با استقبال بی نظیر تولید کنندگان محلی روبرو می شوند زیرا تولید کنندگان مذکور به علت همان فقر فرضی روزافزون اکثریت جمعیت بومی با بازارهای کساد داخلی مواجه و دست بگریبان هستند.

به این ترتیب، مشغله دائمی شرکتهای چند ملیتی کشاورزی - تجاری ایجاد یک "مزرعه جهانی" برای خدمت به یک "سوپر مارکت جهانی" می باشد.

در این بازار بزرگ فقیرترین افراد برای تأمین نیازمندیهای غذایی خود بایستی در همان صفی قرار گیرند که صدها میلیون نفر مصرف کننده در جهان به نوبت ایستاده اند و مجبور به پرداخت همان قیمتی هستند که با توجه به میل و رضای مشتریان متمکن تعیین شده است. در نتیجه مصرف کنندگانی که در کشورهای صنعتی بسر می برند بی آنکه تعمدی داشته باشند به صورت نیروی مکنده ای که منابع غذایی کشورهای توسعه نیافته را از شکل مورد نیاز محلی خارج می کنند عمل می نمایند.

این "سوپر مارکت جهانی" ایجاد کننده نوعی وابستگی افراد به یکدیگر می باشد بدون آنکه فردی به این وابستگی نیاز داشته باشد.

در جهانی که نابرابری قدرت به افراطی ترین شکل قابل تصور وجود دارد، این وابستگی پرده استتاری است برای غصب منابع غذایی متعلق به اکثریت بوسیله اقلیت.

معرفی کتب چاپی

جغرافیائی دوران قاجار*

جواد - صفی نژاد

قسمت ششم

امید میرزا حسین خان

جغرافیای امید، از تکالیف سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی ایران، دوره چهارم، طبع اول، اصفهان، ۱۳۴۲ق.، ۱۳۰۳ش. مطابق پروگرام وزارت جلیله معارف، مقدمات جغرافی و اصطلاحات آن، جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی ایران، جغرافیای طبیعی و سیاسی پنج قطعه، اندازه ۲۶×۲۵ سانتیمتر، سنگی، نستعلیق، دو ستونی، ۷۰ص. (پایان چاپ کتاب ۲۵ محرم ۱۳۴۳ق.)، چاپ مطبعه گلپهار، قیمت چهار قران و دهشاهی.

مهندس السلطان

اصول جغرافیای عالم موسوم به فرهنگ مظفری، مخصوص کلاس پنجم و ششم مطابق پروگرام رسمی وزارت جلیله معارف به سبک جدید، چاپ چهارم، سنگی، نستعلیق، نقشه دار. اندازه ۲۷×۲۵/۵ سانتیمتر، دو ستونی، ۵۲ صفحه، طبع مطبعه علمیه، طهران، صفر ۱۳۴۲ق.، تحریر مرتضی الحسینی برغانی، محل فروش: طهران، کتابخانه مظفریه.

میرزا حسین خان امید، رئیس معارف و اوقاف اصفهان بوده، وی به اتفاق جمعی از معارف خواهان اصفهان برای مستغنی نمودن کتب کلاسیک معارف اصفهان و تهیه آن به ارزان ترین قیمت اولین گام را که عبارت از تألیف کتاب مذکور باشد برداشته تقدیم مدارس می نمایند. کتاب شامل سه قسمت به شرح زیر است:

قسمت اول: مقدمات، تعریف، تقسیمات، هیأت، منظومه شمسی، جهات، دوابر موهومه (مدارات و نصف النهارات)، مناطق خمسه، کره و نقشه جات، اصطلاحات جغرافیائی، تقسیمات عمده سطح زمین، اقیانوسها، خشکیها، آب و هوا و مذاهب. ص ۱۳-۲
قسمت دوم: ایران، جغرافیای تاریخی، جغرافیای طبیعی، اسامی کوههای مهم در جدول با ذکر ارتفاع از سطح دریا، شطوط، بحیرات، کویرها، جغرافیای سیاسی، ایالات عمده ایران، تقسیم ایالات و ولایات با شرح کوتاه و هرفنی قصبات. حکومت نشینهای ایران، جغرافیای اقتصادی ثروتی، تجارت، نقشه مملکت ایران. ص ۴۱-۱۳
قسمت سوم: جغرافیای طبیعی و سیاسی پنج قطعه عالم به اختصار همراه با نقشه قارهها. ص ۷۰-۴۲

آقای مهندس السلطان معلم جغرافیا و ریاضی در سال ۱۳۴۲ق. (۱۳۰۲ش.) چاپ چهارم کتاب خود را منتشر می سازد (روی - جلد چاپ پنجم، داخل کتاب چاپ چهارم صفر ۱۳۴۲) و ظاهراً از سال ۱۳۳۸ق. به چاپ جغرافیای (فرهنگ مظفری) مبادرت ورزیده است. وی در سال ۱۳۴۶ق. (۱۳۰۷ش.) در چاپ هفتم کتاب خود تجدید نظر نموده و آن را خلاصه می نماید که شرحش خواهد آمد.

کتاب مذکور شامل دو قسمت است، قسمت اول شامل کلیات جغرافیائی، جغرافیای طبیعی، سیاسی و اقتصادی است که اصطلاحات هر قسمت جداگانه مشخص (ص ۲-۱۶) سپس به بیان اطلاعات کلی و شناختی قاره های پنج گانه و کشورهای مربوط به هر قاره پرداخته و تا پایان کتاب صفحه ۵۲ ادامه می یابد.

اطلاعات مربوط به کشور ایران از صفحه ۲۶ آغاز و تا صفحه ۳۹ ادامه می یابد، در صفحات مذکور مختصری از اطلاعات طبیعی، سیاسی و اقتصادی ایران بدست داده و سه نقشه از ایران نیز در صفحات مذکور مشاهده می گردد.

❁ لازم به تذکر است که آخرین مقاله از این بحث است و دوره بعد از انقراض قاجار را نیز شامل می شود.

جغرافیای جدید فرهنگ (مظفری) ، مخصوص کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدائی ، مطابق پرگرام رسمی وزارت جلیله معارف ، اولین جغرافیائی که بر طبق تقسیمات بعد از جنگ نوشته شده ، چاپ هفتم ، سربی ، مصور و نقشه‌دار ، اندازه ۲۷×۲۱ سانتیمتر ، دو ستونی ، ۳۳ ص . چاپ مطبعه خاور ، لاله‌زار ، تهران ، ۱۳۰۷ ش . محل فروش : کتابخانه علمیه مظفری .

* کتاب مذکور شامل سه قسمت است :

مقدمه و تعاریف و اصطلاحات جغرافیائی . ص ۸ - ۲
جغرافیای طبیعی و سیاهی قاره‌های پنج‌گانه . ص ۲۶ - ۸
جغرافیای ایران . ص ۲۳ - ۲۷
در پایان دارای نقشه‌ای است سیاسی از ایران که در سال ۱۳۰۴ ش . توسط « رضا مهندس » به دستور اداره تفتیش وزارت معارف ترسیم گردیده است .

میرزا سید باقرخان

اصول جغرافیای جدید عالم ، جهت کلاس سوم و چهارم مدارس ابتدائی ایران ، مطابق آخرین پرگرام وزارت جلیله معارف . چاپ بیستم ، ۱۳۰۷ ش . سنگی ، نستعلیق ، دو ستونی ، نقشه‌دار ، بیاضی ، اندازه ۲۵/۵×۱۶/۵ سانتیمتر ، ۴۰ ص . خط قوام الکتاب ، حق طبع محفوظ و مخصوص کتابخانه نهضت شرق ، تهران .
کتاب مذکور که تا سال ۱۳۰۷ ش . (۱۳۴۶ ق .) بیست بار به چاپ رسیده است ظاهراً " در سال ۱۳۲۶ ق . اولین چاپ آن منتشر گردیده است و ظاهراً " سه بار تجدید نظر کلی در آن شده چون در چاپ مذکور نوشته شده (دوره سیم) ، در سال ۱۲۹۹ ش . (۱۳۲۹ ق .) اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه کتاب نامبرده را متناسب با برنامه جدید تشخیص داده و دستور تدریس آن را در کلاس‌های ذکور و انات مجاز اعلان می‌دارد .
میرزا سید باقرخان معلم علوم ریاضی و جغرافیا بوده و پس از جنگ بین الملل اول تغییراتی در کتاب خود داده است .

* کتاب شامل سه قسمت است در آغاز تحت عنوان مقدمات اصلیه شناخت و حرکات زمین ، اصطلاحات جغرافیائی همراه با تصویر در مورد ایران و مناطق خمه گفتگو می‌کند . ص ۱۳ - ۲
مطالب مربوط به ایران از صفحه ۱۲ آغاز می‌گردد ، جغرافیای طبیعی ، تقسیمات ایران ، ایالات ، ولایات و حکومت نشین‌های ایران ذکر نموده و به صفحه ۱۸ خاتمه می‌یابد . از صفحه ۱۹ شرح قطعات پنج‌گانه آغاز شده و تا پایان کتاب همراه با نقشه ادامه می‌یابد .

منترجم همایون

جغرافیای رهنما ، جلد چهارم ، مخصوص کلاس‌های پنجم و ششم مدارس ابتدائی ایران ، موافق پرگرام جدید وزارت جلیله معارف ،

چاپ چهاردهم ، سنگی ، مصور ، نقشه‌دار ، اندازه ۲۷×۲۱ سانتیمتر ، ۴۶ صفحه ، به انضمام نقشه رنگی ایران ، نوشته حسین میرخانی ، ۱۳۴۸ ق . (۱۳۰۸ ش .) چاپ مطبعه سعادت و اخوان کتابچی . حق طبع مخصوص شرکت مطبوعات .
در طبع مذکور تجدید نظر و تصرفات لازمه در رابطه با وقایع بعد از جنگ به عمل آمده ، آقای مهندس عبدالرزاق بغایری تقریظی بر آن نوشته است .

* کتاب مذکور دارای تقسیم بندی زیر می‌باشد :

مقدمات جغرافی ، اصطلاحات جغرافی ، جغرافیای اقتصادی و طبیعی و سیاسی پنج قطعه عالم ، جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی ایران . قسمت سوم که مربوط به جغرافیای ایران است از صفحه ۳۰ تا ۴۶ ادامه می‌یابد که ضمن معرفی جغرافیای طبیعی ایران به بیان مختصر ایالات و ولایات پرداخته و در پایان مختصری درباره ایلات معتبر ایران بیان داشته است . کلیه مطالب کتاب از آغاز تا پایان در ۱۸۲ موضوع طبقه بندی شده است .

گل کلاب حسین

* مجموعه امیر ، دوره جغرافیا ، جلد سوم ، آسیا ، ایران و اقیانوسیه ، برای سال سوم متوسطه ، چاپ دوم ، با تجدید نظر ، فروردین ۱۳۰۸ (ش .) ، تهران ، ناصریه ، کتابخانه علمی ، رقی ، ۳۲۳ ص .
کتاب دارای سه قسمت به شرح زیر است :
قسمت اول ، آسیا : وضع طبیعی ، جمعیت ، تقسیمات سیاسی کشورهای مختلف . ص ۱
قسمت دوم ، ایران : ۱ - کلیات اوضاع طبیعی . ص ۱۶۰
۲ - جغرافیای سیاسی ایران (ایالات ، ولایات و شهرها) ص ۱۹۳
قسمت سوم ، اقیانوسیه : وضع طبیعی ، شناخت مناطق مختلف . ص ۲۸۶
(چاپ ۱۳۱۴ کتاب مذکور را نگارنده با مشخصات زیر در اختیار - دارد :)

مجموعه امیر ، دوره جغرافیا ، جلد سوم ، آسیا و ایران ، برای سال سوم دبیرستانها ، (بر طبق پرگرام ۱۳۱۰ وزارت جلیله معارف) ، طبع پنجم با تجدید نظر ، (۱۳۱۴ ش .) ، اندازه ۲۱×۱۴ سانتیمتر ، ۲۱۰ ص . سربی ، تهران ، شرکت مطبوعات ، محل فروش : خیابان ناصریه ، شرکت مطبوعات ، مطبعه اقبال و علمی .
قسمت اول : آسیا (کلیاتی درباره شناخت ممالک مربوط) . ص ۱۲۰ - ۲
قسمت دوم : ایران (شناخت طبیعی و جغرافیای سیاسی ایران) . ص ۲۱۰ - ۱۲۱

* قاعده تبدیل سالهای میلادی به هجری نیز گفتگو می‌نماید .
در فصل چهارم از تعداد وزارتخانه‌ها ، ادارات ، خطوط تلگرافهای عمده ایران را مورد بحث قرار می‌دهد .

کتاب سوم در خصوص ولایات و ایالات ایران گفتگو می نماید که از ص ۱۷۱ آغاز می گردد، توضیح تفصیلی هر یک از ولایات و ایالات، شهر حاکم نشین، شناخت جغرافیائی، سوابق تاریخی، آثار تاریخی، جمعیت، محلات، بازار، اماکن، شرحی درباره هر یک از بلوکات اطراف و اطلاعاتی از این قبیل.

(کتاب مذکور از یازده ولایت بزرگ و ۱۴ ولایت متوسط در صفحه ۱۷۲ و ۱۷۳ با ذکر شهر حاکم نشین آنها نام برده است، کتاب مورد استفاده نگارنده از ولایات طهران، آذربایجان، خراسان و سیستان، فارس، اصفهان و کرمان نام برده که به صفحه ۲۶۴ ختم می گردد. و متأسفانه بقیه آن ناقص است) .

*

گل گلاب حسین : (معلم طبیعیات و جغرافیای مدرسه مبارکه دارالفنون) .

مجموعه امیر، دوره جغرافیا، جلد دوم، کلیات جغرافیا، اروپا، آفریقا، اقیانوسیه، برای سال دوم مدارس متوسطه، چاپ پنجم، مطابق آخرین پروگرام مصوبه شورای عالی معارف، ۱۳۱۲ (ش. ۰)، تهران، ناصریه، شرکت مطبوعات، رقمی، ۱۹۰ ص.، چاپخانه اتحادیه. قسنت اول اروپا :

جغرافیای عمومی، موقع، مساحت، شکل، آب و هوا، رودها، سواحل و جزایر، ناحیه مرتفع کوهستانی، جدول نام ممالک، نوع حکومت، مساحت بر حسب کیلومتر، جمعیت ۳۳ کشور اروپائی (ص ۲۷ - ۲) .

ممالک اروپا، اوضاع طبیعی، سیاسی کشورهای مختلف اروپا به تفکیک اروپای شمال غربی، شمالی، شرقی، غربی و مرکزی و جنوبی (ص ۱۴۶ - ۲۸) . قسمت دوم آفریقا :

جغرافیای عمومی، شناخت وضع طبیعی، تقسیمات سیاسی، جمعیت، وضع زندگی بعضی از قبایل آفریقائی ممالک آفریقا، ممالک مغرب، آفریقای شرقی، آفریقای استوائی، آفریقای جنوبی، ماداگاسکار (ص ۱۹۰ - ۱۴۶) .

(ممکن است کتاب ناقص باشد چون از اقیانوسیه اطلاعی بدست نمی دهد و به صفحه ۱۹۰ بدون ذکر پایان و رسوم متداوله پایان می پذیرد) .

*

در قسمت مربوط به ایران که ۹۰ صفحه از کتاب را شامل می شود، مطالب زیر را دربر دارد :

اول : کلیات اوضاع طبیعی، موقع نجومی (ص ۱۲۱)، سواحل و سرحدات (ص ۱۲۲)، کوهها (ص ۱۲۴)، آب و هوا (ص ۱۳۱)، رودها (ص ۱۳۳)، صیب (حوضه آبریز) دریاچه ارومیه، خلیج فارس، هامون سیستان (ص ۱۳۵)، جزایر ایران (ص ۱۴۰) . دوم، جغرافیای سیاسی ایران : سکنه، نژاد، مذهب، طوایف

بادیه نشین^۳ (ص ۱۴۳)، ایالات و ولایات ایران (ص ۱۴۷) که شناخت طبیعی، سیاسی، اقتصادی شهرها و قصبات ایالات و ولایات را شامل می شود. (هر قسمت دارای توضیحاتی است که جغرافیای تاریخی و تاریخ منطقه را ریشه یابی می نماید) .

سوم : جغرافیای ثروتی ایران (ص ۱۸۸)، فلاحات (ص ۱۸۸)، صنعت (ص ۱۹۶)، تجارت (ص ۱۹۹)، جدول احصایه تجاری ایران، واردات (ص ۲۰۸)، صادرات (ص ۲۰۹)، ممالکی که با ایران تجارت می کنند (ص ۲۱۰) .

*

وزارت معارف

جغرافیای پنج قطعه، برای تدریس در سال پنجم ابتدائی.

جغرافیای ایران، برای تدریس در سال ششم ابتدائی.

از طرف وزارت معارف تألیف و نشر شده، طهران، ۱۳۰۹ ش.، مطبوعه مجلس، چاپ چهارم، ۱۳۱۴. بیاضی، دوستونی، ۲۱×۲۵ سانتیمتر چاپ سربی، ۱۴۸ ص.، شرکت محدود طبع کتاب.

*

در تیر ماه ۱۳۰۸ شمسی و تیر ماه ۱۳۱۰ برطبق دو تصویب نامه هیئت وزراء وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه عهده دار می گردد که جغرافیای پنج قطعه عالم و جغرافیای ایران را برای سالهای پنجم و ششم ابتدائی تألیف و نشر نماید و در تمامی مدارس ذکور و اناث منحصراً تدریس شود. کتاب مذکور در سال ۱۳۱۰ منتشر و از آن زمان تا سال ۱۳۳۷ به مدت ۲۷ سال منحصراً در سراسر ایران تدریس می گردید منتهی چاپهای اوایل آن دارای کیفیت چاپی و نقشه های بهتر و چاپهای اواخر آن خلاصه تر و از آن کیفیت برخوردار نیست ۷۷ صفحه اول کتاب جغرافیای پنج قطعه و جغرافیای ایران آن از صفحه ۲۷۸ آغاز و به صفحه ۱۴۸ پایان می پذیرد.

*

محتوای قسمت اول کتاب به شرح زیر می باشد :

کلیات جغرافیا، تعریف، تقسیم بندی، ثوابت و سیارات و اقمار ص ۴ - ۲

شکل زمین، حرکات زمین، مناطق پنج گانه، جهات، افق، محور، استواء، مدارات، نصف النهارات، نقشه ها و کره های جغرافیائی.

ص ۸ - ۴

جغرافیای طبیعی، خاک، آب، آب و هوا.

اصطلاحات جغرافیای طبیعی، پنج قطعه، پنج اقیانوس، کوه، سلسله جبال، تپه، آتشفشان، فلات، جلگه و دشت، صحرا و کویر، واحه، اقیانوس، دریا، ساحل، خلیج، جزیره، شبه جزیره، مجمع الجزایر، تنگه.

*

محیط طباطبائی محمد

جغرافیای نو، برای دوره اول دبیرستانها، مطابق آخرین برنامه وزارت معارف، جلد اول، کلیات، اقیانوسیه و آمریکا، ناشر

کتابخانه مظفری، ۱۳۱۵ ش، سربی، رقعی، ۲۰x۱۴ سانتیمتر، ج + ۱۹۸ ص.

کتاب دارای تقسیماتی به شرح زیر می باشد :

مقدمه : تعریف جغرافیا . ص ۲ - ۴
کتاب اول : کلیات جغرافیا . ص ۵ - ۱۳۲
کتاب دوم : عالم جدید . ص ۱۳۳ - ۱۹۸
کتاب اول به سه باب و هر باب به چندین فصل به شرح زیر تقسیم می گردد :

باب اول : جغرافیای طبیعی .

فصل اول : مقدمات ریاضی و شناخت زمین . ص ۵ - ۳۳
فصل دوم : توصیف سطح زمین . ص ۳۴ - ۴۶
فصل سوم : آب و پدیده های مربوط بدان . ص ۴۷ - ۶۶
فصل چهارم : هوا . ص ۶۷ - ۸۵
باب دوم : جغرافیای انسانی .

فصل اول : انسان . ص ۸۹ - ۹۱
فصل دوم : هیئت اجتماع . ص ۹۲ - ۹۵
فصل سوم : جمعیت روی زمین . ص ۹۷ - ۱۰۰
فصل چهارم : نژاد و زبان . ص ۱۰۱ - ۱۰۷
فصل پنجم : آئین . ص ۱۱۰ - ۱۱۵

باب سوم : جغرافیای اقتصادی .

فصل اول : کار انسانی . ص ۱۱۸
فصل دوم : زراعت . ص ۱۱۹
فصل سوم : گله داری . ص ۱۲۲
فصل چهارم : شکار . ص ۱۲۳
فصل پنجم : صنعت (هنر) . ص ۱۲۴
فصل ششم : تجارت . ص ۱۲۷
فصل هفتم : ارتباط تجارتي . ص ۱۲۸

کتاب دوم به سه باب و هر باب به چندین فصل به شرح زیر تقسیم می گردد :

باب اول : اقیانوسیه .

فصل اول : کلیات . ص ۱۳۳
فصل دوم : تقسیم سیاسی . ص ۱۳۸
فصل سوم : وضع طبیعی . ص ۱۳۹

باب دوم : آمریکا .

فصل اول : کلیات . ص ۱۵۵
فصل دوم : تقسیمات سیاسی . ص ۱۶۱
فصل سوم : کانادا . ص ۱۶۲
فصل چهارم : اتازونی . ص ۱۶۷
فصل پنجم : مکزیک . ص ۱۷۶
فصل ششم : برزیل . ص ۱۸۱
فصل هفتم : آرژانتین . ص ۱۸۶

فصل هشتم : شیلی . ص ۱۹۰
باب سوم : نواحی قطبی .
فصل اول : ناحیه شمالی . ص ۱۹۳
فصل دوم : نواحی جنوبی . ص ۱۹۷

*

چاپ پنجم کتاب مذکور با حذف جغرافیای پنج قطعه، بقیه آن در ۱۳۲ ص. تقریباً " همانند مجدداً " به چاپ رسیده و با جغرافیای نو (قسمت ایران) عزت پور توسط همان ناشر منتشر شده است .

*

عزت پور

جغرافیای نو، جلد سوم، مخصوص سال سوم دبیرستانها، مطابق برنامه رسمی وزارت معارف، چاپ اول، مشتمل بر آسیا و ایران، سربی، رقعی، ۲۰x۱۴/۵ سانتیمتر، ۱۳۲ ص. بدون تاریخ، (در مقایسه و استنباط با چاپهای دیگر چاپ یکی از سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ ش.) ناشر کتابخانه مظفری، چاپ چاپخانه دانش.

*

کتاب مذکور دارای دو قسمت به شرح زیر است :

قسمت اول : جغرافیای آسیا، اصطلاحات جغرافیای طبیعی، نباتات، حیوانات، معادن، جغرافیای سیاسی، نفوس، نژاد، مذهب، تقسیمات سیاسی، شناخت و معرفی کشورهای مختلف آسیا (اوضاع طبیعی و سیاسی) . ص ۲ - ۶۶

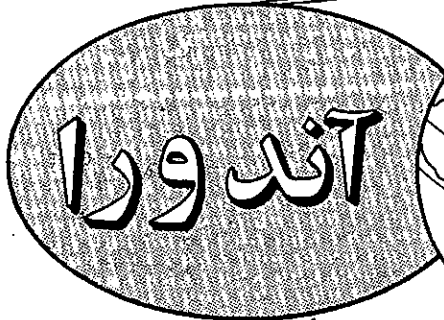
قسمت دوم : فلات ایران، اوضاع جغرافیائی مفصل ایران، اوضاع طبیعی، کوهها، رودها، نژاد، اسامی مختلفه کشور ایران، حدود، دریاها، خلیجها، رودها، صیب بحر خزر، ارومیه، دریاچه هامون، خلیج فارس. دریاچهها، طول و عرض جغرافیائی . ص ۶۷ - ۸۳
اوضاع سیاسی ایران، جمعیت، نژاد، حکومت، ایالات و ولایات ایران، معرفی و شناخت ایالات و ولایات، شهرها و قصبات، اوضاع طبیعی مناطق به اختصار، اوضاع سیاسی مناطق مختلف. اوضاع اقتصادی، جدول اسم های قدیم و جدید مناطق . ص ۱۳۱ - ۸۳

*

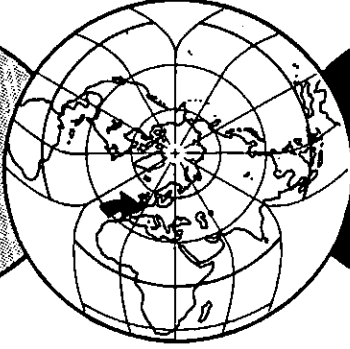
در سال ۱۳۱۹ کتاب مذکور تحت عنوان " جغرافیای نو " قسمت ایران با کمی تجدید نظر در ۸۴ ص. مجدداً توسط همان ناشر به چاپ می رسد و به همراه جلد سوم جغرافیای نو آقای محیط طباطبائی (چاپ پنجم) در یک مجلد منتشر می گردد .

یادداشت

- ۱ - نقل به اختصار از پشت جلد کتاب جغرافیای امید .
- ۲ - کتابخانه اداره کتابهای درسی، اداره گل نگارش، وزارت - آموزش و پرورش، شماره ثبت ۲۳۷ (روایت شد) .
- ۳ - در صفحات ۱۴۵، ۱۴۶ و ۱۴۷ مختصر اطلاعاتی از ایلات و عشایر مختلف ایران بدست می دهد و در مجموع آنها را به هفت دسته تقسیم نموده است که طوایف مهم هر دسته و محل جغرافیائی آنها را با مختصر سابقه تاریخی مربوط بیان می دارد .



مؤسسه گیتاشناسی

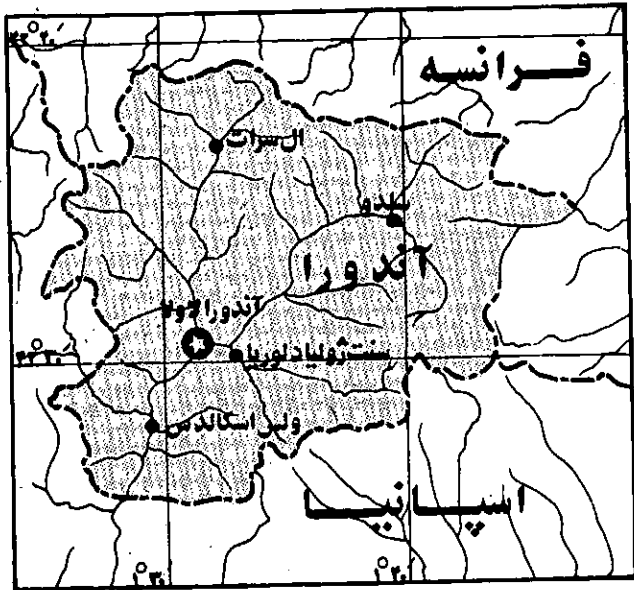


آشنائی با کشورهای جهان

تهیه و تنظیم: سعید بختیاری

آندورا [AND]

نام رسمی: پرنس نشین آندورا
نام بین‌المللی: آندورا ANDORRA
نام کامل: دره‌های آندورا



کشور آندورا با ۴۵۳ کیلومتر مربع، در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی، در جنوب غربی قاره اروپا واقع شده که به دریا راه ندارد. آندورا از جنوب با اسپانیا و در شمال با فرانسه همسایه است. قسمت اعظم آندورا از نواحی بلند و کوهستانی همراه با جنگل‌ها و مراتع بزرگ پوشیده شده و دره‌های باریک که مهم‌ترین آن دره مرکزی است و زیبایی طبیعت در این مناطق فوق‌العاده دیدنی است. آب و هوای آن در تابستانها گرم و معمولاً خشک و آفتابی است، زمستانها با سرما همراه می‌باشد.

مهم‌ترین رشته کوه آندورا، پیرنه است که بلندترین قله آن کوما پدروسا (Coma Pedrosa) با ارتفاع ۲،۹۴۶ متر و پست‌ترین ارتفاع آن ۹۰۰ متر است.

مهم‌ترین رودخانه والیرا (Valira) و بزرگترین دریاچه انگولاسترس (Engolasters) نام دارد.

جمعیت آندورا در سال ۱۹۸۵ بالغ بر ۴۷،۰۰۰ نفر بوده و تراکم جمعیت ۹۱/۹ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد. ۶۶/۲٪ مردم شهر - نشین و ۳۳/۸٪ ساکن روستاها هستند. پرجمعیت‌ترین شهر این کشور شهر آندورا لاولا است که حدود ۲/۹٪ کل جمعیت را در بر دارد. به لحاظ توزیع سنی ۳۱٪ را افراد کمتر از ۱۸ سال، ۵۱/۶٪ را

افراد ۱۹ تا ۵۰ سال و ۱۷/۴٪ جمعیت را نیز افراد بالاتر از ۵۱ سال تشکیل می‌دهند. و همچنین ۵۳/۷۴٪ جمعیت را مردان و ۴۶/۲۶٪ را زنان در بر دارند. متوسط عمر مردان و زنان ۷۰ سال است. در کشور آندورا میزان تولد ۱۴/۸ در هزار و میزان مرگ و میر ۴/۱ در هزار و رشد جمعیت ۱/۲٪ است. میزان مرگ و میر کودکان نیز ۱۲ نفر در هر هزار نوزاد می‌باشد.

نژاد مردم آندورا: شامل ۵۸/۶٪ اسپانیولی، ۲۷/۱٪ آندو-رایانی، ۶/۲٪ فرانسوی، ۳/۵٪ پرتغالی، ۱/۱٪ انگلیسی و ۳/۵٪ بقیه نژادها می‌باشند.

مذهب اکثر مردم کاتولیک ۹۹/۱٪، پروتستان ۵/۰٪ و ۴/۰٪ یهودی می باشند.

زبان رسمی کاتالانی (کاتولونی) و همچنین فرانسوی و اسپانیولی نیز رواج دارد، که هر سه با خط لاتین نوشته می شوند.

پایتخت این کشور شهر آندورااولا (Andora la Vella) با ۱۵۰۶۹۸ نفر جمعیت است. دیگر شهرهای مهم عبارتند از:

سنت ژولیا دلوریا (Sant Julia de Loria) (۴۰۴۵۷ نفر) و لس اسکالدس - انگوردنی (Les Escaldes-Engordany) (۱۰۰۴۷۵ نفر).

حکومت آندورا جمهوری است و رئیس دولت توسط شورا تعیین می گردد که وی اعضای دولت را تعیین می کند. مطابق قانون اساسی، حکومت آندورا با همکاری رئیس جمهور فرانسه (میتزان از سال ۱۹۸۱) و اسقف اسپانیایی ناحیه اورخل مشترکاً اداره می شود، که نماینده هر یک از آنان به عنوان رؤسای حکومت وجود دارند.

قوه مقننه از یک مجلس عمومی مرکب از ۲۸ عضو که برای دوره چهارساله انتخاب می شوند، تشکیل یافته.

قانون اساسی موجود در سال ۱۸۶۶ تدوین شده و بر اساس آخرین تقسیمات کشوری آندورا از هفت بخش تشکیل شده که توسط شوراهای انتخابی اداره می گردند. و مشخصات آنها به شرح ذیل می باشد:

نام بخش مرکز بخش مساحت (کیلومتر مربع) جمعیت (۱۹۸۳)

آندورااولا ۵۹ ۱۵۰۶۹۸

کانیلو ۱۲۱ ۷۹۴

انکمپ (انکامپ) ۷۴ ۴۰۵۵۸

لاماسانا ۶۱ ۲۰۷۰۵

لس اسکالدس انگوردنی — ۱۰۰۷۵۸

اوردینو ۸۹ ۷۸۰

سنت ژولیا دلوریا ۶۰ ۴۰۶۴۷

فعالیت احزاب در آندورا محدود می باشد، در سال ۱۹۷۶ حزب دمکراتیک آندورا تشکیل شده که اولین حزب سیاسی است.

کشور آندورا برای اولین بار در سال ۱۲۷۸ میلادی و سپس در سال ۱۸۰۶ استقلال یافت.

روز ملی هشتم سپتامبر بوده. کشور آندورا تا کنون در هیچ سازمانی عضویت ندارد.

مهمترین صنایع کشور عبارتند از: توریسم، منسوجات، پوشاک، میلمان چوبی، سرامیک، سیگار، نوشابه، کبریت سازی و جواهر سازی.

مهمترین محصولات کشاورزی شامل: سیب زمینی، تنباکو، جو - دوسر، جو، یونجه، چاودار، گندم سیاه، زیتون و انگور می باشد.

۴٪ از زمینها قابل استفاده و کشاورزی، ۲۳/۷٪ جنگل، ۴۴/۲٪ مراتع، و علفزارها است. تعداد دام موجود وزنده عبارتند از: گوسفند ۹۰۰۰، گاو ۱۱۱۵ و اسب ۲۱۷ رأس می باشند.

تولید سالانه نیروی الکتریسیته نیز معادل ۱۴۰ میلیون کیلووات ساعت است (۱۹۸۴) که ۴۰٪ آن در داخل کشور تولید شده و بقیه از طریق اسپانیا وارد گردیده.

مهمترین معادن آندورا عبارتند از: سرب و سنگ آهن. نیروی فعال کاری کشور شامل: ۸۰٪ در صنعت، بازرگانی، خدمات و غیره و همچنین ۲۰٪ در کشاورزی مشغول کار می باشند.

واحد پول: پول رایج محلی در آندورا وجود ندارد، فرانک فرانسه و یروئای (پستا) اسپانیا هر دو در گردش و جریان هستند. فرانک فرانسه (FR) = ۱۰۰ سانتیم (یک دلار آمریکا = ۸/۰۴ - فرانک) و یروئای اسپانیا (Pta) = ۱۰۰ سنتیمو (یک دلار آمریکا = ۱۶۰/۸۳ پزوتا) می باشد (۱۹۸۵).

نیروی ارتش عبارتند از: کشور فرانسه و اسپانیا اقدامات دفاعی آندورا را به عمل می آورند، ۳۲ عضو نیروی پلیس سال به سال از طرف فرانسه و اسپانیا انجام وظیفه می کنند.

تولید ناخالص ملی در سال (۱۹۸۳) ۳۶۰ میلیون دلار آمریکا بوده (درآمد سرانه ۹۰۰۰ دلار) که ۹۰٪ آن مالیاتهای غیر - مستقیم بر اجناس مصرفی و وارداتی بدست می آید.

واردات آندورا بالغ بر ۳۴۷ میلیون دلار، شامل رادیو و تلویزیون، پوشاک، انواع عطرها، مواد سوختی از کشور فرانسه و اسپانیا بوده است.

میزان صادرات ۹ میلیون دلار است که به فرانسه و اسپانیا صادر شده (شامل: میلمان چوبی، صنایع دستی و انواع سیگار).

طول راههای موجود جمعا ۲۲۰ کیلومتر می باشد (آسفالت و غیره). تعداد وسیله نقلیه ۲۶۰۰۰ اتومبیل است. ارتباطات هوایی توسط یک فرودگاه در شهر سئود اورخل (Seod' Urgell) واقع در خاک اسپانیا انجام می شود. سالانه بیش از ۱۰ میلیون نفر توریست از کشور آندورا دیدن می کنند.

ارتباط در این کشور دولتی و همچنین خصوصی اداره می شود تعداد دو فرستنده و ۷۰۰۰ گیرنده رادیویی وجود دارد، (برای هر ۵/۷ نفر یک گیرنده) و همچنین ۴۰۰۰ گیرنده تلویزیون (برای هر ۱۰ نفر یک گیرنده) مورد استفاده بوده (۱۹۸۳). در همین سال تعداد ۱۷۰۷۱۹ شماره تلفن (برای هر ۲/۱ نفر یک شماره) مورد استفاده بوده است.

یک نشریه روزانه منتشر می شود، مقیاس مورد استفاده سیستم متریک می باشد.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

در این کشور برای هر ۳۲۵ نفر یک تخت بیمارستان و هر ۸۵۲ نفر یک پزشک وجود دارد. همه مردم کشور آندورا (۱۰۰٪) باسوادند و ۱۳ مدرسه ابتدائی و متوسطه با ۶،۸۴۵ نفر شاگرد و ۴۲۵ معلم در سال (۱۹۸۰) مشغول تحصیل بوده اند.

مقالات جغرافیائی از مجلات جغرافیائی جهان

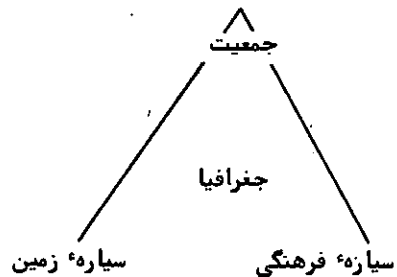
در هر شماره از نشریه رشد آموزش جغرافیا ،
فشرده‌یی از مقالات معتبرترین مجلات
جغرافیایی جهان درج می‌شود. کوشش ما بر
این است که در این بخش از نشریه ، آخرین
اطلاعات و تحقیقات جغرافیایی را به اطلاع
علاقه مندان برسد .

تهیه و تنظیم از : دکتر حسین شکوئی

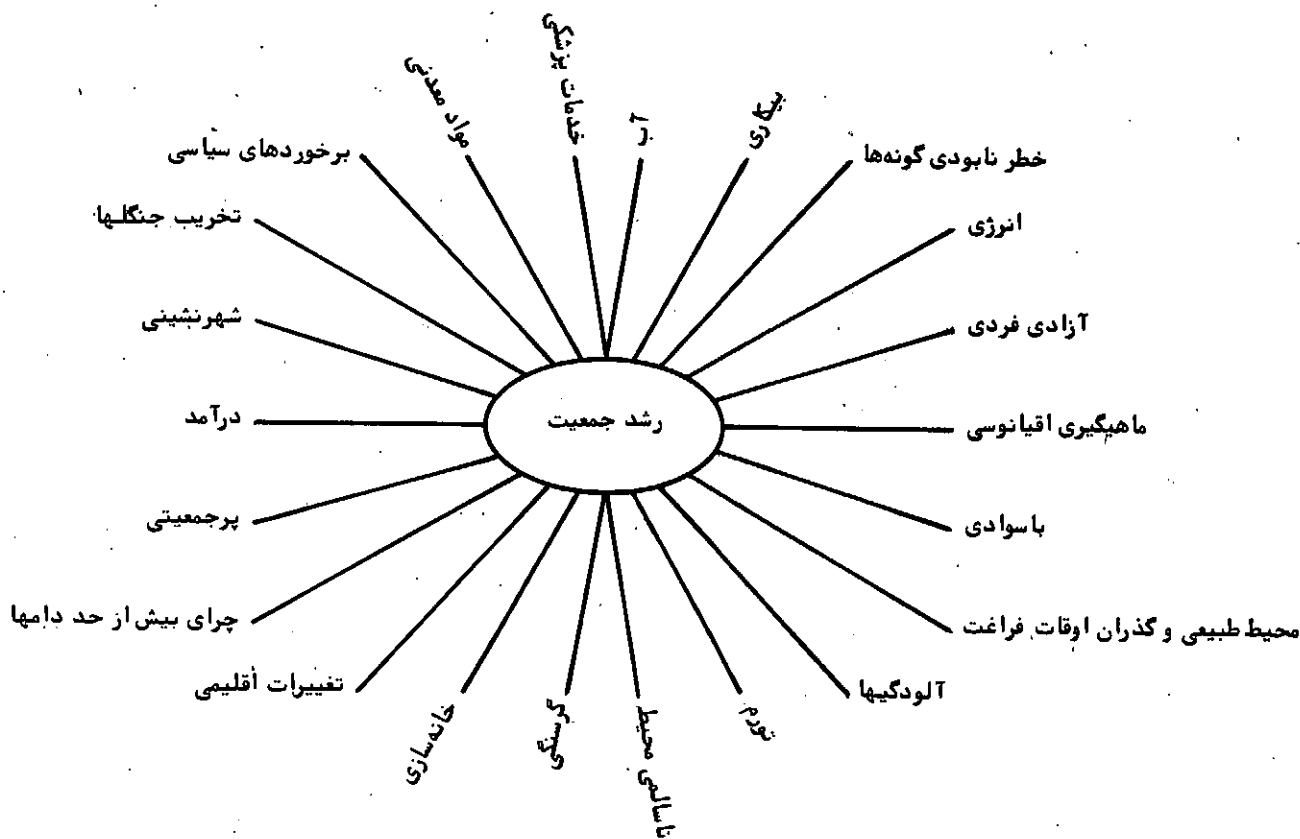


نگرشی تازه به جغرافیای جمعیت^۱

جغرافیای جمعیت ، یک شاخه جوان در علم جغرافیاست . شاید
برای اولین بار ، عنوان جغرافیای جمعیت ، بوسیله گلن ترورتا^۲ ،
جغرافیدان معروف امریکائی مطرح شده باشد . بدینسان که در سال
۱۹۵۲ ، این جغرافیدان ، عنوان جغرافیای جمعیت را در انجمن
جغرافیدانان امریکا مطرح ساخت . او اضافه کرد که تا کنون
جغرافیدانان امریکا و اروپا نسبت به ویژگیهای جغرافیائی جمعیت
بی‌اعتناء بوده‌اند ، در حالیکه جغرافیای جمعیت محور و اساس کار
در دانش جغرافیاست زیرا تنها در این شاخه علمی است که فرهنگ
و طبیعت در نواحی مختلف سیاره^۳ زمین به هم پیوند می‌خورد و
سیمای جغرافیائی خلق می‌شود .



- از اواسط دهه ۱۹۵۰ ، مقالات و رسالات مربوط به جغرافیای
جمعیت افزایش می‌یابد و در همه گروههای آموزشی جغرافیا ، این
شاخه علمی تدریس می‌شود .
در ۳۰ سال گذشته ، علل اعتباریابی جغرافیای جمعیت را
می‌توان به شرح زیر بیان کرد :
- ۱ - ارتباط مستقیم میزان جمعیت با همه شرایط زندگی اجتماعی
و اقتصادی مردم .
 - ۲ - افزایش شدید مسائل مربوط به جمعیت از دهه ۱۹۶۰ و
۱۹۷۰ به بعد .
 - ۳ - ارتباط مستقیم افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه
با سوء تغذیه ، بیکاری ، بی‌سوادی ، شیوع امراض ، از میان رفتن
جنگلها ، تخریب محیط زیست ، تشکیل شهرهای چند میلیونی و
بالاخره توقف توسعه اجتماعی و اقتصادی همه کشورهای در حال
توسعه .
 - ۴ - مسائل مربوط به ارتباط مستقیم کنترل جمعیت در کشورهای
در حال توسعه بویژه در مراحل اولیه توسعه .
 - ۵ - ارتباط مستقیم تراکم جمعیت در کشورهای توسعه یافته با
آلودگی هوا ، آلودگی آبها ، افزایش امراض روانی ، کاهش منابع
انرژی و معدنی .



ابن بادشاه ۲۲ گانه جغرافیای جمعیت

کشاورزی در داخل شهرهای چین ۲

برابر یک گزارش تحقیقی ، در کشور چین ، تقریباً " ۸۵٪ سبزیجات مصرفی شهروندان چینی از حوزه‌های شهری بدست می‌آید . شهرهای پکن و شانگهای از این نظر کاملاً "خودکفا هستند" . در داخل شهرهای چین ، پرورش ماهی ، دامداری و پرورش درختان میوه یک امر کاملاً " عادی محسوب می‌شود .

در کشور چین ، پارکهای شهری که جهت گذران اوقات فراغت بوجود آمده‌اند به شدت در تولیدات سبزیجات و میوهجات بکار گرفته می‌شوند . چای ، میوهجات ، درختان ویژه خانه سازی در اغلب پارکهای شهری کاشته می‌شود و در داخل شهرها ، دریاچه‌های بسیاری جهت پرورش ماهی ایجاد شده است . حتی پاره‌ای از گیاهان دارویی نیز که در صنایع داروسازی مصرف دارند در پارکهای شهری کشت می‌شوند .

همهٔ تولیدات پارکها برای فروش در نظر گرفته می‌شود و پارکها ، هزینه خود را از این طریق تأمین می‌کنند . چنانکه ، پارکهای شهر

در مکتب‌های مختلف جغرافیائی ، جغرافیدانان متخصص هر یک روی شاخص‌های گوناگونی تأکید می‌کنند . آنچه در زیر بیان می‌شود مربوط به مباحث عمدهٔ آخرین کتاب جغرافیای جمعیت می‌باشد که در دنیای انگلیسی زبان مطرح شده است :

- ۱ - جمعیت و منابع طبیعی .
 - ۲ - اکولوژی جمعیتی ، جمعیت و کیفیت محیطی .
 - ۳ - جمعیت و رفاه اجتماعی .
 - ۴ - برنامه ریزی جمعیتی و سازمان دهی آینده .
 - ۵ - تحلیل سیاستهای جمعیتی در نواحی مختلف جغرافیائی .
- نویسندگان کتاب جغرافیای جمعیت معتقدند که جغرافیای جمعیت تنها زمانی می‌تواند به منطق علمی زبان ما و جغرافیای جدید دست یابد که بتواند جمعیت مکانها را در ارتباط با مسائل بالا به تحلیل بکشد و تنها در این صورت است که جغرافیای جمعیت قادر خواهد بود از تأکید بیشتر روی مباحث جمعیت‌شناسی پرهیز کند و قالب جغرافیائی خود را حفظ کند .

نانکن تا ۷۰٪ هزینه مصرفی خود را از راه فروش تولیدات و فرآورده‌های خود تهیه می‌کنند. پارکهای چینی، در اغلب شهرها، با فضای سبز خطی مرکب از درختان غرس شده در مسیر جاده‌های اصلی به هم پیوند می‌خورند و چشم‌انداز زیبا می‌آفرینند. از این درختان در تهیه الوار استفاده می‌شود. یادآور می‌شویم در شهرهای غربی نیز فضای سبز کافی بویژه در نواحی که بارندگی کافی وجود داشته باشد دیده می‌شود، اما تفاوت میان فضای سبز شهرهای چینی با شهرهای غربی در این است که در چین یک وابستگی شدید میان محیط و توسعه اجتماعی - اقتصادی و یا میان زیبایی و بهره‌مندیهای اجتماعی - اقتصادی اساساً توسعه‌ناخته می‌شود.

موضوعات مورد توجه جغرافیدانان انگلیسی ۴

در سال ۱۹۸۶، گروه‌های تخصصی رشته‌های مختلف جغرافیا، وابسته به انجمن جغرافیدانان انگلیس، به تلاش‌های علمی گسترده‌ای دست زدند:

آنچه در زیر می‌آید موضوعات تحقیقاتی است که جغرافیدانان انگلیسی در سال گذشته روی آنها تأکید بیشتری داشته‌اند. آگاهی با عناوین این موضوعات می‌تواند ما را با مسیرهای تازه در جغرافیای کاربردی و جغرافیای علمی بیشتر آشنا سازد:

۱- گروه توسعه: زن و توسعه اجتماعی - اقتصادی، سیستم مراقبت‌های پزشکی در جهان سوم، توسعه اجتماعی - اقتصادی چین بعد از مائو، توسعه اقتصادی و شهرنشینی در کشورهای اقمار، توسعه و بحران محیط‌زیست در جهان سوم.

۲- گروه جغرافیای صنعتی: شرکت‌های چندملیتی و جهان سوم، صنعتی شدن روستاها، تئوری، روش و اطلاعات در جغرافیای صنعتی، شرکت‌های جدید و توسعه ناحیه‌ای در اروپا.

۳- گروه جغرافیای پزشکی: تغذیه و سلامتی در جهان سوم، علوم اجتماعی و پزشکی، جغرافیای مواد غذایی.

۴- گروه جغرافیای سیاسی: ناسیونالیسم و کشورهای جدید، ناسیونالیسم و ناحیه‌گرایی، جغرافیای سیاسی انگلیس در زمان نخست وزیر تاجر، مرزهای دریایی، جغرافیا و تلاش‌های سیاسی، جریان‌ات ژئوپلیتیکی در امر آموزش.

۵- گروه جغرافیا و زن: زنان و امر توسعه، زن و شهر انگلیس.

۶- گروه روش‌های کمی: جغرافیای نظریه‌ای و کمی، مدل‌های سکونت، خرده فروشی و مهاجرت، تحولات روش شناختی، روش‌های کمی در تحلیل‌های سیاسی، تحلیل سیستمی در جغرافیا.

۷- گروه تاریخ و فلسفه علم جغرافیا: کلی‌نگری در علم جغرافیا، جغرافیا و تاریخ علم پزشکی، تفکرات ژئوپلیتیکی در آلمان و فرانسه، ارزیابی مجدد از ژئوپلیتیک.

۸- گروه جغرافیا و برنامه ریزی: مطالعه تطبیقی از برنامه‌ریزی در اروپا.

۹- گروه جغرافیای تاریخی: جمعیت‌شناسی ناحیه‌ای در گذشته، جغرافیای جمعیت و جابجایی مردم در قرن ۱۹، ظهور و سقوط شهرهای بزرگ، ناحیه‌گرایی در عملکردهای کشاورزی، قلمروهای جغرافیای تاریخی، جغرافیای تاریخی و آموزش عالی.

۱۰- گروه جغرافیای جمعیت: زن و مطالعات جغرافیایی، تحقیقات جدید در جغرافیای جمعیت، مهاجرت‌های بین‌المللی گروه‌های متخصص.

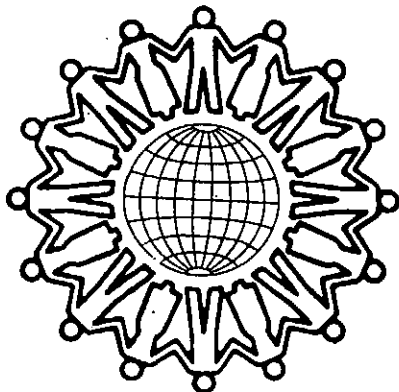
۱۱- گروه جغرافیای شهری: جرم و جنایت در حوزه‌های اجتماعی شهرها، عرضه خدمات و توسعه ناحیه‌ای، ظهور و سقوط شهرهای بزرگ.

۱۲- گروه جغرافیای روستایی: میزان دسترسی حوزه‌های روستایی به خدمات عمومی، صنعتی شدن روستاها.

۱۳- گروه ژئومورفولوژی: ژئومورفولوژی و امر توسعه، یادآور می‌شویم که در هر یک از این گروه‌های تخصصی، سالانه حداقل دو سمینار یا شرکت جغرافیدانان متخصص برگزار می‌شود.

منابع

- 1- Population: Patterns, Dynamics and Prospects. by James L. Newman and Gordon E. Matzke. Prentice - Hall. London. 1984.
- 2- Glenn Trewartha.
- 3- Joan Davidson. " Human Settlements; Habitat International. Vol 9, No 3, 4, 1985.
- 4- Area. Volume 18, No 4, December 1986.



مقالات و اطلاعات جغرافیائی در نشریات ایران



مروری بر نقش تغییرات جمعیتی در روند تاریخی بیش‌های سیاسی - اقتصادی.

دکتر حبیب... زنجانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال اول، شماره پنجم، بهمن ۱۳۶۵، ص ۴۰ - ۷۰.

بعد از جنگ جهانی دوم که ضرورت توجه به ارزشهای انسانی بیشتر نمایان شد، دو بیش یکی جمعیت تابع اقتصاد و دیگری اقتصاد تابع جمعیت جای خود را به طرز تفکر جدیدی داد.

الفرد سووی، جمعیت‌شناس فرانسوی، با طرح حد مطلوب جمعیت مکتب تازه‌ای را بوجود آورد که در آن به رابطه بین جمعیت و اقتصاد به صورت دیگری نگریسته می‌شود. در چهارچوب این نظریه، رشد جمعیت در اقتصادهای پیشرفته خود عامل توسعه اقتصادی است.

نیروی انسانی زیاد همراه با اشتغال کامل، بهتر از رکود جمعیتی می‌تواند با افزایش تقاضای کالاها و خدمات تولیدی، موجبات سرمایه‌گذاری بیشتر و در نتیجه تحرک اقتصادی را فراهم سازد. در حالیکه بالا بودن میزان رشد جمعیت در کشورهایی که دارای اقتصاد ضعیفی هستند خود به تشدید وخامت اقتصادی منجر می‌شود. از این رو در مواردی سیاست تشویق مولید موجب رهایی از رکود اقتصادی است و در مواردی کنترل آن. کشورهایی که در حال حاضر دارای سیاستهای مشخصی درباره تشویق مولید هستند بسیار انگشت شمارند.

در بخشهای مختلف این مقاله چنین می‌خوانیم: جمعیت‌کویت با رشد طبیعی کنونی خود، در کمتر از ۲۰ سال و جمعیت اغلب

کشورهای عربی در فاصله ۲۰ تا ۲۵ سال آینده دو برابر خواهند شد، در حالیکه این زمان برای جمعیت فرانسه ۲۰۰ سال و برای جمعیت سوئیس ۳۰۱ سال می‌باشد. قرار گرفتن کشورهای نظیر مکزیک و برزیل در سطح ممالک عربی نشان می‌دهد که برعکس قضاوت‌های کلی، سطح باروری، تنها در کشورهای اسلامی بالا نیست بلکه این وضع در کشورهای غیر اسلامی نیز وجود دارد.

کشور ما از این نظر در سطح ممالکی قرار دارد که جمعیت آنها در هر فاصله ۲۰ ساله دو برابر می‌شود که اگر اثر موازنه مهاجرت‌های خارجی را نیز در آن دخالت دهیم از حدود ۳/۴ درصد در سال کمتر نخواهد بود. با چنین رشدی جمعیت کشور در هر ۲۱ سال دو برابر خواهد شد و تعداد آن در حوالی سال ۱۴۰۰، یعنی ۲۵ سال دیگر، به رقمی در حدود ۱۶۰ میلیون نفر خواهد رسید. افزایش سالانه ۱/۶ میلیون نفر بر جمعیت کشور در فاصله سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵، که با آهنگ فزاینده‌ای در سالهای آینده نیز ادامه خواهد داشت نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیقی است که می‌تواند موضوع بحث دیگری باشد.

هم اکنون در بیشتر کشورهای صنعتی جهان، متوسط تعداد فرزندان یک زن در تمام دوران باروری، حدود ۱/۸ تا ۲/۵ نفر می‌باشد که معادل یا رشدی بین صفر تا نیم درصد در سال است و آن نیز تحت تأثیر ترکیب سنی و جنسی جمعیت روز به روز، رو به کاهش می‌گذارد. در مقابل، کشورهای عقب نگه‌داشته شده و

کشورهائی که دارای اقتصاد متکی بر تولید مواد اولیه خام هستند دارای سطح باروری زیاد و در نتیجه میزان رشد جمعیتی بسیار بالائی می‌باشند.

در کشور چین، ثوریسین‌ها، با دلایل پنج‌گانه زیر کنترل موالیید را جزء لاینفک جامعه سوسیالیستی تلقی می‌کنند:

۱- این امر امکان می‌دهد تا بعد خانواده، برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی تنظیم شود.

۲- سلامتی کامل مادر و کودکان را امکان پذیر می‌سازد.

۳- به مادران وقت بیشتری برای کار و تحصیل می‌دهد.

۴- شرایط لازم برای بر خورداری از سطح بالای تحصیل را برای نسل فزاینده کشور فراهم می‌سازد.

۵- با تأثیر گذاشتن بر روی بعد خانوار نقش خود را در شکوفائی اقتصاد کشور اعمال می‌کند.

در حال حاضر، کلیه کشورهای کمونیستی (به استثنای آلبانی) رشد جمعیتی خود را کنترل می‌کنند و پایین‌ترین میزانهای رشد را در بین کشورهای مختلف جهان دارند.

طلا، این فلز درخشان طبیعت

نوشته: فرد سایبیک، ترجمه: علی اندیشه، مجله دانشمند، شماره ۱۲، اسفند ماه ۱۳۶۵، ص. ۳۰-۳۳.

در کوشش دولتها و ملتها برای دستیابی به قدرت اقتصادی و سیاسی و نیز در کوششهای فردی برای دستیابی به رفاه و خوشبختی، هیچ فلزی به اندازه طلا نقش مهم و مؤثر نداشته است.

این نکته را از آنجا می‌توان دریافت که در اشتیاق داشتن این فلز، در طول مثلا "یک تاریخ پنج هزار ساله، هیچ تغییری مشاهده نشده است.

فراعنه مصر، همچون امپراطوران چین، داشتن طلا را یک کار خاص سلطان و درباریان می‌دانستند. این توجه، نه فقط به خاطر درخشش و زیبایی آن، بلکه به خاطر دوام و پایداری این فلز نیز بوده است و مهمتر از این دو عامل، عامل کم‌یابی هم به میزان زیاد بر ارزش آن افزوده است.

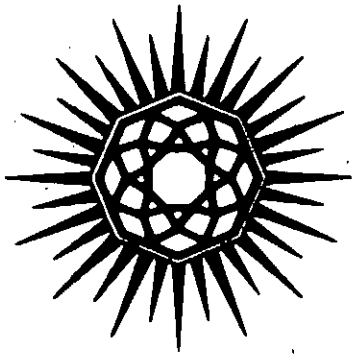
تقریباً "یک سوم تمام طلاهایی که از قرون وسطی تا به امروز از زمین استخراج شده است از آفریقای جنوبی است و در این زمینه هیچ دولتی قادر به رقابت با آن نیست. طلای آفریقای جنوبی، از ابتدای پیدایش این کشور، نبض تجارت طلا در جهان را در اختیار دارد. موجودیت آفریقای جنوبی در گرو طلاست.

بازدهی معادن طلای آفریقای جنوبی بسیار زیاد است. بنا به گزارش اداره معادن طلای آفریقای جنوبی در ژوهانسبورگ تولید سالانه طلا از ۴۰ معدن بزرگ این منطقه به حدود ۸۰۰،۰۰۰ کیلوگرم می‌رسد. تپه‌های بوجود آمده از رسوبات ناشی از شست و شوی سنگ معدن که شهرها را احاطه کرده‌اند و نیز تپه‌های بوجود آمده از ساییدن این سنگها، وسعت زیاد فعالیت و کارنقل و انتقال سنگهای معدنی را نشان می‌دهد.

بر طبق گزارش همین اداره، حدود دو میلیارد تن سنگ خرد شده، وضع طبیعی جدیدی به اطراف شهر ژوهانسبورگ داده است و تپه‌های درخشان طلائی رنگ که در هر جا دیده می‌شود وضعیت خوب و رضایت‌بخش استخراج طلا را نشان می‌دهند. آفریقای جنوبی بزرگترین صادرکننده طلائی جهان است.

در هفت منطقه از مناطق استخراج طلا در این سرزمین، حدود ۶۰ درصد طلای تولیدی جهان استخراج می‌شود. کشور آفریقای جنوبی، محل صدور ثروت به غرب است. تنها در خزانه‌داریهای بانکهای غربی، به طور رسمی و اعلام شده، حدود ۳۶،۰۰۰ تن طلا ذخیره شده است.

متخصصان فیزیک اتمی، میکروالکترونیک، سازندگان ماهواره‌ها، پزشکان، اخترشناسان و مهندسان تأسیسات اعماق دریا به این فلز احتیاج دارند، شاید بتوان گفت هیچ تحقیق و تولیدی بدون استفاده از طلا امکان پذیر نیست.





۱- نیروی یک رودخانه با چه عواملی بستگی دارد و نیروی فرسایش رود چیست ؟

در یک زمان معین و در یک نقطه خاص تمام آبهای جاری مقداری نیرو دارند و این نیرو با مقدار آب یعنی دبی و سرعت آن تفاوت پیدا می کند (البته سرعت آب نیز نسبت به شیب بستر طولی رودخانه متغیر است) از این نیرو همیشه قسمتی صرف حمل بار (سیمنها، ماسه ها، قلوه سنگها و غیره ...) شده و قسمت دیگر صرف سایش بین خود ملوکلهای آب می گردد خصوصا " وقتی که جریان آب حالت گردابی پیدا کند. چنانچه نیروی صرف شده برای حمل بار به اضافه نیروی مصرف شده برای سایش، بیش از تمام قدرت آب باشد مازاد آن نیرو برای فرسایش بستر رودخانه صرف خواهد شد و در اینجاست که جریان آب نیروی کافی برای عمل حفر خواهد داشت، در این صورت :

$$P > P_1 + P_2$$

عمل فرسایش
 P_1 نیروی صرف شده برای حمل بار
 P_2 نیروی صرف شده برای سایش ملوکلهای آب
 P نیروی کل رودخانه.

پس بدین ترتیب آبهای جاری دو نیرو دارند : نیروی خام یا همان نیروی کل رودخانه و نیروی خالص یعنی نیروی باقیمانده که از کسر کردن نیروی جذب شده برای حمل مواد و نیروی سایش داخلی آب از نیروی خام یا نیروی کل حاصل می شود که این نیروی باقیمانده را اصطلاحاً " نیروی فرسایش " می گویند . لازم به یادآوری است که اگر نیروی خام برابر با نیروی حمل

مواد و نیروی سایش داخلی آب باشد آنگاه نیروی خالص برابر صفر خواهد شد و جریان آب مستعد برای عمل حفر خواهد بود .

$$P = P_1 + P_2$$

نیروی خالص برابر با نیروی حمل و سایش داخلی

و چنانکه نیروی خام کمتر از نیروی حمل مواد و نیروی سایش باشد در این حالت نه تنها آب جاری نخواهد توانست عمل حفر را انجام دهد بلکه مجبور است قسمتی از مواد خود را ترک کند که در این حالت گویند که رودخانه عمل ته نشین سازی را انجام می دهد یعنی :

$$P < P_1 + P_2$$

عمل ته نشین سازی

۲- در جغرافیای عمومی چهارم اقتصاد و اجتماعی مقدار کمی درباره دوره های یخچالی دوران چهارم صحبت شده است . در این مورد اندکی بیشتر توضیح دهید .

به کمک روشهای مختلف تعیین سن رسوبات و تطبیق فواینن مربوطه و با بررسیهای حاصله در روی زمین معلوم کرده اند که دوران چهارم دارای چندین دوره یخچالی بوده است که بوسیله دوره های بین یخچالی با آب و هوای ملایم از یکدیگر جدا شده اند آب و هوای بین یخچالی شباهت زیادی با آب و هوای کنونی زمین داشته و یا به مقدار بسیار کمی گرمتر بوده اند .

دانشمندان معتقدند که در آلپهای اروپا چهار دوره یخچالی وجود داشته که نام این چهار دوره را از نام رودخانه های باواریا در جنوب آلمان نام گذاری کرده اند :

اولین دوره یخچالی : گونز Günz

دومین دوره یخچالی : میندل Mindel

سومین دوره یخچالی : ریس Riss

چهارمین دوره یخچالی : ورم Würm

چنانچه ملاحظه می شود نام این چهار دوره یخچالی به ترتیب حروف الفبای لاتین بدنبال یکدیگر قرار می گیرند که از نظریادگیری بسیار آسان است .

در آمریکای شمالی کلاکهای یخی وسیع بخش بزرگی از این قاره را در چهار مرحله می پوشانیده اند بنابراین ، در همین منطقه نیز می توان چهار دوره یخچالی را به شرح زیر تشخیص داد :

نبراسکا Nebraska

کانزاس Kansas

ایلی نویز Illinois

ویسکانسین Wisconsin

باید یادآور شد که تاریخ یخبندانهای اروپایی گونز و میندل به خوبی شناسایی نشده اند و در سایر نواحی اروپا بجز آلپها هنوز نتوانسته اند معادل گونز را پیدا کنند .

معلوم شده است که یخچالهای ورم در حدود ۶۰،۰۰۰ سال بر سطح زمین باقی بوده و می‌توان گفت که تا ۱۰،۰۰۰ سال قبل ادامه داشته است، دوره بین یخچالی بین ریس و ورم نسبتاً کوتاه بوده است (۲۰،۰۰۰ یا ۳۰،۰۰۰ سال) دوره یخچالی ریس از ۹۰،۰۰۰ تا ۱۳۰،۰۰۰ سال طول کشیده و یا ۸۰،۰۰۰ سال قبل وجود داشته است.

دوره بین یخچالی میندل و ریس نسبتاً طولانی بوده است. در صحاری هرگز یخچال وجود نداشته ولی زمانی که آنها و اروپای شمالی و قسمت عمده‌ای از آمریکای شمالی را یخچالها می‌پوشاند صحاری کنونی دوره بسیار مرطوبتر از عصر حاضر را می‌گذرانده‌اند، این دوره‌ها همان دوره‌های بارانی هستند که علائم چندی از این دوره‌ها را در برخی صحاری توانسته‌اند ثبت کنند.

۳ - سازمانهای رسمی بین‌المللی را که در زمینه جغرافیا و مسائل جغرافیائی فعالیت می‌کنند به طور مختصر و برای آشنائی دبیران و علاقمندان جغرافیا معرفی کنید.

مهمترین سازمانهای بین‌المللی در زمینه جغرافیا عبارتند از: کنگره بین‌المللی جغرافیائی (International Geogra - Phical Congress) که با علامت اختصاری (I.G.C.) شناخته می‌شود و اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی (International Geographical Union) که علامت اختصاری آن (I.G.U.) است. البته سازمانهای بین‌المللی دیگری نیز وجود دارند که درباره مسائل فرعی جغرافیائی و یا مربوط به جغرافیا فعالیت دارند مثل اتحادیه بین‌المللی کارتوگرافی و یا (International Cartographic Association) و یا اتحادیه بین‌المللی هیدروگرافی (International Hydrographic Association). نظر به اهمیت کنگره بین‌المللی جغرافیائی و اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی این دو مجمع جهانی جغرافیائی را معرفی می‌کنیم:

الف: کنگره بین‌المللی جغرافیائی (I.G.C.):

این کنگره بزرگترین گردهمایی جغرافیادانان جهان است که از ابتدای سال ۱۸۷۱ میلادی هر سه یا چهار سال یکبار برگزار می‌شود. گردهمایی سال ۱۸۷۱ برای سال ۱۸۷۰ برنامه‌ریزی شده بود ولی بخاطر وقوع جنگ بین فرانسه و پروس (آلمان سابق) یک سال به تعویق افتاد. کنگره‌های اولیه بوسیله کمیته‌هایی از کشورهای میزبان سازماندهی می‌شد و معمولاً قبل از پایان هر کنگره، کشوری از جغرافیادانان دعوت می‌کرد که کنگره بعدی در آن کشور برگزار گردد.

در سال ۱۹۲۲ اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی (I.G.U.) بوجود آمد که در حال حاضر دعوت برگزاری کنگره از سوی کشور میزبان در آنجا بررسی شده و سپس مورد قبول قرار می‌گیرد ولی رئیس اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی از مدیر کمیته برنامه‌ریزی کنگره مجزا بوده و هر یک مسئولیت خاص خود را دارند.

کشورهائی که عضو اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی هستند دعوت‌نامه‌های رسمی به کنگره را دریافت می‌دارند ولی شرکت در جلسات کنگره برای هر جغرافیادان مستقل با پرداخت وجه حق عضویت کنگره آزاد است.

برنامه‌ریزی هر کنگره بدست کشور میزبان است ولی با موافقت کمیته اجرائی اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی انجام می‌شود. کنگره به شاخه‌های فرعی تقسیم شده و معمولاً چند روز در مرکز اصلی ادامه می‌یابد و بعد گردشهای علمی و یا سمپوزیوم‌های محلی برگزار می‌گردد.

در جوار برگزاری کنگره در کشور اصلی، گاه برخی کشورهای فرعی نیز گردهمایی‌های محلی در کشور خود برگزار می‌نمایند لازم به یادآوری است که آخرین کنگره بین‌المللی جغرافیائی در کشور فرانسه برگزار شد و جغرافیادانانی از کشور ما و نیز از گروه جغرافیای دفتر تحقیقات در آن شرکت داشتند.

ب: اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی (I.G.U.).

اتحادیه بین‌المللی جغرافیائی (I.G.U.) در سال ۱۹۲۲ به منظور برقراری ارتباط بین جغرافیادانان جهان که قبلاً در کنگره بین‌المللی جغرافیائی شرکت می‌نمودند تأسیس گردید. اتحادیه دارای سه عنصر اصلی است:

کمیته اجرائی و دبیرخانه، کشورهای عضو (حتی کشورهائی که دارای تعداد جغرافیادانان کمی است به عنوان عضو پیوسته قبول می‌شود) و کمیسیون‌ها.

کمیته اجرائی دارای یک رئیس است و کشورهای عضو از سراسر جهان ۷ معاون برای وی انتخاب می‌نمایند و یک دبیر نیز برای این کمیته اجرائی انتخاب می‌گردد. کمیته اجرائی بعد از پایان هر کنگره بین‌المللی جغرافیائی تا آغاز کنگره بعدی دفتری تأسیس می‌نماید تا نتایج کنگره قبلی را منتشر ساخته و برای کنگره بعدی مشاورات لازم را با کشور میزبان انجام دهد. در فاصله بین کنگره‌ها مطالعات علمی و سایر کارهائی که بوسیله گروه‌های علمی انجام گرفته است به اطلاع مجمع عمومی هر کنگره می‌رسد. هر کمیسیون می‌تواند با کشورهای عضو همکاری کرده و گردهمایی‌های ویژه‌ای برگزار نماید.

دبیرخانه انجمن بین‌المللی جغرافیائی بولتنی منتشر می‌سازد به نام I.G.U. Buttelin که به دو زبان انگلیسی و فرانسه منتشر می‌گردد.

اخبار جغرافیائی

دستگاه آسمان نما که به ابتکار کانون تهیه شده بازدید نمودند .
 * روز یکشنبه سوم آسفند ماه ۶۵ جلسه گروه آموزشی جغرافیای استان تهران با حضور کارشناس گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و رابطین مناطق بیست گانه تهران تشکیل گردید . در این جلسه درباره چگونگی برگزاری سخنرانیهای جغرافیائی دفتر تحقیقات ، توجه کافی به نظرات دبیران جغرافیا ، نحوه امتحان نقشه گنگ جهت کلاسهای چهارم دبیرستان و سایر مسائل بحث و گفتگو به عمل آمد .
 * دفتر معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش نقشه های تهیه شده قبلی را از تاریخ ۶۵/۱۱/۲۵ لغایت ۶۵/۱۲/۲۱ از طریق دفتر آموزش عمومی در اختیار ستاد تجهیزات استانها قرار داده تا با تشخیص اولویت در اختیار آموزشگاههای کشور قرار داده شود .

* کارشناسان گروه جغرافیای دفتر تحقیقات در تاریخ ۶۵/۱۰/۱۰ جهت استماع و ضبط بیانات استاد فؤاد سزگین در بنیاد دایرة المعارف اسلامی ایران حضور یافتند . آقای فؤاد سزگین از شخصیت های بزرگ علمی جهان هستند که بنابه دعوت بنیاد دایرة المعارف اسلامی جهت ایراد یک رشته سخنرانیها و مصاحبه ها به ایران دعوت شده بودند . مشارالیه از دانشمندان موعسه آلمانی دانشگاه فرانکفورت می باشند که تحقیقات وسیعی درباره تاریخ علوم و بویژه سهم مسلمین در این میان داشته اند .
 از کارهای بزرگ این استاد تهیه فهرست کتب خطی است که تا کنون ده جلد آن انتشار یافته و مابقی در دست تهیه و تحقیق می باشد . مجموعه های از مقالات و تحقیقات نیز گردآوری کرده اند که مراجعه دانشمندان را بدانها آسان می سازد .

سخنرانیهای فؤاد سزگین درباره تاریخچه جغرافیای ریاضی و کوششهای دانشمندان اسلامی در این زمینه بوده که به زبان فارسی ایراد شد و جمعی از اساتید از بیانات ایشان بهره بردند .

* در تاریخ ۶۵/۹/۱۶ بخشنامه ای به شماره ۶۸۹۵.ت.ب. از طرف گروه جغرافیای دفتر تحقیقات بوسیله دفتر آموزش عمومی به معلمین جغرافیای مقطع راهنمایی ابلاغ شده مبنی بر اینکه مطالبی که در کادر آبی کتابهای جغرافیای راهنمایی گنجانده شده است به دلیل ارتباط با سایر مطالب و پیشنهاد اکثر دبیران مربوطه در کلاسها تدریس شود اما از این مطالب نهایتاً " امتحان به عمل نیاید .

* روز شنبه ۶۵/۱۲/۲ آقای دکتر حداد عادل ریاست محترم سازمان پژوهش و معاون وزیر به اتفاق مدیر کل و معاونین دفتر تحقیقات و کارشناسان گروه جغرافیا در محل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ناحیه ۱۴ آموزش و پرورش حضور یافته و از

سخنرانی



نهمین سخنرانی جغرافیائی در سال جدید در روز دوشنبه چهارم آسفند ماه ساعت ۲ بعد از ظهر بوسیله آقای دکتر شکوئی استاد دانشگاه

در سالن شهید رجایی سازمان پژوهش درباره جغرافیا با گرایش به جغرافیای انسانی ایراد گردید.

همچنین در تاریخ ۶۵/۱۲/۱۹ ساعت ۲/۵ بعدازظهر در همین سخنرانی جغرافیائی گروه جغرافیا بوسيله خانم دکتر فشارکی استاد دانشگاه در محل سازمان پژوهش ایراد گردید. موضوع سخنرانی تعاریف و مفاهیم چشم انداز در جغرافیا بود. این هر دو سخنرانی با استقبال دبیران جغرافیا مواجه شد و عده کثیری جهت استماع حضور یافته و در مباحثات پایان جلسات شرکت داشتند.

* سلسله سخنرانیهای جغرافیائی توسط دفتر آموزش ضمن خدمت در برخی از استانهای کشور به شرح زیر برگزار گردیده که مورد استفاده دبیران جغرافیا قرار گرفته است.

۱- استان آذربایجان شرقی روزهای بیستم و بیست و یکم آذر ماه، سخنرانان عبارت بودند از: آقایان دکتر شکوئی درباره نقش جغرافیا در دنیای ما، دکتر رهنمائی، درباره دیدگاههای جدید جغرافیای اجتماعی و اقتصادی و توجه به جغرافیای ناحیه‌ای و دکتر نوروزی درباره اقتصاد جهان سوم در رابطه با اقتصاد ایران.

۲- استان هرمزگان روزهای نهم و دهم دی ماه که سخنرانان آقایان دکتر پاپلی (جغرافیای کاربردی)، دکتر امین سبحانی (ژئو-مورفولوژی هرمزگان) و دکتر وهاب زاده (فلسفه جغرافیا) را مورد بحث قرار دادند.

۳- استان بلوچستان و سیستان روزهای بیست و نهم و سیام بهمن که آقایان دکتر آریانی درباره نقشه خوانی، دکتر پاپلی، جغرافیای کاربردی، دکتر امین سبحانی، ژئومورفولوژی، و دکتر نظریان درباره جمعیت ایران صحبت کردند.

ماربورگ و بن آلمان غربی به ایران آمدند و برای اقامت چند روزه‌ای در تهران، اصفهان و شیراز از برخی از دانشکده‌ها بازدید و با تعدادی از استادان رشته جغرافیا به صحبت نشستند.

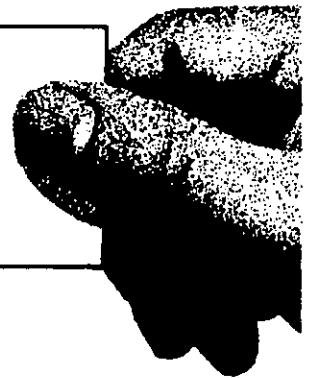
گروه جغرافیای دفتر تحقیقات نیز در تاریخ ۲۲ آبان ماه در محل هتل استقلال تهران مصاحبه‌ای با ایشان به عمل آورده که ضمن شرح حال مختصری از مشارالیه، چگونگی مصاحبه را در ذیل می‌آوریم:

آقای پروفسور اهلرز در مارس ۱۹۳۸ در شهر دویسبورگ آلمان متولد شده، تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در آن شهرو تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاههای ماربورگ (Marburg) آلمان غربی و سوتامپتون (Southampton) انگلیس و دانشگاههای دیگر اروپا ادامه داده و در سال ۱۹۲۵ از مؤسسه جغرافیای دانشگاه توبینگن (Tuebingen) موفق به دریافت درجه دکترای جغرافیا شده و بلافاصله به استادیاری مؤسسه جغرافیای دانشگاه توبینگن انتخاب گردیده است. از ویژگیهای مؤسسه جغرافیای این دانشگاه اشتغال به پژوهشهای گوناگون طبیعی و انسانی در سرزمینهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا است. حاصل این تحقیقات را می‌توان در انتشارات این مؤسسه جغرافیائی ملاحظه کرد و بدین مناسبت آقای اهلرز از ابتدای تحصیل در این دانشگاه به جغرافیای خاورمیانه و بویژه ایران متمایل می‌شود. وی نخستین سفر علمی خود را به ایران در سال ۱۹۶۷ در صفحات شمالی انجام می‌دهد و ثمره این مسافرت رساله‌ای است تحت عنوان «جلگه‌های جنوب خزر» پس از تصویب و انتشار این رساله به طور موقت در سال ۱۹۷۰ به مقام دانشیاری در مؤسسه جغرافیای دانشگاه گیت (Giessen) آلمان غربی نائل گردیده و از سال ۱۹۷۲ تا کنون در مقام استاد رسمی صاحب کرسی مؤسسه جغرافیای دانمارک به کار اشتغال دارد.

از خدمات ذیقیمت علمی ایشان راهنمائی و تعلیم تعداد دانشجویان ایرانی دانشگاه مزبور است که دوره دکتری را با گذراندن و اینک در کادر علمی دانشگاههای ایران به اشتغال دارند. همچنین آخرین اثر آقای اهلرز کتابی است عنوان جغرافیای ایران که بخش طبیعی آن را آقای دکتر ترجمه کرده‌اند و اخیراً انتشار یافته است. کتاب دیگری منابع و مآخذ موجود درباره ایران نیز به اهتمام ایشان شده است.

در ابتدای مصاحبه با آقای اهلرز کارشناسان گروه جهت تحقیقات به ایشان خوش آمد گفتند و آقای اهلرز در خوشحالی خود را از ایام اقامت در ایران و ملاقات جغرافیا اضاها داشتند و سپس سؤالاتی مطرح شد بدانها پاسخ دادند:

مصاحبه با پروفسور اهلرز



از تاریخ هجدهم تا بیست و دوم آبان ماه ۶۵ آقای پروفسور اکارت اهلرز استاد جغرافیا در مؤسسه جغرافیای دانشگاه فیلیپ -

س ۱ - به نظر شما روش تحقیق در مسائل جغرافیایی بویژه مطالبی که هنوز بر روی آنها کار نشده است چگونه باید باشد ؟
ج ۱ - من فکر می‌کنم که تحقیق در مسائل جغرافیایی ایران بخصوص برای دانش‌آموزان و دانشجویان از دو راه بیشتر امکان دارد، یکی تحقیق درباره پدیده‌هایی که در محیط وجود دارد که باید روشی را انتخاب کرد که جغرافیای کاربردی مورد استفاده باشد خصوصا " در کشور ایران که باید گرایش به جغرافیای کاربردی بیشتر باشد .

دوم یادگیری با تکیه و تطبیق بر آمار و ارقام . البته باید دانش‌آموزان کاربرد ابزار جدید را که در جغرافیا مورد استفاده قرار می‌گیرند یاد بگیرند و همچنین از تصاویر ماهواره‌ای در تحقیقات بهره‌برداری شود .

س ۲ - آیا کتابهای جغرافیای مدارس ایران را دیده‌اید ؟ می‌توانید به طور مختصر درباره آنها اظهار نظر کنید ؟

ج ۲ - من از کتابهای درسی جغرافیای ایران اطلاع زیادی ندارم اما از مسئولان و تهیه‌کنندگان کتاب جغرافیا در آلمان هستم و به این نتیجه رسیده‌ام که کتاب مهمترین عامل پیشرفت علمی در هر رشته است .

س ۳ - اهمیت تدریس جغرافیا در آلمان امروز در چه حدی است ؟

ج ۳ - در آلمان امروز جغرافیا دچار رکود شده است . دلیلش این است که در کشور ما با تقسیماتی که دارد از ایالتی به ایالت دیگر وضع جغرافیا فرق می‌کند . آنچه که رایج است جغرافیا با علوم دیگر مثل تاریخ و جامعه‌شناسی تدریس می‌شود ، اما این کار درست نیست و من می‌گویم باید جغرافیا رشته مستقلی باشد .

س ۴ - تحقیقات جغرافیایی در آلمان در چه وضعی است ؟

ج ۴ - جامعه جغرافیایی آلمان برای پژوهش استقلال ویژه‌ای دارد ، این امتیازی است که بر سایر نقاط جهان دارد . هر جغرافیدان حتی غیر وابسته اگر علاقه داشته باشد مؤسسه مرکزی پژوهش‌کارش را ارزیابی و تأمین اعتبار می‌نماید و هر کس می‌تواند به این مؤسسه مراجعه کند و از آن در راه تحقیق استفاده نماید . از این رو جامعه جغرافیای آلمان در سطح جهان اهمیت دارد .

س ۵ - کتابهای مشهور جغرافیایی جهان کمتر به زبان آلمانی ترجمه می‌شود ، دلیلش چیست ؟

ج ۵ - تردیدی نیست که این استنباط درستی است ، زبان انگلیسی زبان علمی دنیاست ، در سطح دنیا تعداد انگلیسی‌دانان زیاد هستند و همه قبول کرده‌اند که زبان رایج دنیاست و ما خودمان برای انتقال معلومات ، مقالات را به زبان انگلیسی می‌نویسیم .

س ۶ - آلمان از دانش جغرافیای کشورهای دیگر بهره می‌گیرد ؟

ج ۶ - امروزه در آلمان شاخه‌های جغرافیا اینقدر تخصصی است

که اهمیت هر کدام را بیشتر از دیگری می‌دانند و اطلاعات جغرافیایی کاربرد زیادی دارد ، که یکی از اقدامات عمده جمع‌آوری اطلاعات جغرافیایی از همه دنیاست .

س ۷ - مدرسین جغرافیای آلمان چه مدارجی را طی می‌کنند ؟

ج ۷ - در آلمان آموزش جغرافیا در دانشگاه ۵ تا ۶ سال طول می‌کشد ، بعد از آن ۱/۵ تا ۲ سال کار می‌کنند تا جذب معلمی شوند ، امروز این کار با تأمل بیشتری صورت می‌گیرد و در دو رشته دیگر باید کار کنند .

س ۸ - آیا کتاب جغرافیای استانهای ایران را دیده‌اید یا خیر ؟

ج ۸ - برای اولین بار می‌بینم و خوشحالم که چنین کتابهایی تهیه کرده‌اید .

در پایان کارشناسان گروه جغرافیا از پروفسور اهلز به خاطر شرکت در این مصاحبه و از آقای دکتر رهنمائی استاد دانشگاه به خاطر کمک در انجام مصاحبه سپاسگزار می‌گردند و همچنین یک دوره کتاب جغرافیای استانها و یک دوره مجله رشد آموزش جغرافیا تا آنجا که منتشر شده بود به رسم یادبود به ایشان اهداء گردید .



کتابهای تازه

از طرف دفتر فنی مرتع سازمان جنگلها و مراتع کشور
سری نشریات زیر به دفتر مجله واصل گردیده است :

۱- روشهای اجرائی احیاء و اصلاح مراتع کوهستانی، نوشته: سید حسین موسوی اقدم، تاریخ انتشار ۱۳۶۴، در این کتاب ضمن بیان کلیاتی در مورد روشهای احیاء مراتع، شناخت و انتخاب اراضی، انتخاب گونه‌ها، روش کاشت، سایر عملیات اصلاحی، حفاظت و بهره‌برداری از مراتع اصلاح شده، تجزیه و تحلیل اقتصادی و نتیجه‌گیری به عمل آمده و پیشنهاداتی مطرح شده است.

۲- گیاهان مرتعی سلسله جبال زاگرس، طرق کشت و بهره‌برداری از آنها، نوشته: حشمتا... شوهانی، تاریخ انتشار ۱۳۶۴. در این کتاب بررسی و شناخت منطقه، اوضاع طبیعی سلسله جبال زاگرس، پوشش گیاهی منطقه، آب و هوای سلسله جبال زاگرس، خاک منطقه زاگرس، گیاهان غالب و چیره منطقه، تیره گرامینه، گندمیان، گیاهان تیره لگومینوز (غلات) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳- نگرشی به مسائل تولید بذور مرتعی و علوفه‌ای دیم و سیاستهای دفتر فنی مرتع در ارتباط با تأمین آن، نوشته: جواد مقیمی، تاریخ انتشار ۱۳۶۴. در این کتاب ضمن مقدمه‌ای در ضرورت تولید بذور مرتعی به بررسی وضع منابع موجود تأمین بذور و یزاکندگی ایستگاههای مربوطه در شهرستانها و مسائل و مشکلات آنها پرداخته و خرید بذور از داخل و خارج کشور و مسائل مربوطه بررسی شده و به سیاستهای کلی تأمین بذور پرداخته است. سایر بخشهای کتاب به طرحها و برنامه‌های تنظیمی جهت ایستگاههای تولید بذور علوفه، تأمین بذور از سایر منابع مثل بخش دولتی و خصوصی، خلاصه مطالب ارائه شده، و سپس دستورالعمل فنی کشت به منظور

تولید بذور اختصاص یافته است.

۴- طرح احیاء و احداث مراتع مشجر، نوشته: هدایتا... شمسی، تاریخ انتشار ۱۳۶۴. بخشهای مختلف این کتاب عبارتند از: هدف، نام و مساحت طرح، اعتبارات، تهیه خزانه، آماده کردن زمین، ایجاد برکه‌های آبی، بذرپاشی و بذرکاری، نهالکاری گونه‌های مناسب، تهیه بذور، کودپاشی.



۵- اکولوژی مرتع ، ترجمه و تألیف : گودرز شیدائی ، نودر سراج ، چاپ ۱۳۶۵ . فصول مختلف این کتاب عبارتند از : اکولوژی مرتع ، اقلیم و اثرات عوامل اقلیمی در مراتع ، جوزمین ، حرارت ، عامل نور ، عامل خاک ، آب موجود در خاک ، فیزیوگرافی (شکل زمین) ، عامل بیوتیک (زنده) ، عامل آتش سوزی .

۶- مراتع کشور و روشهای مدیریت و اصلاح و احیاء آن ، نگارش : علی فضیلتی و هادی حسینی عراقی ، تاریخ انتشار ۱۳۶۴ . در این کتاب ابتداءً پراکندگی مراتع و خصوصیات آنها مدنظر قرار گرفته و سپس روشهای گوناگونی برای اصلاح و احیای آنها مطرح شده است .
۷- گیاه خارشتر ، روش کاشت و خواص سیلوکردن آن ، تهیه و تنظیم : مهندس سید محمد هاشمی .

۸- فرسایش در تونس ، ترجمه : مهندس معصومه پیلهوری در مورد چگونگی فرسایش توسط عوامل مختلف در کشور تونس که در این نشریه چگونگی فرسایش بوسیله ۴۹ تصویر با توضیحات مربوطه نشان داده شده است .

جغرافیای حمل و نقل ایران

سید حسین ناطق الإسلام ، از انتشارات معاونت طرح و برنامه دفتر مطالعات کار و وزارت کار و امور اجتماعی در ۲۵۱ صفحه با منابع و مآخذ و فهرستها ، تهران (اسفند ۱۳۶۴) . کتاب مذکور دارای چهار فصل تحت عناوین زیر است :

- فصل اول ارتباطات و حمل و نقل ایران که در آن به ارتباطات و رابطه آن با مفاهیم جغرافیای انسانی ، اقتصاد و توسعه پرداخته و کلیاتی نیز راجع به انواع حمل و نقل در ایران آورده شده است .
- فصل دوم وسائط نقلیه موتوری و طرح توزیع آنها که در آن گزارش بانک مرکزی در زمینه آمار وسائط نقلیه شماره گذاری شده کشور مورد بررسی قرار گرفته و سپس چگونگی توزیع وسائط نقلیه برحسب استانهای کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است .
- فصل سوم شامل گذری بر صنایع وسائط نقلیه موتوری ایران می باشد و فصل چهارم کتاب مباحث پایانی را تشکیل می دهد و سپس پیشنهاداتی مطرح شده است .

در مقدمه کتاب جغرافیای حمل و نقل ایران در مورد اهمیت حمل و نقل چنین آمده است :

« حمل و نقل در یک گستره جغرافیایی چون شریانهای حیاتی آن محیط است که هر نوع فتور و سستی ، یا عنایت و حمایت از آن ، اثرات روشن ، صریح و سریعی در عملکرد فرهنگی ، اقتصادی ، انسانی و حیاتی آن منطقه دارد .

عرضه خدمات ترابری شهری و جاده ای و روستایی ، تبادل اقتصادی نیروی کار و تولید را تسهیل و تسریع می کند ، و سرمایه گذاریهای اقتصادی و عمرانی را افزایش می دهد و آهنگ رشد را پرشتاب می نماید

سخن کوتاه اینکه در زمینه اقتصادی ، شناخت ترابری مملکت و توجه کیفی بدان ، فرصتهای اشتغال را افزایش می دهد و مشاغل و حرف موجود را از کارآمدی برتر برخوردار می سازد ، راندمان تولید را بالا می برد و فاصله بین نقاط تولید و مصرف را کوتاه می کند .
بر همین اساس ناگزیر از مطالعه توأم جغرافیای اشتغال و جغرافیای حمل و نقل می باشیم و همین الزام ، ارتباط موضوعی این یادداشت را با مسائل وزارت کار و امور اجتماعی بیان می دارد .



نقشه جدید شهر همدان

اخیراً " از سوی موسسه گیتاشناسی نقشه شهر همدان به دو زبان فارسی و انگلیسی در مقیاس ۱:۱۵۰/۰۰۰ در اندازه ۷۵ × ۱۰۰ به صورت رنگی منتشر شده است . نقشه فوق با آخرین اطلاعات توریستی و جغرافیایی همراه با نقشه فرعی از شهرستان همدان به مقیاس ۱:۳۰۰/۰۰۰ و فهرست اسامی کلیه اماکن عمومی از جمله ادارات و نهادهای انقلابی ، مراکز آموزشی ، مراکز درمانی و بهداشتی ، هتلها ، مراکز دیدنی و غیره . . . به قیمت ۲۰۰ ریال عرضه می شود .

